گنجینه دستنویس های پهلوی
و پژوهش های ایرانی
۴۸

دستنویسهای پهلوی
ک ۲۰، ک ۲۰ ب
ارداویرافنامه، بندهش و جز آن

به کوشش
دکتر ماهیار نوابی

با همکاری فنی
دکتر محمود طاووسی

از انتشارات
مؤسسه آسیائی «دانشگاه پهلوی» شیراز

سرآغاز

اشارات دانشمندان و فیلسوفانی چون ابوریحان بیرونی و محمد زکریای رازی و شهاب الدین سهروردی به حکمت خسروانی و فلسفهٔ ایرانی، تذکر پلینیوس رومی دربارهٔ استفاده هرمیپوس یونانی از کتابهای زرتشتی، مطالبی که در کتابهای قابل استنادی چون مروج الذهب، مجمل التواریخ والقصص، نامه های پیغمبران بنی اسرائیل و احادیث اسلامی آمده است، وجود مراکز مهم علمی در نصیبین و رُها و تیسفون و جندی شاپور، ترجمه های بازماندهٔ عربی از زبان پهلوی، پیدایش دانشمندان و فیلسوفان و اندیشمندان بلند پایه ای در دوران طلائی اسلامی یعنی دوران خلافت عباسیان، از این سرزمین، که شمار آنها از دانشمندان هریک از کشورهای اسلامی دیگر و بلکه از همهٔ آنها روی هم بیشتر است،

وجود سنگ نبشته های پارسی باستان و پارسی میانه و پارتی، نامه مینوی اوستا، آثار باز مانده مانویان به زبانهای پارسیک و پهلوانیک و سغدی و ترکی و چینی و قبطی و کتابهای پهلوی (= پارسیک) چندی که تاکنون بجای مانده اند، همه دلالت بر وجود فرهنگ و تمدنی بزرگ و درخشان، از دیر باز، در سرزمین ایران بزرگ میکند که بر پایه های فلسفه ایرانی استوار گشته است .

علت هر چه باشد، سیاسی یا اقتصادی و یا اجتماعی یا تغییر خط و یا همه آنها با هم، قدر مسلم این است که بسیاری از آثار مدون دوران ساسانی و آغاز دوران اسلامی ایران از میان رفته است، و عده ای که از دستبرد زمانه رهائی یافته اند در موزه ها و کتابخانه های مهم اروپا و بیشتر در هندوستان و در کتابخانه های پارسیان نگاهداری میشود. اینها میتوانند روشنگر زوایای ناشناخته تاریخ و فرهنگ کهن ما باشند، و از این رو نگاهداری و چاپ و انتشار آنها و تشویق دانشمندان به مقابله و تصحیح و ترجمه این گنجینه ها که ما را به شناخت بیشتر زبان فارسی و غنای آن در بیان مفاهیم یاری میکند، بر ما واجب است .

و باز از این رو بود که هنگامی که دوست دانشمند و ارجمندمن استاد دکتر ماهیار نوابی رئیس مؤسسه آسیائی

دانشگاه پهلوی پیشنهاد کرد که برای بزرگداشت پنجاه سال شاهنشاهی خجسته دودمان پهلوی و شادی روان بنیان گذار آن پنجاه نسخه خطی پهلوی را از سوی مؤسسه آسیائی دانشگاه پهلوی چاپ و منتشر کنیم، این پیشنهاد را از دل و جان پذیرفتیم.

این پنجاه جلد کتاب پهلوی و کتاب بارگاه رضا هدیه هائی است که در این آیین ملی برگزاری جشن پنجاهمین شاهنشاهی پهلوی با فروتنی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر ریاست عالیه دانشگاه پهلوی و علیاحضرت شهبانو فرح ریاست عالیه مؤسسه آسیائی دانشگاه پهلوی تقدیم میشود.

فرهنگ مهر -
رئیس دانشگاه پهلوی

دیباچه

مؤسسهٔ آسیائی وابسته به دانشگاه پهلوی افتخار دارد که بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی دودمان پهلوی را، مجموعه‌ای در پنجاه جلد، از دستنویسهای پهلوی و اوستائی و پژوهشهای ایرانی چاپ کند و به دوستداران فرهنگ و ادب ایران تقدیم دارد.

در تابستان سال دو هزار و پانصد و سی و سه شاهنشاهی در گروهی سخن از خدمات برجستهٔ رضاشاه بزرگ بدین سرزمین و روز تاجگذاری وی (چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۰۵ هجری خورشیدی) می‌رفت، در آن هنگام اندیشهٔ چاپ مجموعه‌ای از متن‌های پهلوی یادبود پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی را از خاطرم گذشت و سپس این اندیشه را با رئیس دانشمند دانشگاه پهلوی جناب آقای دکتر فرهنگ مهر، که از شیفتگان فرهنگ ایرانند و از یاری شناساندن این فرهنگ کهن هیچگاه دریغ نکرده و نمی‌کنند، در میان گذاشتم تا اگر در این اندیشه با من همداستان باشند مراتب را به شرف عرض شهبانوی فرهنگ پرور ایران، ریاست عالیهٔ مؤسسهٔ آسیائی برسانند

مگر اجازه فرمایند تا موسسهٔ آسیائی بدین کار شایسته دست یازد.

جناب آقای دکتر فرهنگ مهر با پیشانی گشاده و آغوش باز ازین اندیشه استقبال کردند و مراتب را به شرف عرض شهبانوی ایران رساندند و دیری نگذشت که فرمان علیاحضرت شهبانو بدین کار نیک شرف صدور یافت و به موسسهٔ آسیائی ابلاغ شد.

شورای استادان موسسهٔ آسیائی، با الهام از نام خاندانی، که جشن بزرگداشت شاهنشاهی آن را، مردم ایران امسال برگزار میکنند، چاپ کردن کتاب یا دستنویسهای پهلوی را در درجه اول اهمیت قرار داد. کشوری که در آن بیش از هر کشور دیگر میتوان به دستنویسهای پهلوی و اوستائی دست یافت، کشور هندوستان است. هرچند بدبختانه هوای گرم و نمناک آنجا با کتاب سازگار نیست و کاغذ را زود شکننده و تباه میسازد و می پوساند.

در فهرستی که جمشید کاووس جی کاتراک به نام «گنجینه های شرقی» (ORIENTAL TREASURES) گرد آورده و به سال یکهزار و نهصد و پنجاه و یک میلادی (دوهزار و پانصد شاهنشاهی)

به چاپ رسانده است. از بیش از یکهزار دستنویس ایرانی و هندی نام برده که اکنون برخی از آنها از میان رفته است، و این، نه تنها بواسطهٔ آب و هوای هندوستان بوده، بلکه بی توجهی و نادانی هم در نابودی آنها بهره ای بسزا داشته است. گردآورندهٔ فهرست یادشده به نگارنده این سطور میگفت: «سی سال پس از چاپ آن فهرست گذارم بکتابخانه ای افتاد که خداوند آن صاحب چندین دستنویس پهلوی و اوستائی بود، چون آنها را دیده و پژوهیده و نام آنها را در فهرستم آورده بودم، خداوند خانه بجهان دیگر شتافته بود، چون از کدبانو سراغ دستنویسها را گرفتم، وی آنها را از راه دینداری و برای آنکه مبادا برگ پاره های آنها زیر پا بیفتد و برای وی گناهی بزرگ بشمار آید به آب دریا سپرده بود.»

با این همه، هم اکنون، چندین صد دستنویس پهلوی و اوستائی در هندوستان هست که تقریباً همه از روی دستنویسهای کهنه تر رونویس شده اند. بیشتر آنها روزگاری از آنِ کتابخانه های شخصی بوده و رفته رفته به کتابخانه های عمومی و مؤسسات راه یافته اند تا بیشتر و بهتر از آنها نگاهداری شود و کمتر در معرض نابودی قرار گیرند. از این کتابخانه ها میتوان کتابخانهٔ مؤسسهٔ شرقی کاما و کتابخانهٔ «نخست دستور، مهرجی رانا» را نام برد که صاحب مجموعه های گرانبهائی از دستنویسهای پهلوی و اوستائی اند

پاره ای از دستنویس ها نیز توسط شرق شناسان به کتابخانه های مهم اروپا رسیده اند
که مهمترین آنها مجموعه دستنویسهای اوستا و پهلوی » دوازده جلدی کپنهاک است که توسط
شرق شناسی بنام وسترگارد به اروپا برده شد و جانشین او کریستین سن CHRISTEN-
SEN آنها را چاپ کرد و بر آنها دیباچه نوشت . این کتابها اکنون بسیار کمیاب
و چند مجلد آن نایاب است .

برای انجام دادن فرمان ، از دوست دانشمندم دستور کیخسرو جاماسب آسا ، دستور
بزرگ شهر بمبئی و رئیس کتابخانه «موسسه شرقی کاما» ، یاری خواستم تا از هیئت امنای کتابخانه های
«موسسه شرقی کاما» ، و نخست دستور مهرجی رانا» اجازه عکسبرداری از دستنویسهای پهلوی شان را بگیرد
و اگر خود یا دوستانش دستنویسهای ارزنده دارند بر آنها بیفزاید ، کار گزینش دستنویسها برای
عکسبرداری نیز به عهده وی واگذار شد تا آنچه را مهم و میسور می داند برگزیند . این کار به دشواری انجام
گرفت چه دستنویسها از طرف هیئت امنای کتابخانه ها و خاندان انگلساریا (که چند
دستنویس از این مجموعه متعلق به آنان است) تنها به او سپرده شده ، و وی ، امانت داری را

رنج سفر بر خود هموار ساخت و با دو جامه دان پر از کتاب به ایران آمد، سه ماه تمام از بام تا شام،
در چاپخانه های دانشگاه پهلوی شیراز و دانشگاه تهران گذراندند و در همه جا با دستنویسها همراه بود،
من و همدستانم از مؤسسه آسیائی نیز همه جا با وی همگام بودیم تا کار عکسبرداری سی و چند دستنویس
بپایان رسید، دستور کیخسرو مجبور بود به بمبئی بازگردد ما نیز برای تطبیق عکسها با دستنویسها و رفع کمبود آنها
در پی وی به هندوستان رفتیم تا این مهم انجام شد. نامه ای نیز به پروفسور آسموسن استاد دانشگاه کپنهاگ
نوشتم که اجازه تجدید چاپ دستنویسهای کتابخانه کپنهاگ را از ناشر نخستین آنها MUNKS-
GAARD بگیرد، اجازه گرفته شد و نامه ها به چاپ رسید.

مؤسسه آسیائی سپاس و درود فراوان خود را به پیشگاه شهبانوی فرهنگ پرور که
با فرمان خود این افتخار را نصیبش ساخته، تقدیم می دارد.

از جناب آقای دکتر فرهنگ مهر رئیس دانشگاه پهلوی که در راه پیشرفت کار از هیچ یاری
معنوی و مادی دریغ نکرد سپاسگزار است.

از دستور کیخسرو جاماسب آسا که با یاری وی چاپ این مجموعهٔ پنجاه جلدی میسور میشود سپاسگزار است.

از پروفسور آسموسن که اجازهٔ چاپ مجموعهٔ اوستا و پهلوی کپنهاک به پایمردی او انجام یافت سپاسگزار است.

از دکتر بهرام فره‌وشی مدیر عامل ادارهٔ انتشارات دانشگاه تهران که چاپ کردن بیست و چند جلد از این مجموعه را در چاپخانهٔ دانشگاه تهران پذیرفت و چاپ آنها با مشاورهٔ فنّی وی میسّر شد سپاسگزار است.

از دکتر محمود طاووسی که تطبیق و ویراستن و آراستن هر صفحه از تمام این مجموعه بدست وی و با مشورت وی انجام شد سپاسگزار است.

ماهیار نوّابی

استاد و رئیس مؤسسهٔ آسیائی

دیباچه

ارتور کریستین سن در بارهٔ این دستنویس چنین مینویسد :

"دستنویس ک ۲۰ دروضع کنونیش ۱۷۳ برگ دارد . هنگامیکه به تصرف کتابخانهٔ (کپنهاگ) درآمده وضع خوبی نداشته است و از آن بخوبی نگهداری نمیشده است . چندین برگ از آن افتاده و بسیاری از برگها پاره و فرسوده شده بوده است . [1] وستر گارد یادآورشده است که پنج برگ ازاین دستنویس افتاده و گم شده است و درنتیجه ، یعنی با در نظر گرفتن برگهای گم شده در این کتابخانه پوشه‌هایی که هریک برگی از این دستنویس را در بردارد از ۱ تا ۱۷۸ شماره گذاری کرده و برگهای گم‌شده را شماره ۱، ۱۲۱، ۱۴۵، ۱۵۴، ۱۵۵ تعیین کرده‌اند . در اصل، هر یک از برگهای این دستنویس، درگوشهٔ چپ و بالای آن شماره‌ای به گجراتی داشته است و چون گوشهٔ برگها فرسوده و پاره شده، این شماره ها نیز ناپدید گشته است ولی اثر مختصری که از آنها برجای مانده است نشان میدهد که شماره گذاری بعدی آنها، که‌برروی پوشهٔ هر برگ گذاشته شده است، با شماره‌های کجراتی تا برگ ۹۳ برابر است ولی از برگ ۹۷ ببعد بادو شماره باهم اختلاف دارند یعنی شماره ۹۷ پوشه برابر میشود با شماره ۹۹ گجراتی برگ درون آن، اگرچه چنانکه از خود متن و همچنین از مقایسه آن با "بند هشن ایرانی" بر میآید، میان برگهای ۹۳ تا ۹۷ [2] هیچ افتادگی ندارد . این اختلاف را بایستی نتیجه سهل انگاری و بی‌توجهی نویسندهٔ این دستنویس دانست که برگها را به گجراتی شماره گذاری کرده است . شماره گذاری گجراتی دیگری که درپائین و پشت هربرگ جای دارد با شماره پوشه‌ها برابر است . من، شماره‌گذاری پوشه‌ها را، تا آنجا که ممکن بوده‌است عینا نقل کرده‌ام ولی گاه تغییر و ترتیب تازه‌ای در آنها لازم بوده است چنانکه بررسی دقیق دکتر ج.ک. تاوادیا [3] از کتاب "روایات پهلوی" که برگهای ۱۶۷ تا ۱۷۰ این دستنویس نیزمربوط بدان‌است، برمی‌آید، برگ ۱۷۰ بایستی‌بجای ۱۶۷ وبرگ ۱۶۷بجای ۱۶۸ باشدوهمچنین تابرگ ۱۷۰ . ونیزهنگامیکه به اندرز اوشنر میرسیم وضع ازاین بدترمیشود . چه همه برگهادرهم و یکی‌از آنها گم‌شده‌است . ازدستنویس ک ۲۱ ، ۴، که رونویسی است از ک ۲۰، کمکی دراین باره نمیتوان گرفت چه‌آن نیز در این موردناقص‌تر از اصل است . یادداشتی بامداد برپوشهٔ این قسمت نوشته شده است که شک نویسنده را درترتیب‌برگها میرساند . برگی که باید به درست شمارهٔ ۱۴۳ باشد و دنبالهٔ مطلب برگ ۱۴۲ است به غلط به جای ۱۴۷ گذاشته‌شده است [4] روی این برگ پایان بهمن یشت وآغاز اندرز اوشنراست . پایان اندرز اوشنربر روی برگ ۱۴۸ است و این مطلب رافهرست دستنویس های‌کتابخانه شهرمونیخ گرد آوردهٔ بارتو لمومه [5] تأیید میکند . پس بجز این دو برگ اندرز اوشز سه برگ دیگر راهم دربرگرفته است که یکی، چنانکه‌پیش از این یاد شده گم شده است . بهر حال برای من، با وضع فعلی این دستنویس، قرار دادن این سه‌برگ بجای درست خود ممکن نبود، چاپ تازه‌ای از "اندرز اوشنر" راهم‌که دابار دربمبئی کرده‌است دردسترس

من نبود، مرتب کردن دوبارهٔ این بخش دستنویس و به جای نهادن این سه برگ بیاری بررسی مهرآمیز دکتر تاوادیا برای من میسر شد .

علاوه بر شمارهٔ برگها، صفحه های چاپ فعلی این کتاب بی‌آنکه برگهای گم شدهٔ آن درنظرگرفته شود شماره گذاری شده است .

این دستنویس سه پایان‌نویس داردکه بترتیب سال‌های ۶۹۰ و ۷۲۰ و ۷۰۰ یزدگردی (۱۳۲۱، ۱۳۵۱ و ۱۳۳۱ میلادی) را نشان میدهد . درین باره وست مینویسد : [۶] "سه متنی‌که پیش از بندهش جای دارند پایان نویس‌های تاریخ دار دارند و تاریخ هاشان سال‌های ۶۹۰ و ۷۲۰ و ۷۰۰ است و همهٔ اینها در ۳۶ برگ جای دارند وبنابراین روشن است که تاریخ ها از روی دستنویسهای کهنه‌تری رونویس شده است، اما چنانکه ازکاغذ آنها پیداست نمیتوان تاریخ نوشتن آنها را ازسال ۷۲۰ یزدگردی (۱۳۵۱ میلادی) خیلی بالاتربرد و حتی دلایلی برای اینکه باورکنیم‌این دستنویس تنهاچندین سال پیش ازسال ۷۶۶ یزدگردی (۱۳۹۷ میلادی) نوشته شده است در دست داریم ." و همو در چند صفحه بعد گواه این ادعا را، که‌در نتیجهٔ مقایسهٔ این دستنویس با دستنویس م ۶ مونیخ (= م ۵۱ در فهرست بارتولومه) بدست‌آورده‌است چنین مینویسد : "مطابقت بسیار نزدیک ک۲۰ و م۶ در بسیاری از جاهای دیگر، این گمان را، که این هردو از روی یک نسخه اصلی رونویس شده‌اند، به حقیقت نزدیک میسازد، که دراین صورت ک۲۰ بایستی چند سالی زودتر از م۶ و پیش ازآنکه نسخهٔ اصلی تباه و فرسوده و ناخوانا شود، نوشته شده باشد . این نیز ممکن است که ک۲۰ از روی نسخهٔ دیگری که نسخهٔ اصلی م۶ بوده نوشته شده باشد، که دراین صورت تاریخ نوشتن ک۲۰ بیشتر نامعلوم میشود و حتی ممکن است پس از م۶ باشد ." بهرحال میتوان تقریبا" یقین داشت که ک۲۰ در آغاز سدهٔ پانزدهم یا در نیمهٔ دوم سدهٔ چهادرهم میلادی نوشته شده باشد .

ک۲۰ متن‌های زیر را در بردارد :

(۱) برگ ۲، (برگ ۱، گم شده است) : اردای ویراز[۸] نامگ . متن پهلوی و ترجمه انگلیسی آن‌را هوشنگ جی‌جاماسپ جی‌آسا و هوگ و وست چاپ کرده‌اند . [۹] . متن پهلوی آن رانیزکیخسروجاماسپ‌جی جاماسپ آسا بسال ۱۹۰۲ در بمبی چاپ کرده است[۱۰] . بارتلمی نیز آن را به فرانسه ترجمه و بسال ۱۸۸۹ در پاریس به چاپ رسانده است . [۱۱]

(۲) روی برگ ۲۹، سطر ۱۱ : ماذیگان یوشت فریان . متن پهلوی و ترجمهٔ آن را جاماسپ جی‌آسا و هوگ و وست با ارداویراف نامه [۹] چاپ کرده‌اند و بارتلمی آن را به فرانسه ترجمه کرده است . [۱۲]

روی برگ ۳۸، سطر ۹ . پایان نویس نخست (۶۹۰ یزدگردی) .

(۳) روی برگ ۳۸، سطر ۱۶ : در درازای سایه مردم در نیمروز و پسین . ترجمهٔ این متن درجزء "متن های پهلوی ترجمهٔ وست ج ۱ ص ۳۹۷ ببعد آمده است .

(۴) روی برگ ۳۹، سطر ۴ : قطعه‌ای از یشت (ازهادخت نسک) به اوستائی و پهلوی . متن اوستائی برابراست باقطعه‌های XXI (تا پشت برگ ۴۲ سطر ۱۵) و XXII (تاروی‌برگ ۵۱ سطر ۳) اوستای چاپ‌وسترگارد [۱۳] صفحه‌های ۲۹۴ ببعد . متن پهلوی و ترجمهٔ انگلیسی آن با اردا ویراف نامه و ماذیگان یوشت فریان‌چاپ جاماسپ جی آسا ــ هوگ ــ وست[۹] ص ۲۶۹ و ۳۰۳ آمده است . پایان این قطعه، پشت برگ ۵۰ سطر ۱۰ (= ۳۸۰ اوستای وسترگارد) برابراست بایشت ۱ و ۱۴.۳۱ این تکه درچاپ جاماسپ جی آسا ــ هوگ ــ وست نیامده است .

(۵) روی برگ ۵۱ سطر ۵ : دستورهای اهریمن به دیوخشم . یوستی‌این متن پهلوی را بعنوان فصل ۳۵ به بندهشی که متن و ترجمه آن را درلیپزیک بسال ۱۸۶۸ چاپ‌کرده[۱۵] (متن ص ۸۲، ترجمه ص ۴۶)

افزوده است. وست نیز آن را در "متن‌های پهلوی" ج ۱ ص ۳۸۷ و پس از آن ترجمه کرده است.
روی برگ ۵۱ سطر ۱۸ : پایان نویس دوم (۷۲۰ یزدگردی)
(۶) پشت برگ ۵۱ سطر ۱۳ شایست نه شایست. این متن را با ترجمه آن تاوادیا بسال ۱۹۳۰ در هامبورگ چاپ کرده است[۱۶]. پیش از وی نیز وست آنرا ترجمه کرده است[۱۷]
روی برگ ۷۴ سطر ۱۶ پایان نویس سوم نوشته شده است (۷۰۰ یزدگردی)
(۷) پشت برگ ۷۴، سطر ۳ : فرهنگ اوئیم ؛ واژه نامهٔ اوستا ـ پهلوی. ریخلت این متن را بسال ۱۹۰۰ در وین چاپ کرده است[۱۸].
(۸) روی برگ ۸۸، سطر ۵ : بندهش. این متن را وسترگارد بسال ۱۸۵۱[۱۹]، یوستی متن و ترجمه آنرا بسال ۱۸۶۸[۲۰] واوانوالا متن آن را بسال ۱۸۹۷ چاپ کرده است[۲۱] و وست ترجمه اش را در جزء متن‌های پهلوی آورده است[۲۲].
(۹) پشت برگ ۱۲۹، سطر ۳ : وهمن یشت (پهلوی) : متن پهلوی زند و هومن یشت را کیقباد آذر بدنوشروان در پونا بسال ۱۸۹۹ چاپ و وست آنرا در "متن‌های پهلوی" ج ۱ ص ۱۸۹ ـ ۲۳۵ ترجمه کرده است.[۲۳]
(۱۰) روی برگ ۱۴۳، سطر ۴ : اندرز اوشنر دانا. این متن را دابار در بمبئی بسال ۱۹۳۰ چاپ کرده است.[۲۴]
(۱۱) روی برگ ۱۴۸ سطر ۱۹ : ماذیگان گجستگ ابالش (پهلوی). بارتلمی این متن را درپاریس بسال ۱۸۸۷ چاپ کرده است.[۲۵]
(۱۲) روی برگ ۱۵۲ سطر ۸ : پاسخ آذربد مارسپندان به پرسش پادشاه ایران. (پهلوی)[۲۶]
(۱۳) روی برگ ۱۵۲ سطر ۲۰ : قطعه‌ای از یشت (اوستا و پهلوی) : متن اوستائی برابر است با بندهای ۳۹ ـ ۴۲ از قطعه XXII "زند اوستای" وسترگارد (ص ۳۰۰). اوانوشت این را دار مستتر در "پژوهشهای ایرانی" خود داده است (ج ۲ ص ۳۴۰ ببعد)[۲۷]
(۱۴) روی برگ ۱۵۶ : سروش یشت هادخت. متن اوستایی (یشت ۱۱) با ترجمهٔ پهلوی آن. صفحه‌های ۱۵۴ و ۱۵۵ که آغاز این یشت را در برداشته افتاده است. آغاز صفحه ۱۵۶ از میان بند ۶ است. اوانوشت این را دار مستتر در پژوهشهای ایرانی خود[۲۷] (ج ۲ ص ۳۳۳ ببعد) آورده است.
(۱۵) پشت برگ ۱۵۹، سطر ۵ : گزیده هائی از یسنا، متن اوستائی و ترجمهٔ پهلوی آن. یسنای ۱۱، ۱۷ ـ ۱۸. یسنای ۱۲ و ۱۳ و آغاز ۲۹، ۶ تا astatcit haca.
(۱۶) پشت برگ ۱۶۵ سطر ۱۴. اندر نماز یثا اهو و ئیریو که درچه مواقعی و چند بار باید خوانده شود. نگاه کنید به متن های پهلوی ج از وست ص ۳۹۰ ببعد.
(۱۷) پشت برگ ۱۶۶ سطر ۷ : روایات پهلوی. این متن را وست درجلد نخست متن های پهلوی خود، صفحه ۳۳۴ ببعد، بعنوان بخش دوم "شایست نشایست" ترجمه کرده است.
(۱۸) روی برگ ۱۷۱ سطر ۷. چیم گاسان. (پهلوی). نگاه کنید به ج ۱ متن های پهلوی وست ص ۳۵۲ ببعد. وی آنرا بعنوان فصلی از "شایست نشایست" ترجمه کرده است.
(۹۱) روی برگ ۱۷۵ سطر ۲. اندر نیایش درون. (پهلوی). این متن نیز به عنوان فصلی از "شایست نشایست" توسط وست در "متن‌های پهلوی" ج ۱ صفحه ۳۶۹ ببعد ترجمه شده است.
(۲۰) پشت برگ ۱۷۵ سطر ۱ : پتیت خود (اعتراف به گناهان خویش و توبه از آنها) (پهلوی)

این متن را اشپیگل در "مقدمهٔ نوشته‌های سنتی ...." ج ۲ صفحه ۳۰۹ — ۳۱۳ منتشر ساخته است. متن در پشت برگ ۱۷۷ پایان می‌پذیرد. برگ ۱۷۸ سفید است.

یکی از این متن‌ها، یعنی شماره ۸، بندهش، از روی ک۲۰ چاپ عکسی شده است. از این کتاب که وستر گارد آنرا به سال ۱۸۵۱ منتشر ساخته است در زیر شمارهٔ ۸ یاد شد. اکنون چنین تصور میکنند که عنوان این کتاب زند آگاسیه (= زند آگاهی،) است، ولی عبارتی که این عنوان در آن به کار رفته است کاملا روشن نیست و به هرحال "بندهش" عنوانی است که از دیر باز برای آن بکار رفته و شناخته شده است. انکتیل دوپرن نخستین کسی است که بندهش را به اروپائیان شناساند و آن را از روی دستنویسی که با خود از هندوستان به اروپا آورده بود ترجمه کرد.

دستنویس اصلی که نسخهٔ انکتیل دوپرن رونویسی از آن است و اکنون در تصرف راسک میباشد، (ک۲۰) است. بیشتر نسخه های موجود بندهش از روی ک۲۰ یا م ۵۱ رونویس شده اند. ک ۲۰ ب دستنویس دیگری از بندهش است که پس از این از آن یاد خواهیم کرد. بندهش ویراستهٔ یوستی (بر مبنای نسخهٔ وستر گارد است که در ویراستن آن از گروه دیگر نیز استفاده شده است.

بجزاین بندهش که آن را به مناسبت اینکه درهندوستان یافت شده است، "بندهش هندی" میخوانند، بندهش دیگری نیز دردست است که به نام "بندهش ایرانی" یا "بندهش بزرگ" خوانده میشود و ازآن سه نسخه موجود است. قطعهٔ کوچکی نیز از آن در دستنویس ک ۴۳ یافت میشود که آن را اندریاس با "مینوگی خرد" به چاپ رسانده است.[۲۸] پس از آن انکلساریا متن کامل بندهش ایرانی را از روی یکی از سه نسخهٔ موجود یعنی ت.د.۲ چاپ عکسی کرده است و با نسخه دیگری از آن (د.هـ.) سنجیده و نسخه بدلها را یاد کرده است.[۲۹] در بارهٔ نسبت این دو بندهش (ایرانی و هندی) با یکدیگر عقاید مختلفی ابراز شده است. از مقایسه ای که من از پاره‌ای از فصل های آن کرده‌ام بر من کاملا آشکار شده است که بی‌هیچ شکی بندهش بزرگ یا ایرانی متن اصلی و بندهش هندی خلاصه‌ای از آن است. افزونی را، این نکته نیز باید گفته شود که در یک دسته از دستنویسها، بندهش هندی با چنین عبارتی آغاز میشود: "از زند آگاسیه".[۳۰] پس با توجه به قطعه‌هائی که در هر دو بندهش آمده است، میتوان گفت که بندهش ایرانی جزء دستهٔ جداگانه‌ای از دستنویس های پهلوی است که میتواند با دستهٔ دیگری که بندهش هندی یکی از آنهاست یکا منشأ داشته باشد. بنابراین بندهش هندی، چنانکه برخی، پس از پیداشدن بندهش ایرانی پنداشته‌اند، آن چنان بی‌اهمیت نیست. از دستنویس های بندهش هندی م ۵۱ در ۱۳۹۷ و ک۲۰ درحدود همین هنگام نوشته‌شده است ولی دستنویس هائی که از بندهش ایرانی در دست است از زمانهای نزدیکتری است، دوتای آنها در سالهای ۱۵۳۰ و ۱۵۷۷ و سومی پس از آنها نوشته شده است. در بعضی جا ها از بندهش ایرانی گاه واژه‌ای یا عبارات و یا قسمت مهمی از عبارت که افادهٔ معنی را، وجود آن ضروری است، بواسطه بی‌دقتی رونویس کنندگان افتاده است، که میتوان از روی بندهش هندی آن را افزود و معنی را کامل ساخت. بهمین ترتیب بندهش ایرانی را با مقایسه با بندهش ایرانی.

ک۲۰ب دستنویس ناقصی است ازبندهشن. متن تنها برگ اصلی آن برابر است باچاپ وستر گارد ص ۱۸ سطر ۹ تا ص ۲۰ سطر ۱۲. بیست برگ که باخط دیگری نوشته‌شده‌است به شرح زیراست (شماره های

گجراتی که پشت هر برگ و بالای آن جای دارد نشان میدهد که دو برگ اول آن گم شده است.)

برگ ۳ با ص ۲ سطر ۱۰ چاپ وسترگارد آغاز میشود.

درروی برگ ۱۵ سطر ۱۶، نویسنده یکباره ازجائی که برابر است با ص ۲۰ سطر ۱۰ واژهٔ دوم چاپ وسترگارد به ص ۷۴ سطر ۱ واژهٔ دوم بهمان چاپ میپرد بی‌آنکه افتادگی متن را، نشان دهد، شایدبدون توجه از روی متن ناقصی، رونویس کرده باشد. سرآغاز یا عبارتی که معمولا کتاب را با آن آغازمیکنندبا خط خوشی در وسط متن جای داده شده است یعنی در روی برگ ۱۳. در روی برگ ۲۰ سطر ۱۲، بندهش پایان می‌یابد. (برابر با چاپ وسترگارد ص ۸۲). ماندهٔ برگ ۲۰ آغاز بهمن یشت است که برابر است با ک ۲۰ پشت برگ ۱۲۹ سطر ۳ تا روی برگ ۱۳۰ سطر ۷.

برگ ۲۱ و ۲۲ سفید است.

برگ جداگانه ازسایر برگ‌هاکهنه‌تراست. دراین باره وست چنین‌مینویسد: (شایداز روی‌آگاهیهایی که از وسترگارد بدست آورده است (۳۱)

"برگ نوزدهم از دستنویس دیگری است که ظاهرابایستی به خط مهرآبان پسرکیخسروباشد یعنی کسی که دستنویس ک ۱ و ک ۵ را در ۱۳۲۳ — ۱۳۲۴ نوشته است. و این امکان دارد که باقی ماندهٔ دستنویسی باشد که هیجده برگ دیگر از روی آن نوشته شده است این اظهار نظر ظاهرا درست است. تطبیق برگ‌کهنه بامطالب برابرآن درمجموعه نوترنشان میدهدکه این مجموعه از روی دستنویس کهنه‌ای که این برگ جداگانه از بقایای آن است، نوشته شده است و ظاهرا مربوط میشود به نیمه اول سدهٔ ۱۴ هیجده برگ نوشته دار دیگر بایستی درسده ۱۶ یا ۱۷ نوشته شده باشد.

اهمیت ک ۲۰ ب در این است که این نسخه نه از روی ک ۲۰ نوشته شده است و نه از م ۱۵ بلکه از روی دستنویس سومی رونویس شده است که تاریخش با این دو متفاوت بوده است و بنابراین نمایندهٔ یک متن مستقل دیگری است از بندهش هندی با ویژه‌گیهای مخصوص خود.

---

(۱) وصف این دستنویس (ک ۲۰) در مقدمهٔ کتاب ارداویراف از هوگ و وست، ۱۸۷۲ ص V-VII M. Haug's and E. W. West The Book of Arda Viraf و نیز وصف مختصری از آن در جلد نخست متن های پهلوی از وست (= جلد پنجم کتابهای مقدس شرق) West's Pahlavi Texts (The Sacred Books of the East, vol. V) وهم درچندجااز مقالهٔ همونام "ادبیات پهلوی Pahlavi Literature" درکتاب "مبانی فقه‌اللغه ایرانی" Grundriss der Iranischen Philologie آمده است.

(۲) صَ ۱۲ ــ ۱۹ چاپ عکس "بند هشن" از وسترگارد .

(۳) من مرهون دکتر تاوادیا، مدرس دانشگاه هامبورگ هستم که مرا به پاره‌ای از آگاهیها که‌دراین گزارش بکار برده‌ام رهنمون بود .

(۴) برگی را که وسترگارد شمارهٔ ۱۴۳ به‌آن داده است، در هنگام رونویس کردن‌ک ۲۱ دراین جا جای‌داشته

Die Zendhandschriften der K. Hof. und Staatsbibliothek (1915), p. *9 (۵)

(۶) متن های پهلوی ص .XXVII

(۷) همو ص .XXX

(۸) خواندن سنتی آن = ویراف .

Hoshangji Jamaspji Asa, Haug & West: The Book of Arda Viraf etc. (۹)
Bombay - London, 1872.

Arda Viraf Nameh, the Original Pahlavi Text ed. by Kaikhusru Ja- (۱۰)
maspji Jamasp Asa, Bombay 1902.

Á. Barthelemy, Arta Viraf Namak, ou Livre d'Arda Viraf, Paris, (۱۱)
1887.

A. Barthelemy: Une légende iranienne traduite du Pehlevi, Paris, (۱۲)
1889.

Westergaard : Zendavesta, I. Copenhagen, 1852-54. (۱۳)

(۱۴) هوگ و وست درشماره گذاری متن های مختلف‌ک۲۰ درپیشگفتار "ارداویراف نامه" (نک زیرنویس ۹) به این قسمت (پشت ۱، ۳۱) شماره‌ای جداگانه داده‌اند (شمارهٔ ۵) وازاینرو، ازاین پس شماره گـــذاری‌آنها

F. Justi: Der Bundehesh, zum ersten Male herausgegeben, (۱۵)
transcribirt, übersetzt, und mit Glossar versehen. Leipzig, 1868.

J. C. Tavadia, Sayast-ne-sayast, a Pahlavi Text on Religious Cus- (۱۶)
toms, Hamburg, 1930 (Alt-und Neu-Indische Studien, herausg. vom
Seminar für Kultur und Geschichte Indiens an der Hamburg Universität, 3)

ص ۲۲۹ ــ ۲۳۴ E. W. West : Pahlavi Texts, I. (SBE) (۱۷)

H. Reichelt : Der Farhang-e Oim, Vienna, 1900 (Wiener Zeitschrift (۱۸)
für die Kunde des Morgenlandes XIV, 3)

Bundehesh, liber Pehlvicus, e vetustissimo Codice Havniensi (۱۹)
descripsit N. L. Westergaard, Havniae, 1831.

F. Justi : Der Bundehesh, Leipzig, 1868. (۲۰)

M. R. Unvalla : The Pahlavi Bundehesh, Bombay, 1897. (۲۱)

E. W. West : Pahlavi Texts I. p. 3-151 (SBE) (۲۲)

Spiegel : Einleitung in der traditionellen Schriften der Parsen (۲۳)
II. p. 128 ff.

Andarj-i Aoshnar-i Danak, ed. by Ervad B. N. Dhabhar. Bombay, (۲۴)
1930 (Pahlavi Text Series No. 4.)

A. Barthelemy : Gajastak Abalish. Paris, 1887 (Bibl. de l'Ecole (۲۵)
des Hautes Etudes, 69e fasc.)

Spiegel : Einleitung in die trad. Schriften II, p. 135 (no. 13) (۲۶)

Darmesteter : Etudes Iraniennes. (۲۷)

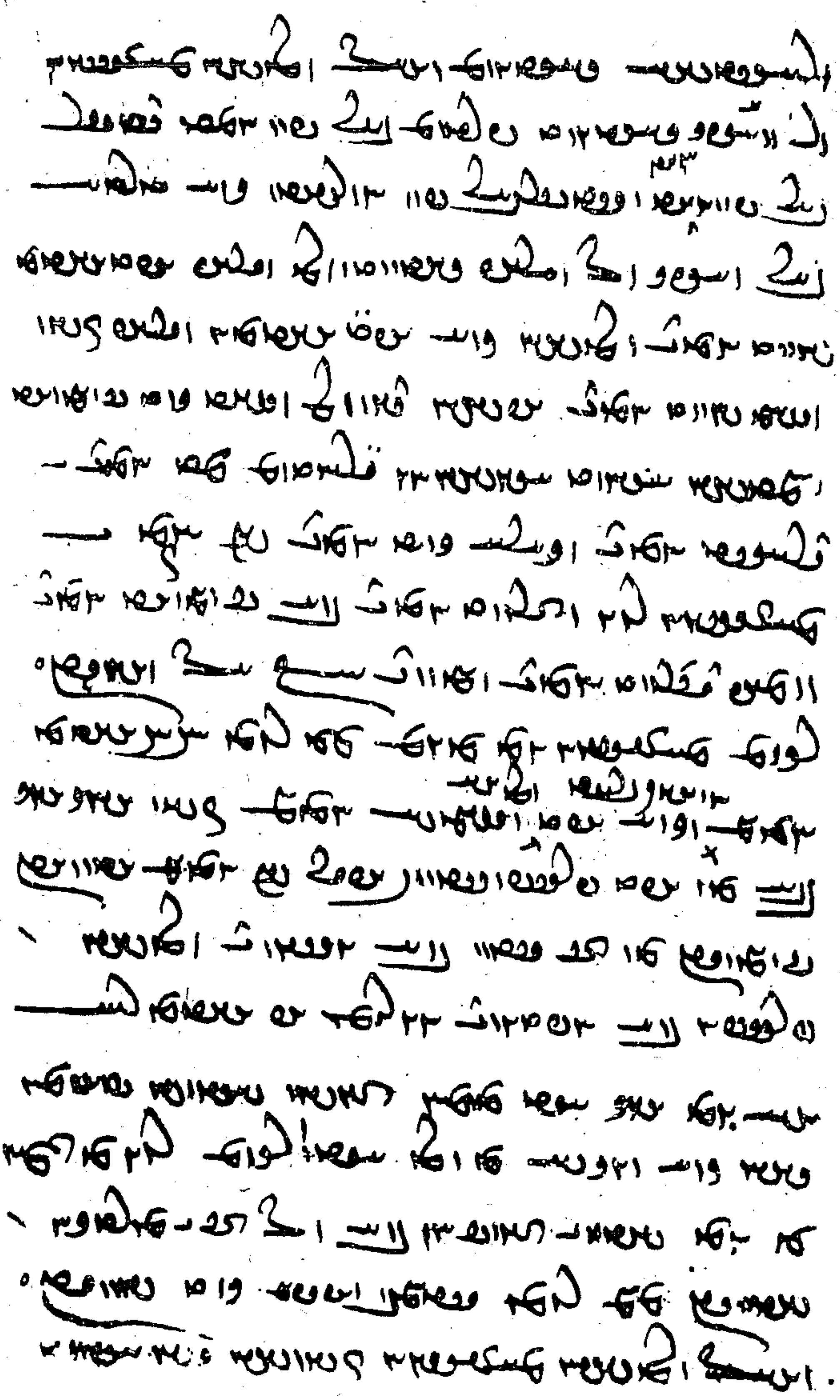
The Book of the Mainyo-i-Khard, also an old Fragment of the Bun- (۲۸)
dehesh, ed. by F. C. Andreas, Kiel, 1882.

The Bundahism, ed. by the Late Ervad T. D. Anklesaria, with an (۲۹)
Introduction by B. T. Anklesaria, Bombay, 1908.

(۳۰) در ک۲۰ واژه "از" پیش از "زند آگاسیه" خذف شده است .

[illegible]

[illegible]



FOL. 3 r.

[illegible]

آتش

[illegible]

[illegible]

دینی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

پیروزان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

FOL. 4 v.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

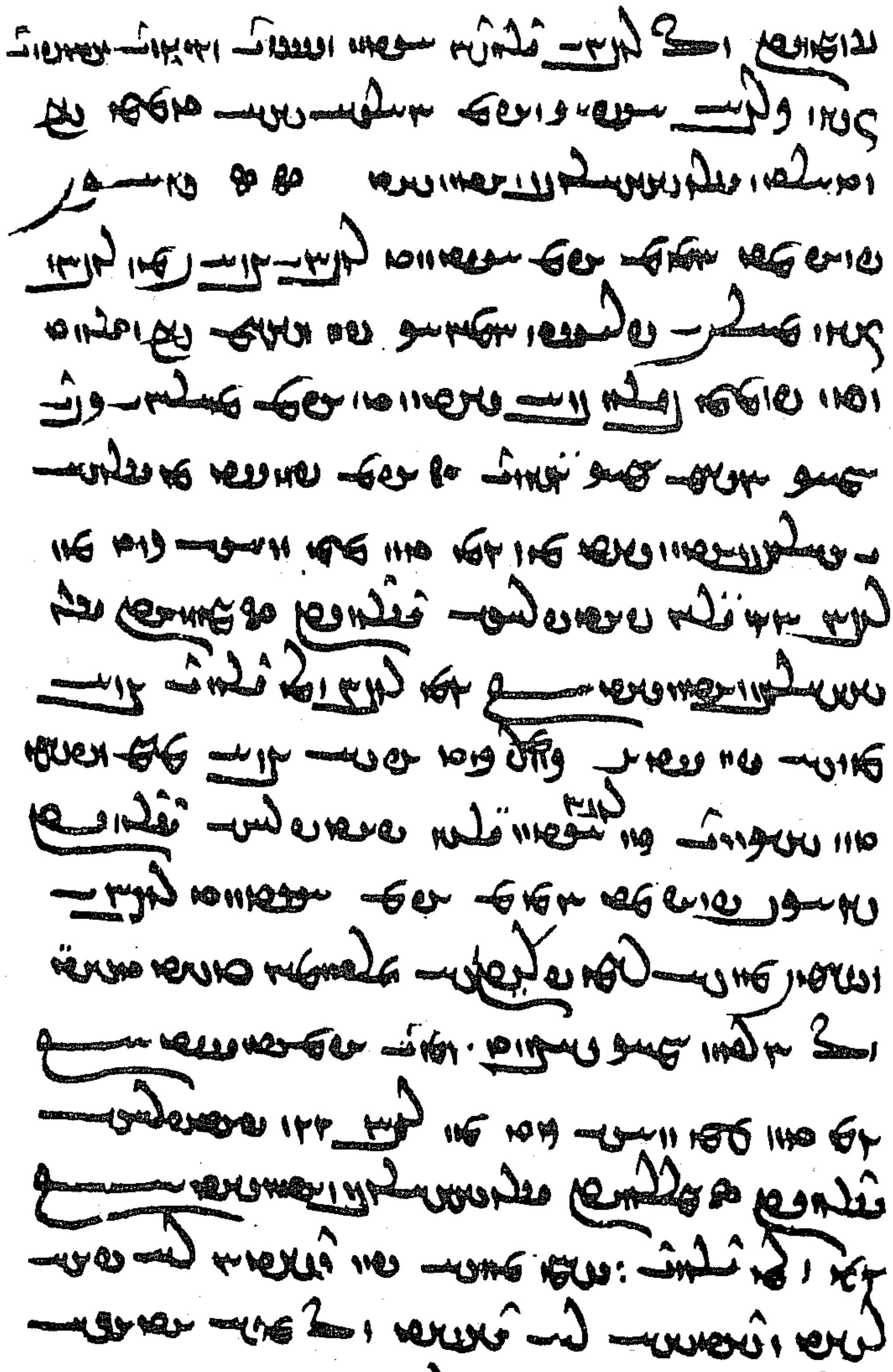
[illegible]

[illegible]

FOL. 11 v.

[illegible]

[illegible]



FOL. 13 r.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

١٥

[illegible]

[illegible]

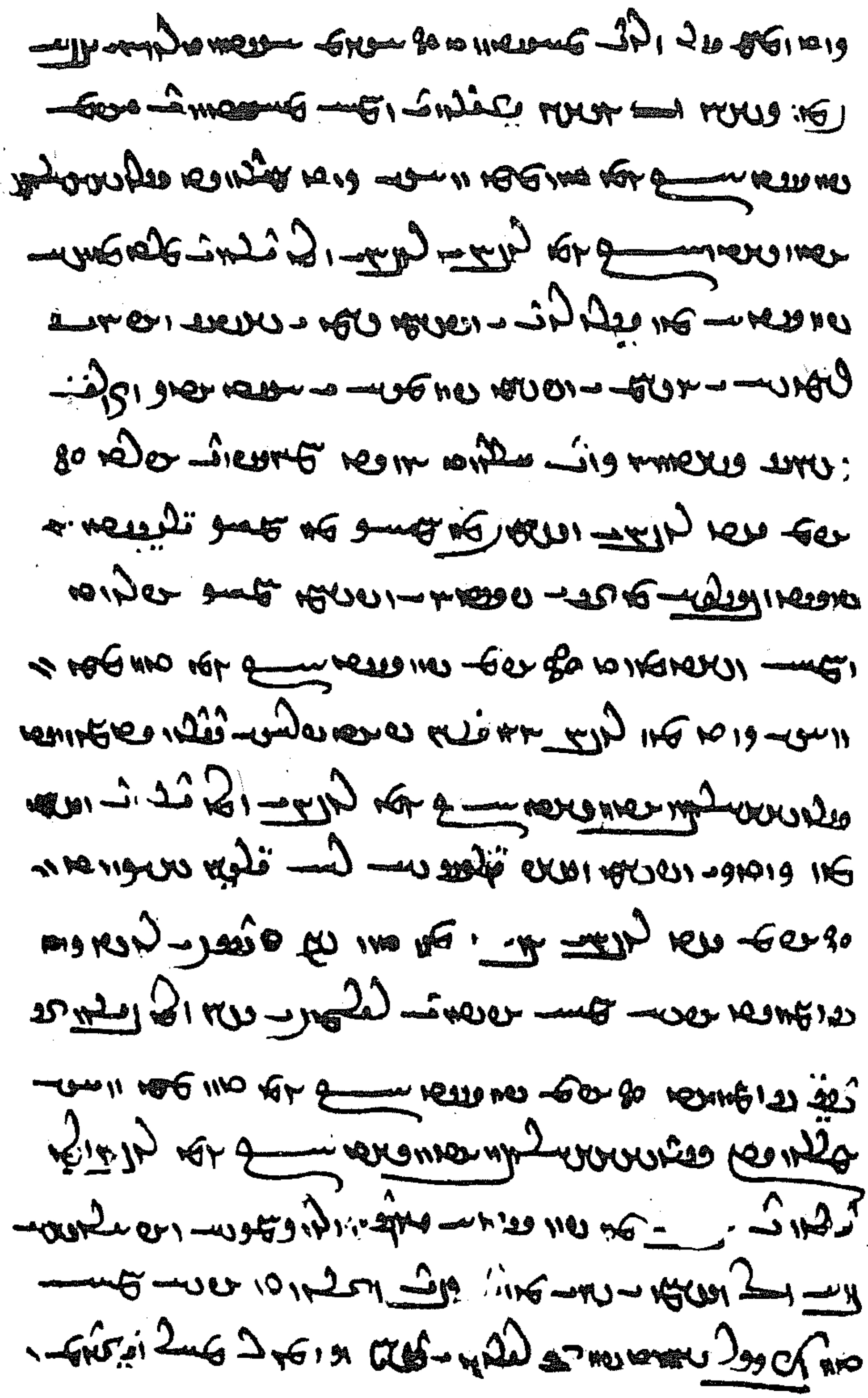
15

[illegible]

[illegible]

[illegible]

FOL. 19 v.



FOL. 20 r.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

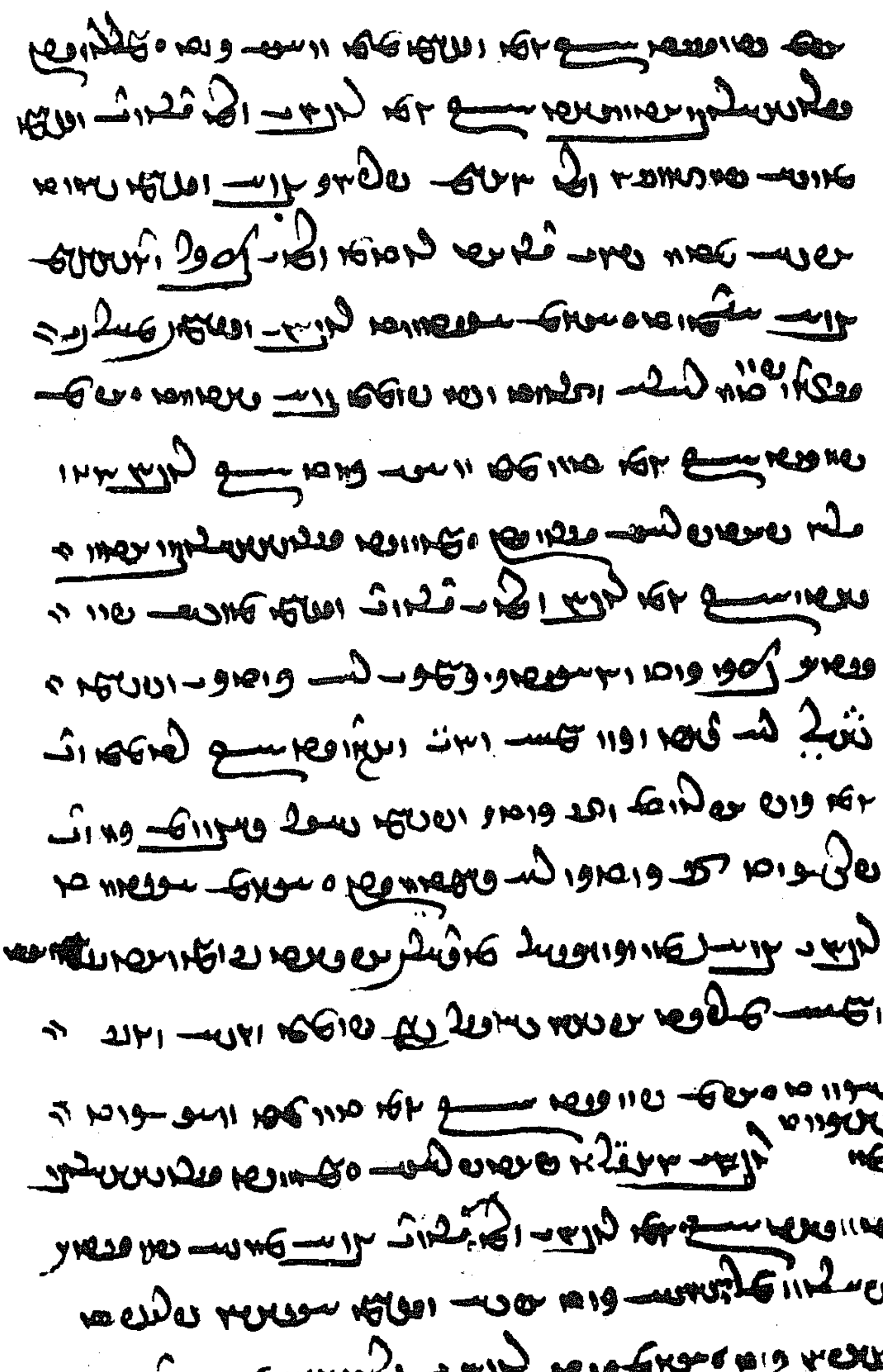
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] لن سیر
[illegible] الدیم
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

FOL. 24 v.

[illegible]



[illegible]

خواستاران ویر و دروغ کراه اجش و چشمها
[illegible]
ورداشتها اور بش تالان پیشی مالان تنکرید بوکی خواسته
کامه اش نادزش اور خواستاران کشم و دوزخ دوایید آگندید
زبانی اوشان کشان بیخی دادین اور چشم زدایستاد اجم پرسید
کو این تن چه گناه کرد کو بان آلتون گران پاد افراه برند
گوبید شروس اشو آذر یزد کو این زبان اوی دشچشمان
کشان نیکیش اجمرد مان اواج داشت اجمدید زبان
اوشان کشان نکون تار اندر دوزخ اوبخت ایستاد
اوبر دود و کرمین و اچیر و امن سود اوز اوکند ایستاد
اجم بوصید کو این تنان چه گناه کردند کشان زبان آلتون
گران پاد افراه برید گوبید شروس اشو آذر یزد کو این

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] بستان حیش اور تاو تهه [illegible]

[illegible] اجم پرسیاک گوین تن حموناه کرذکمان اکنین

کران بال راه هرباک گوبیه سرمس اشو ادر یزدکو بی ریان وشان

رمان کم کوذ کلهیش شبرنه داد ورار [illegible] کرذ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

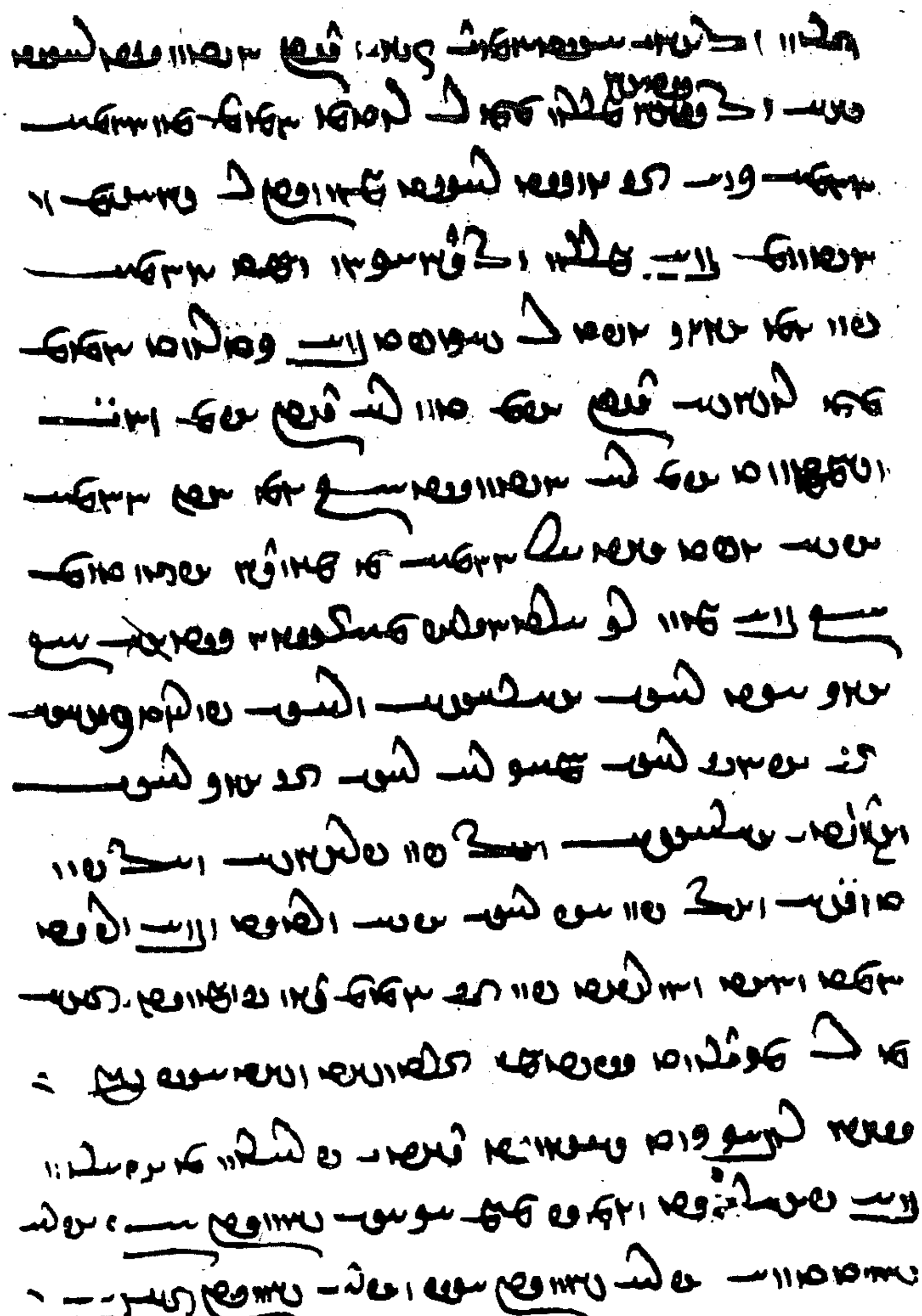
[illegible]

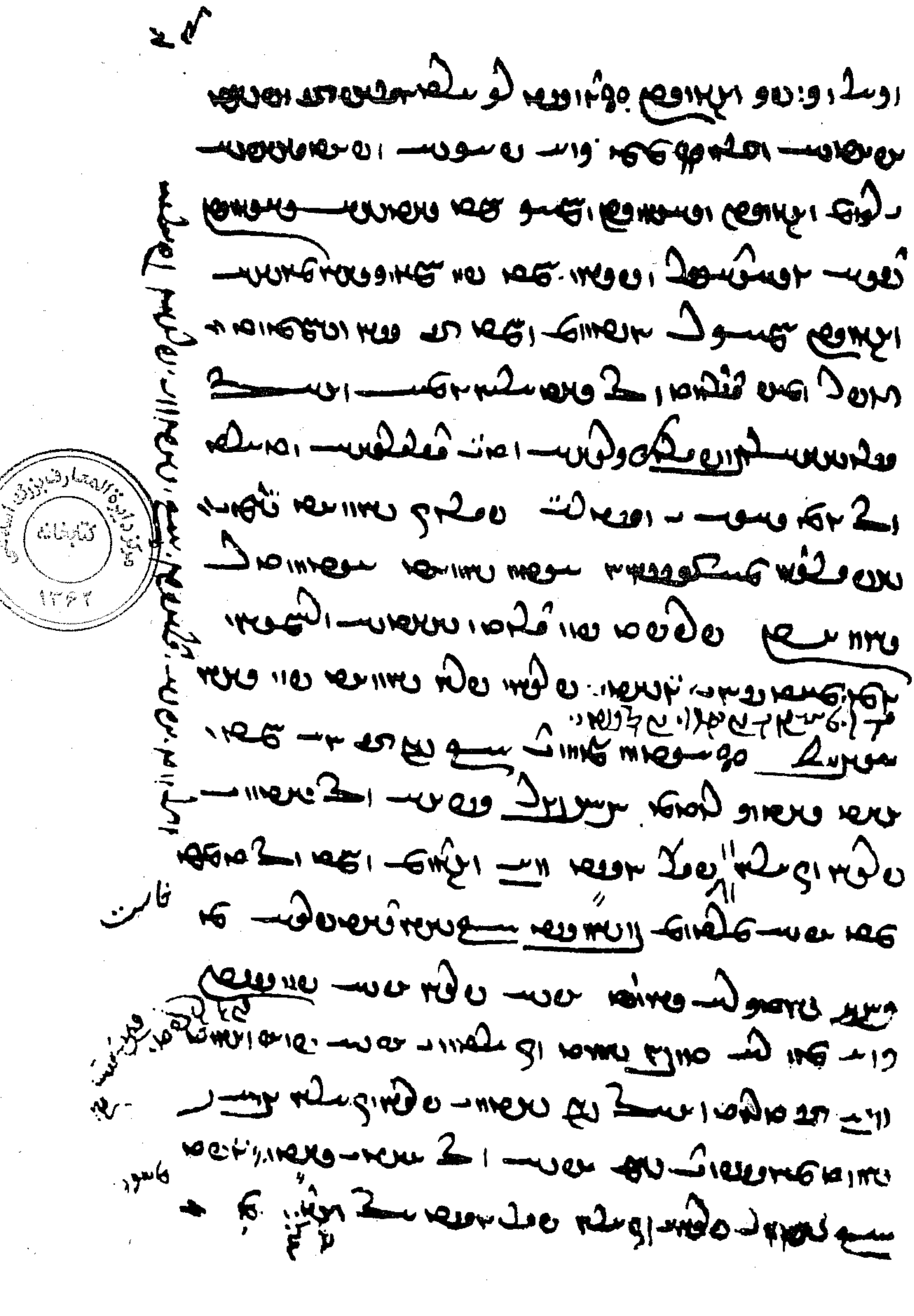
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]





FOL. 29 r.

[illegible]

[illegible]

FOL. 30 r.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

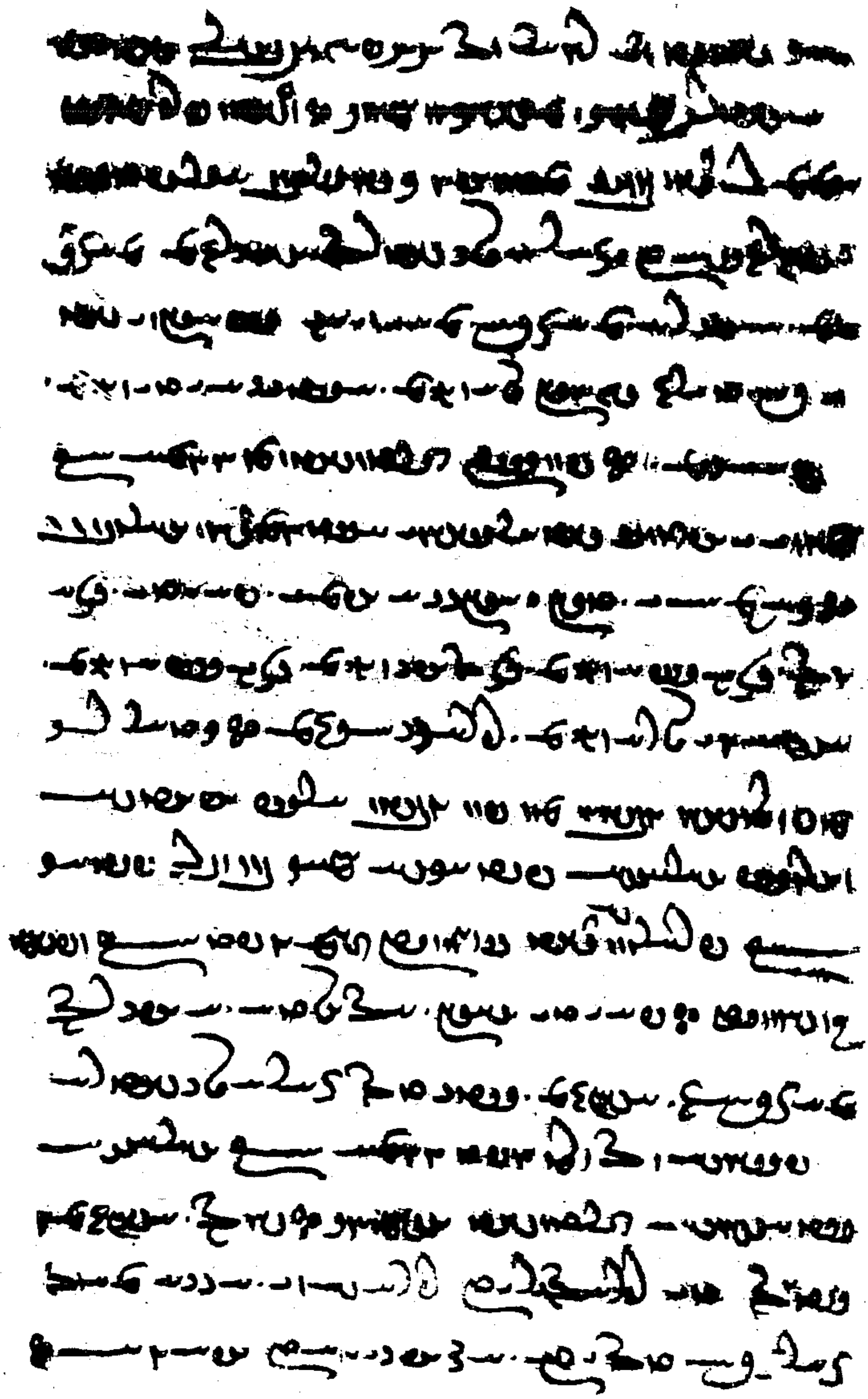
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



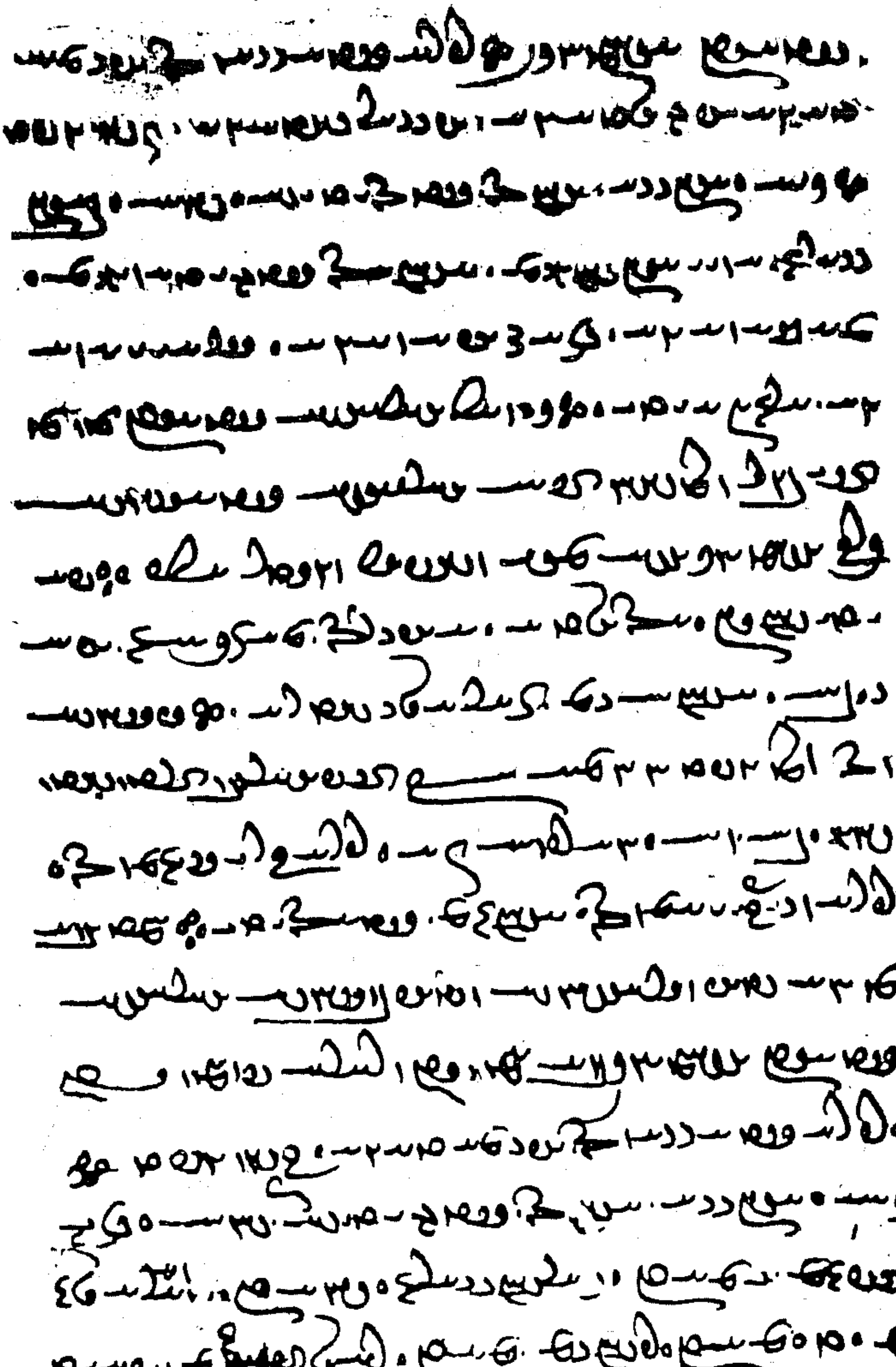
FOL. 39 r.

[illegible]

[illegible]

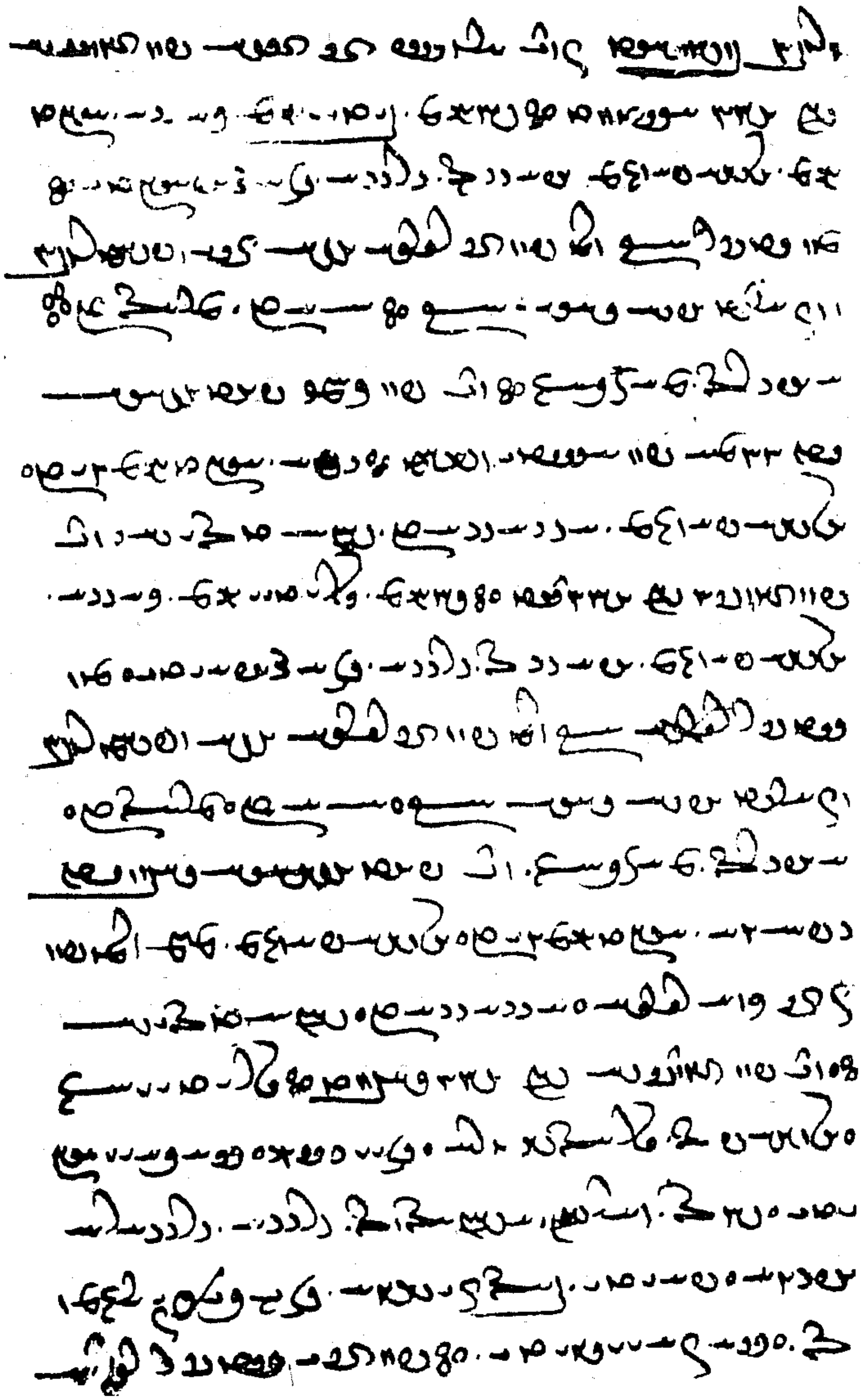
[illegible]

FOL. 40 v.

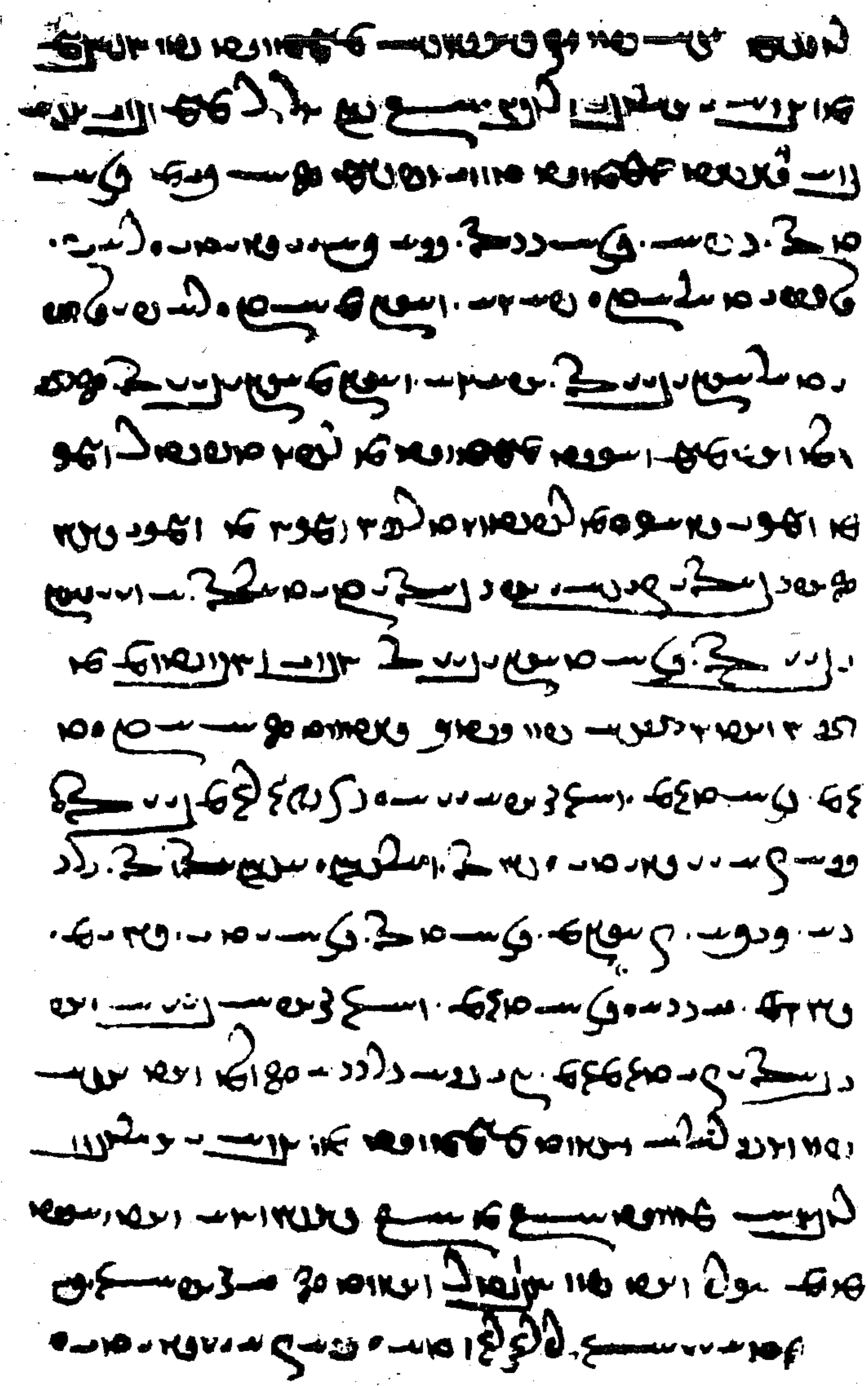


[illegible]

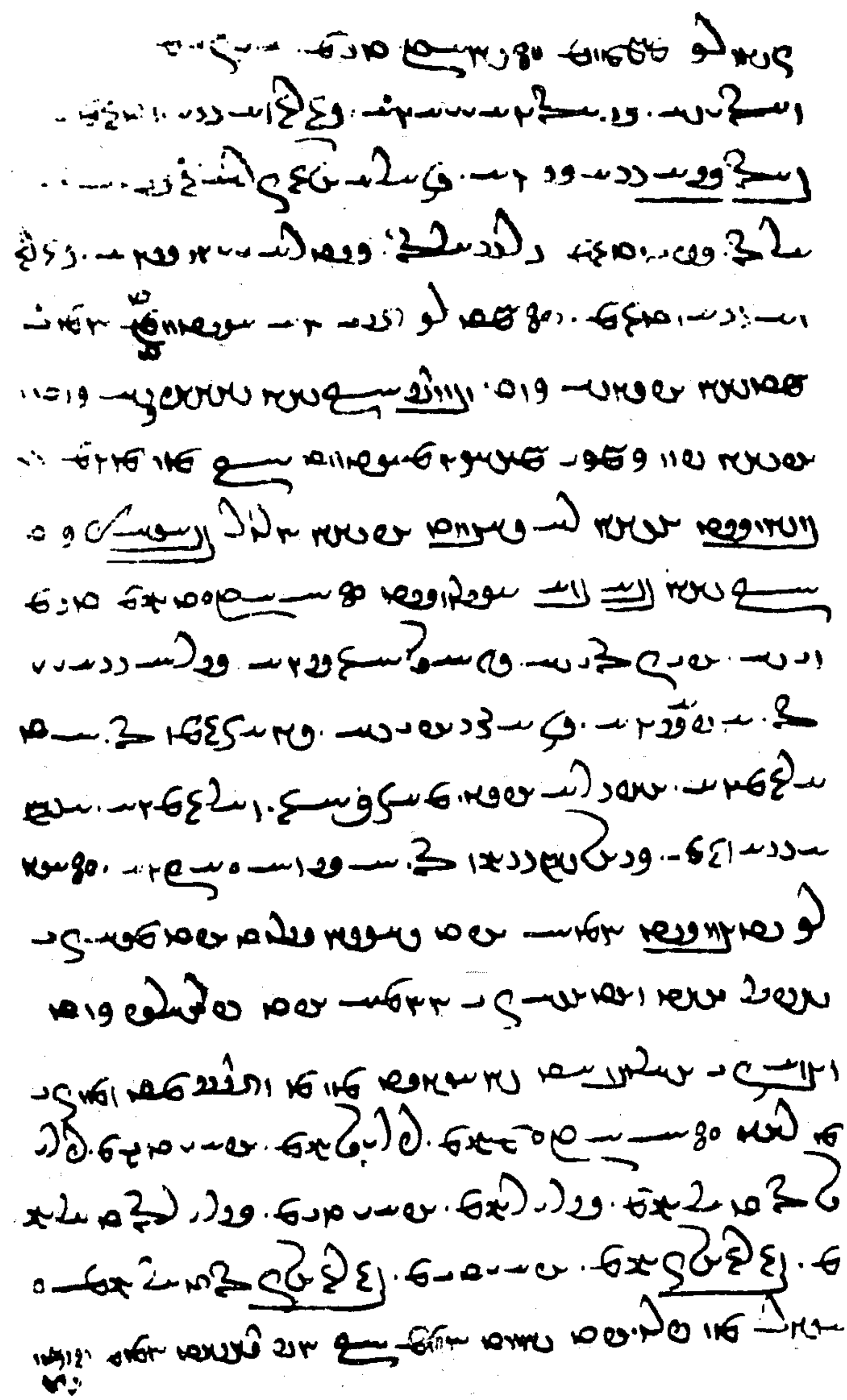
[illegible]



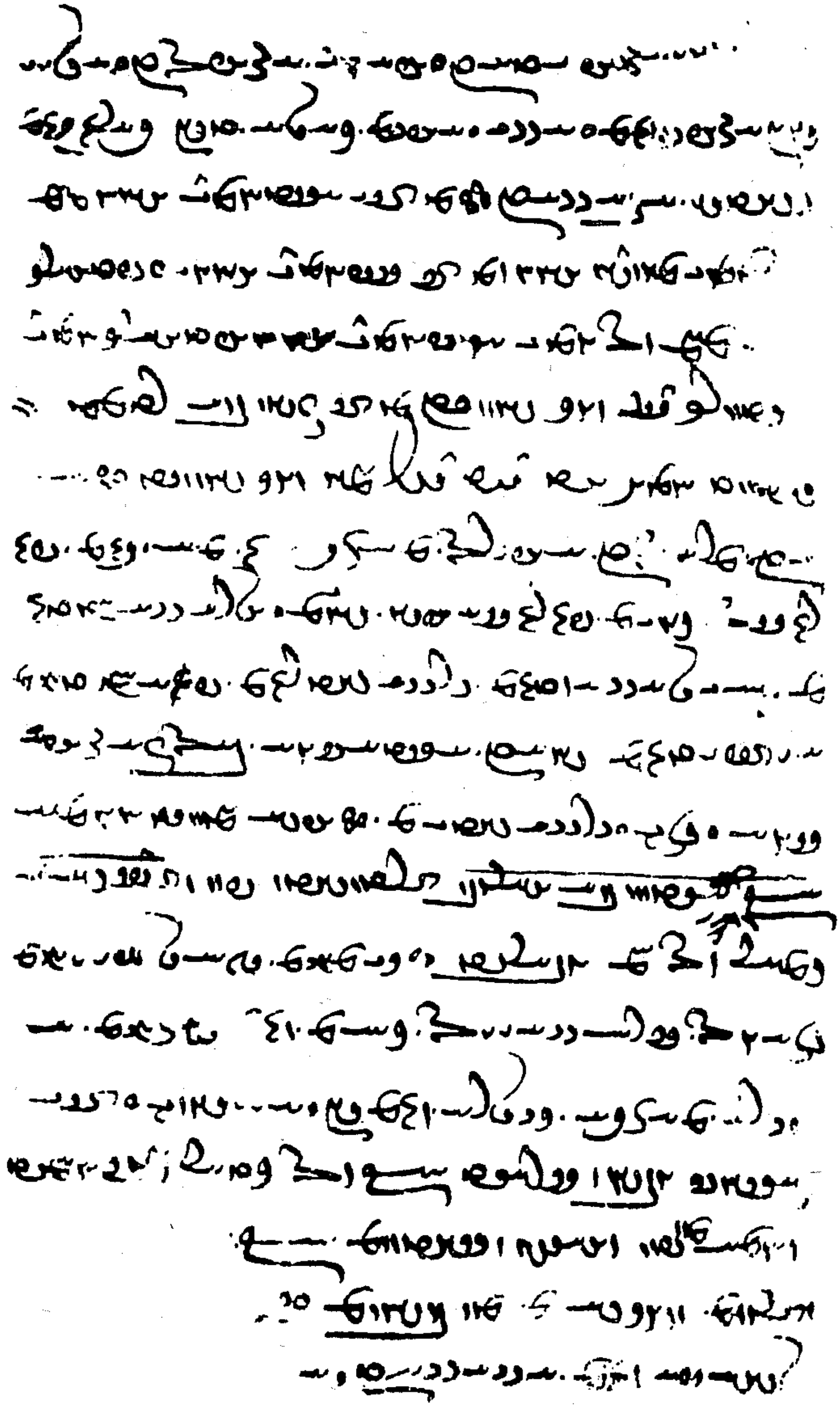
FOL. 43 v.



FOL. 44 r.



FOL. 46 v.



[illegible]

[illegible]

[illegible]

FOL. 49 r.

[illegible]

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
720 [illegible]
[illegible]

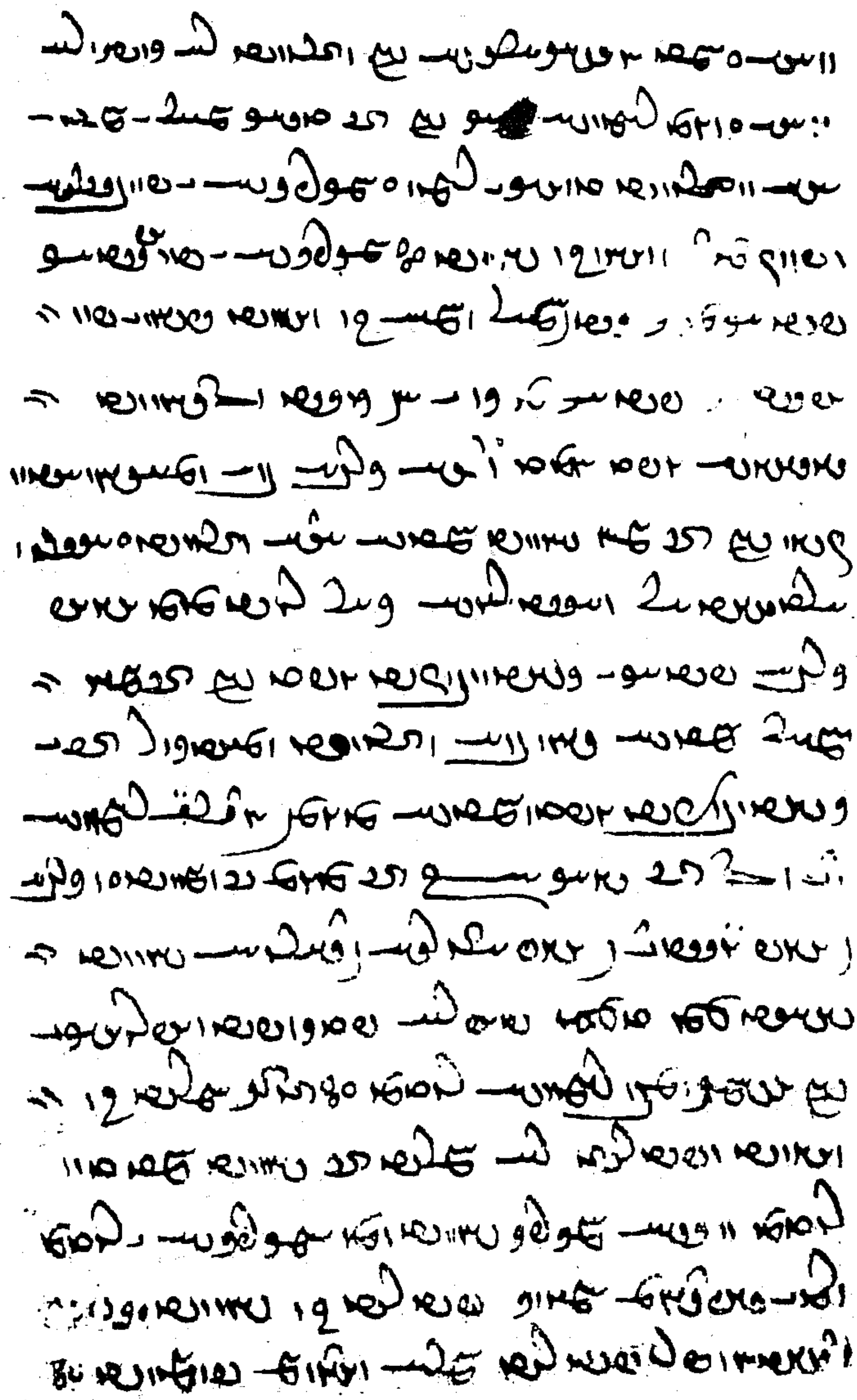
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



FOL. 55 v.

[illegible]

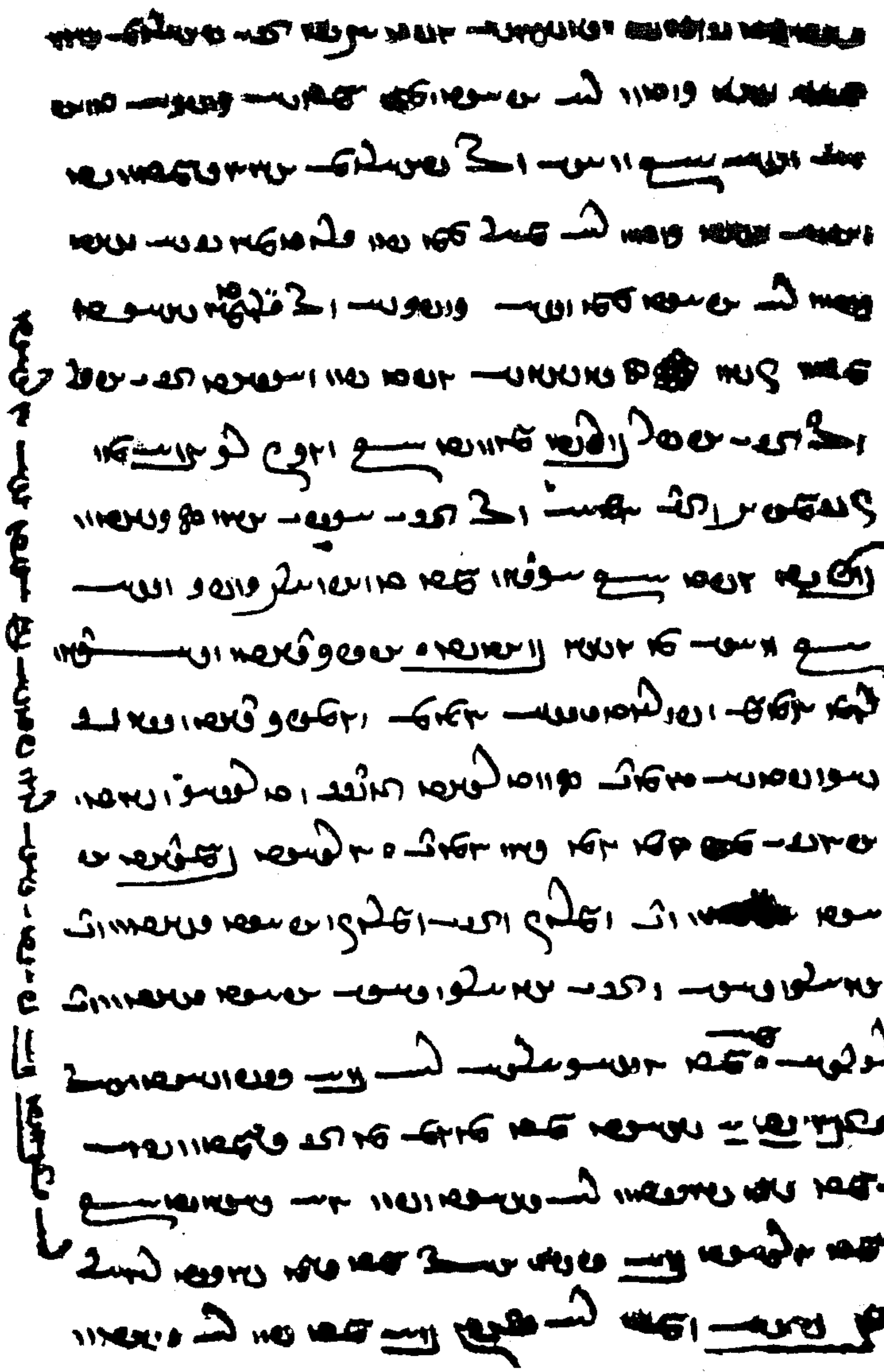
[illegible]

[illegible]

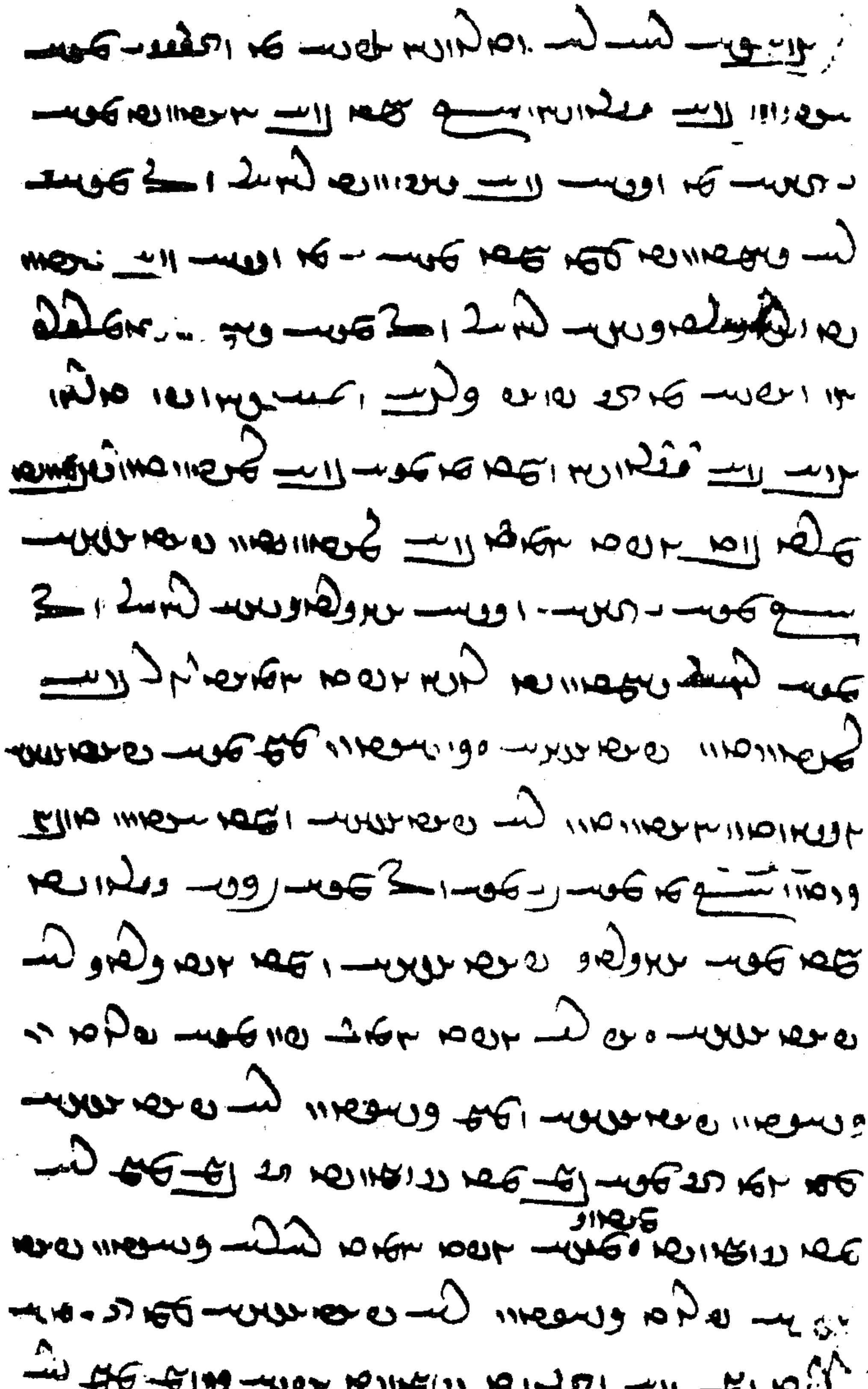
[illegible]

[illegible]

[illegible]



FOL. 65 v.



[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

FOL. 70 v.

[illegible]

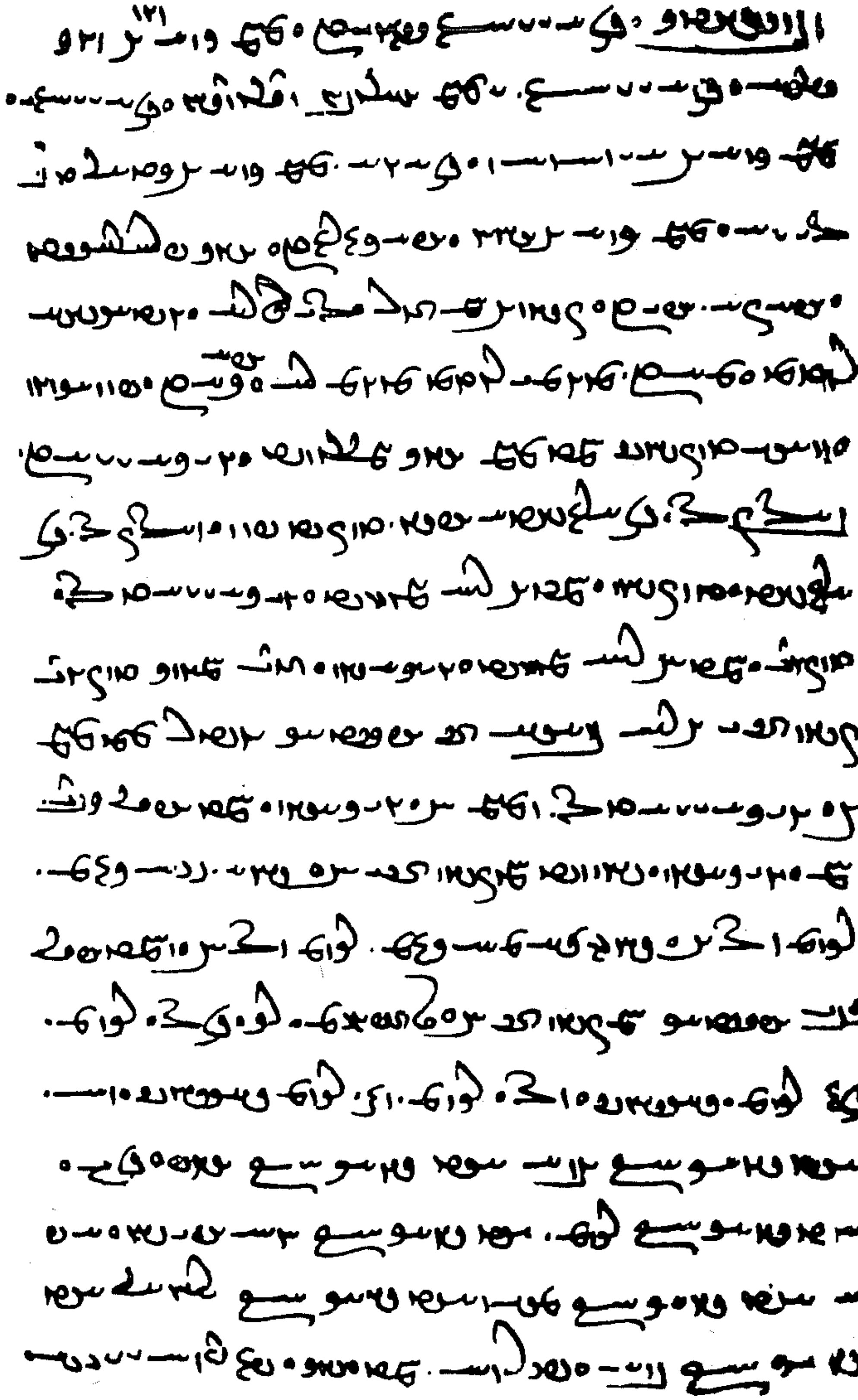
[illegible]

[illegible]

ادر روز ادر ماه مهر بیروزگر سال هفتصد یار
سی من دین بنده مهرایزد مهربان کیخسرو
مهربان مرزبان

بنام یزدان دانشن نیکی آد اور بشاطین و آجه
ملائکان لوسنا کرس زنّا جن

[illegible]



FOL. 75 r·

[illegible]

ذو.

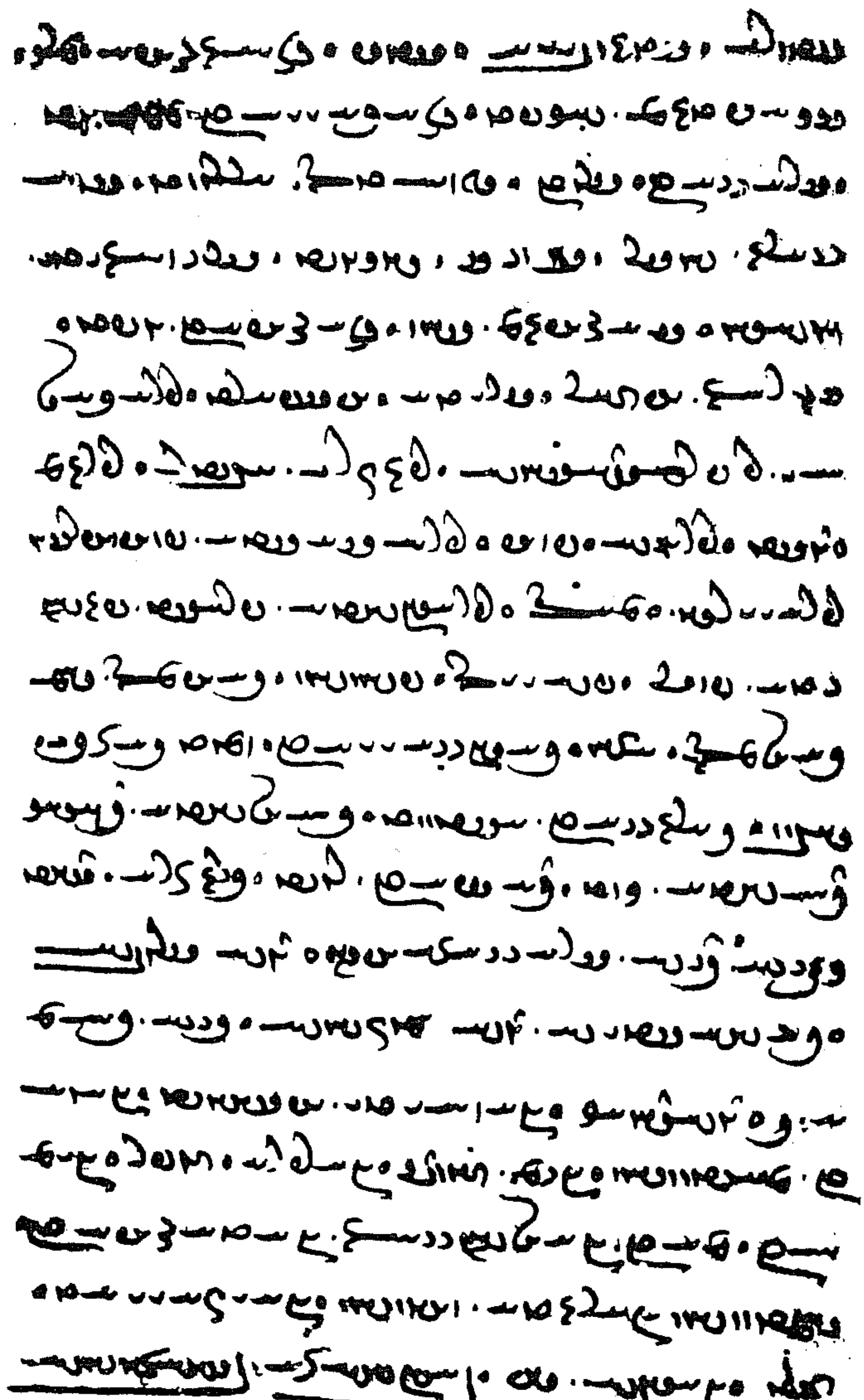
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



FOL. 83 r.

مهرابان کی خسرو بنام یزدان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

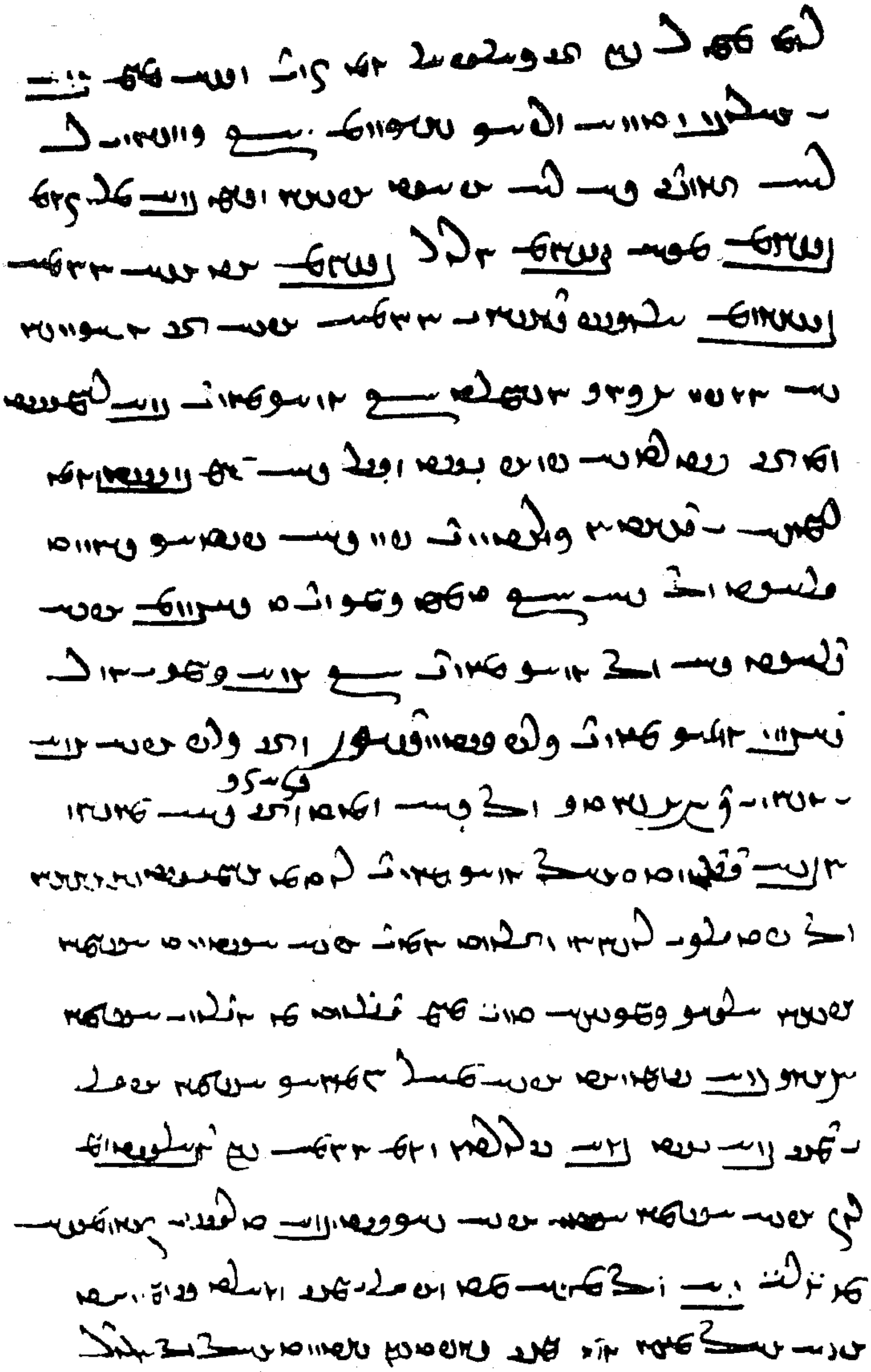
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



FOL. 92 r.

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

آواز

[illegible]

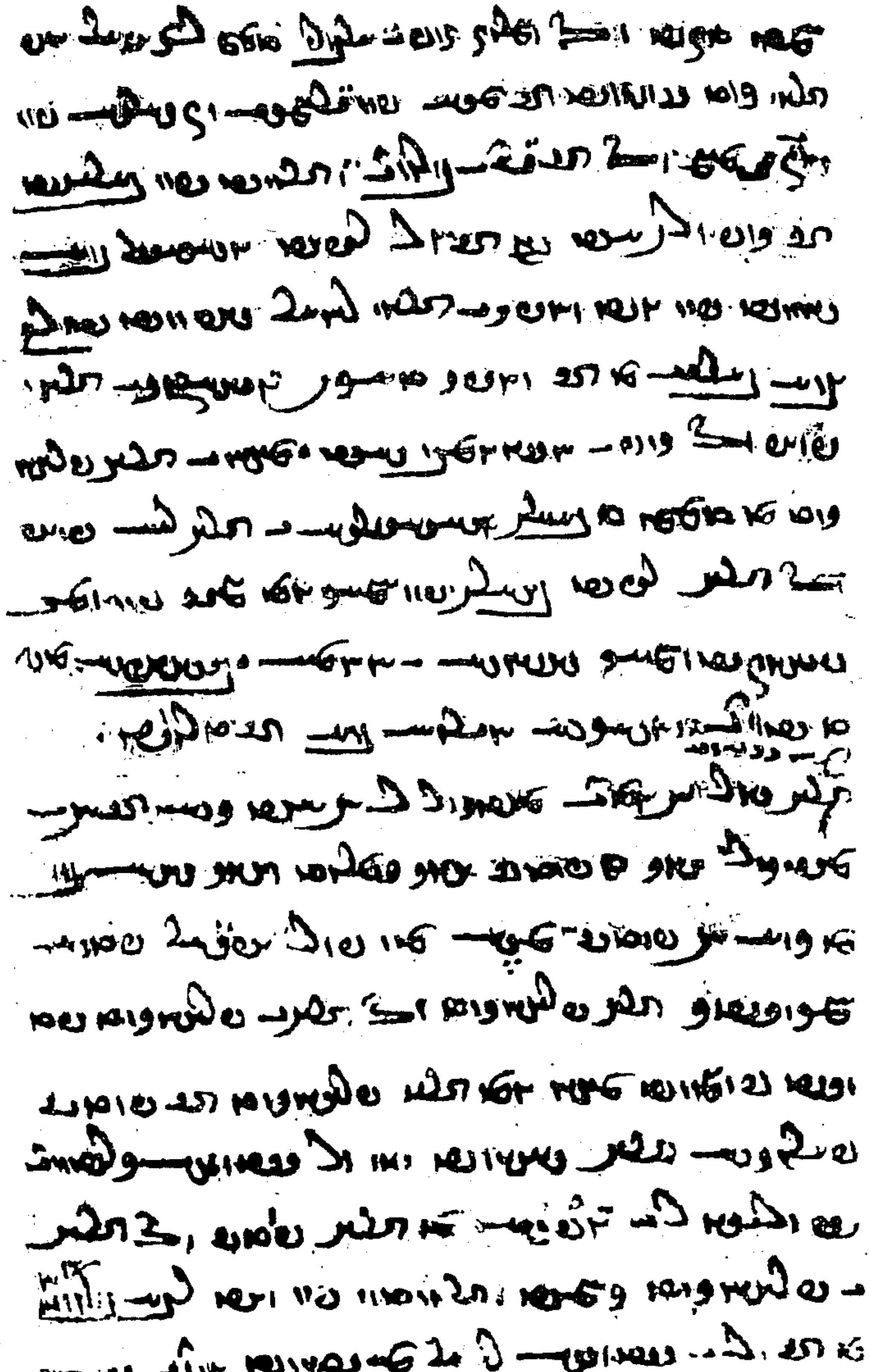
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

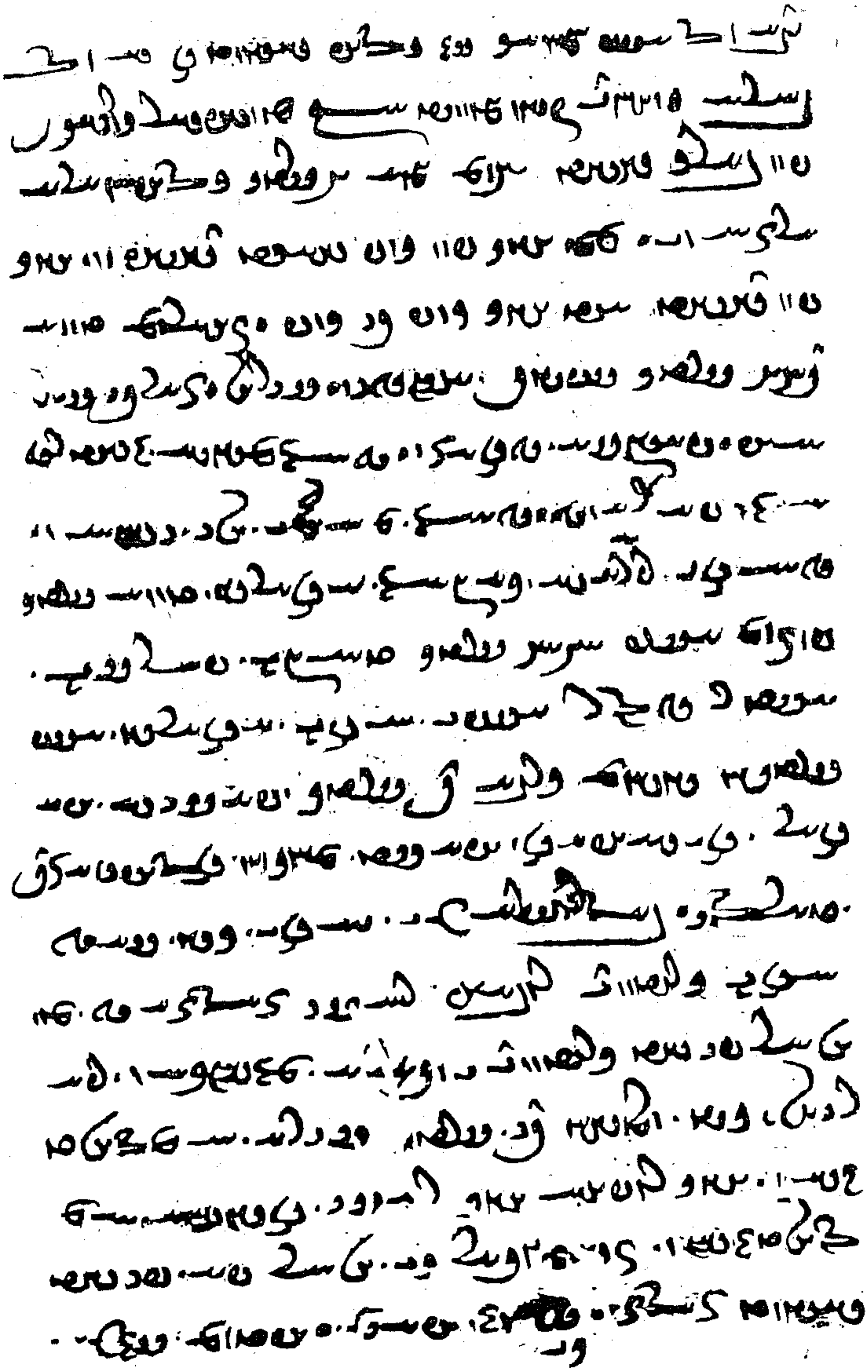


FOL. 100 v.

[illegible]

[illegible]

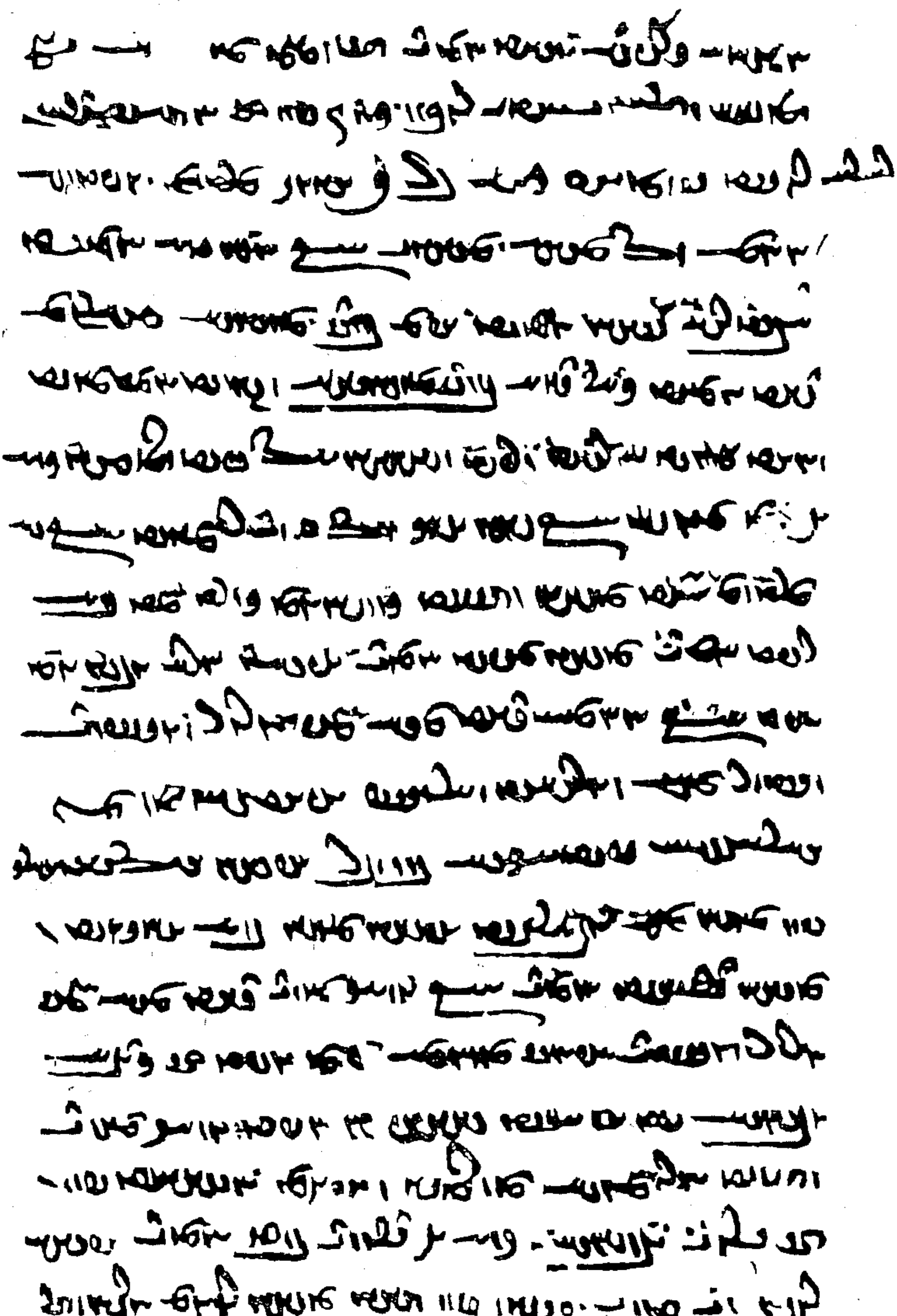
[illegible]



FOL. 102 v:

[illegible]

[illegible]



[illegible]

[illegible]

105 [illegible]

[illegible]

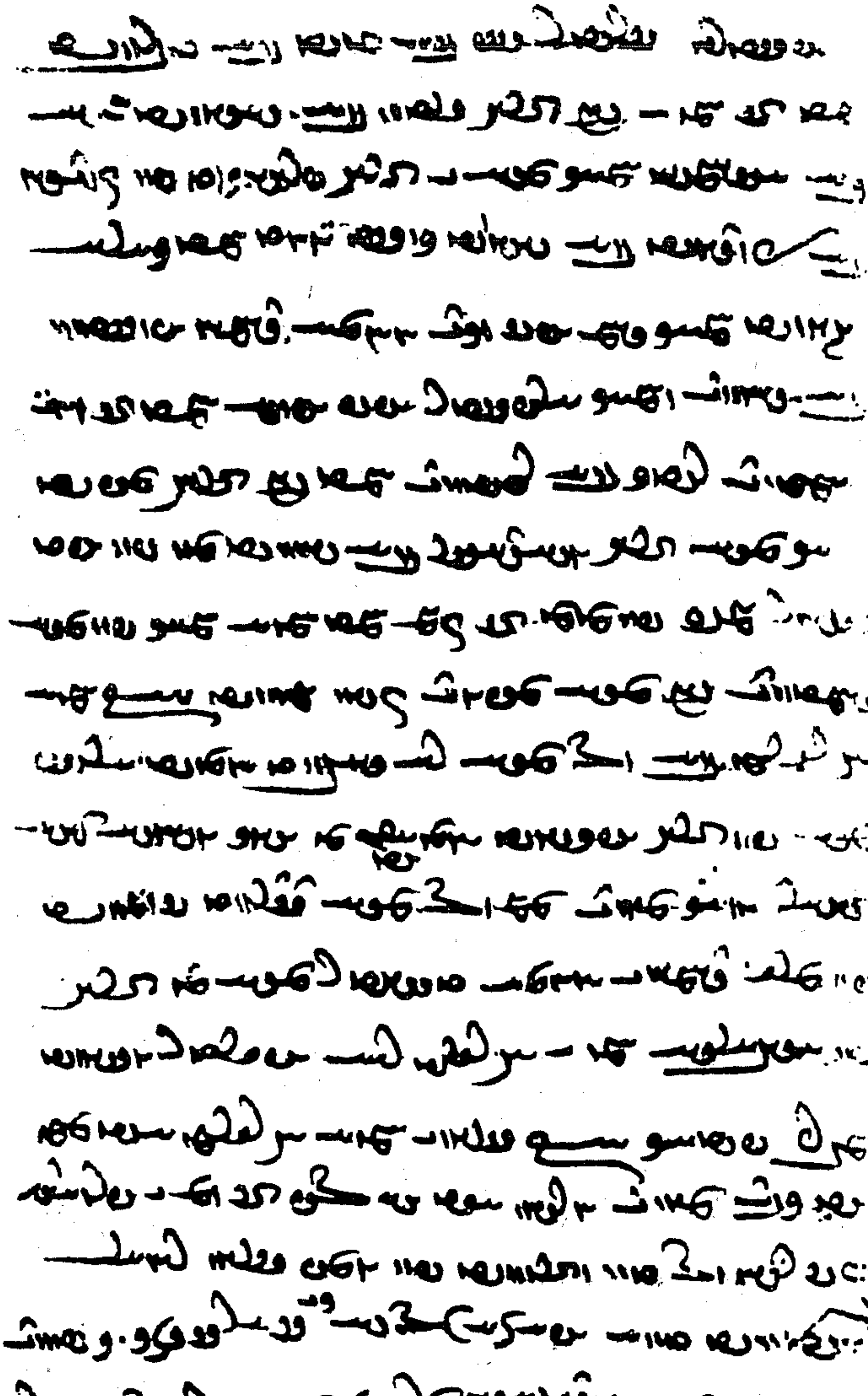
[illegible]

FOL. 107 v.

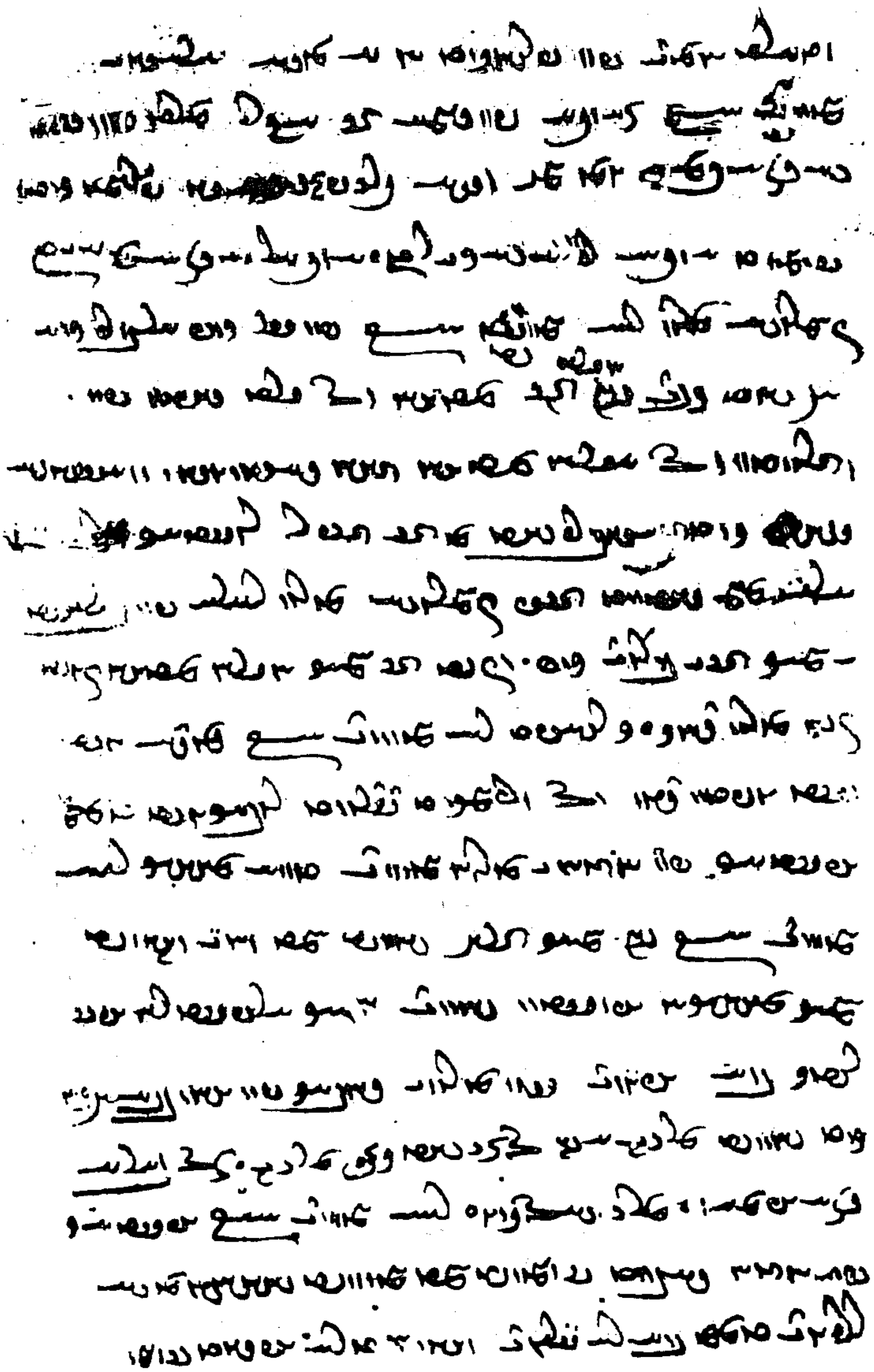
[illegible]

[illegible]

[illegible]

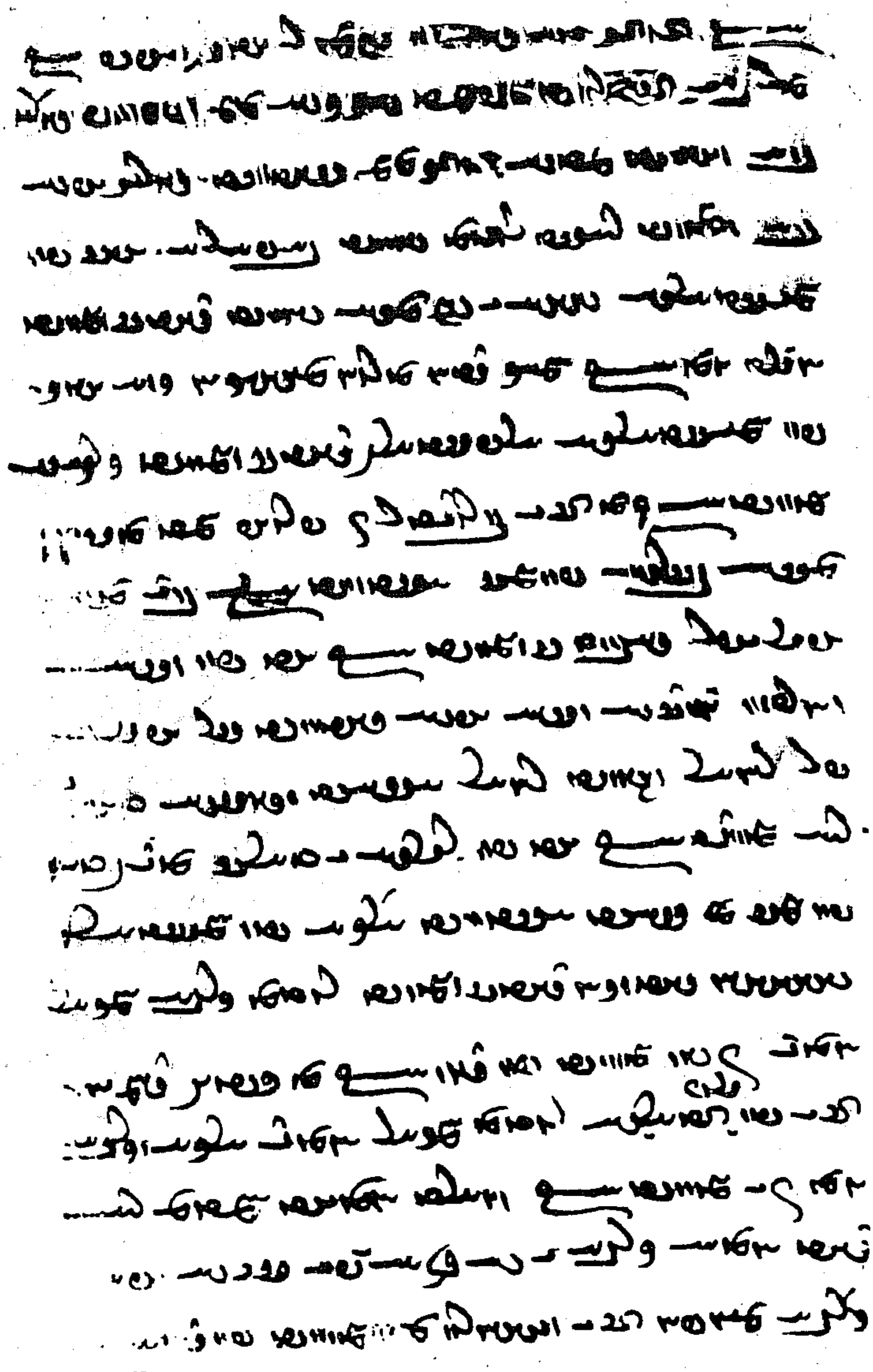


FOL. 110 r.



FOL. 110 v.

[illegible]



FOL. 111 v.

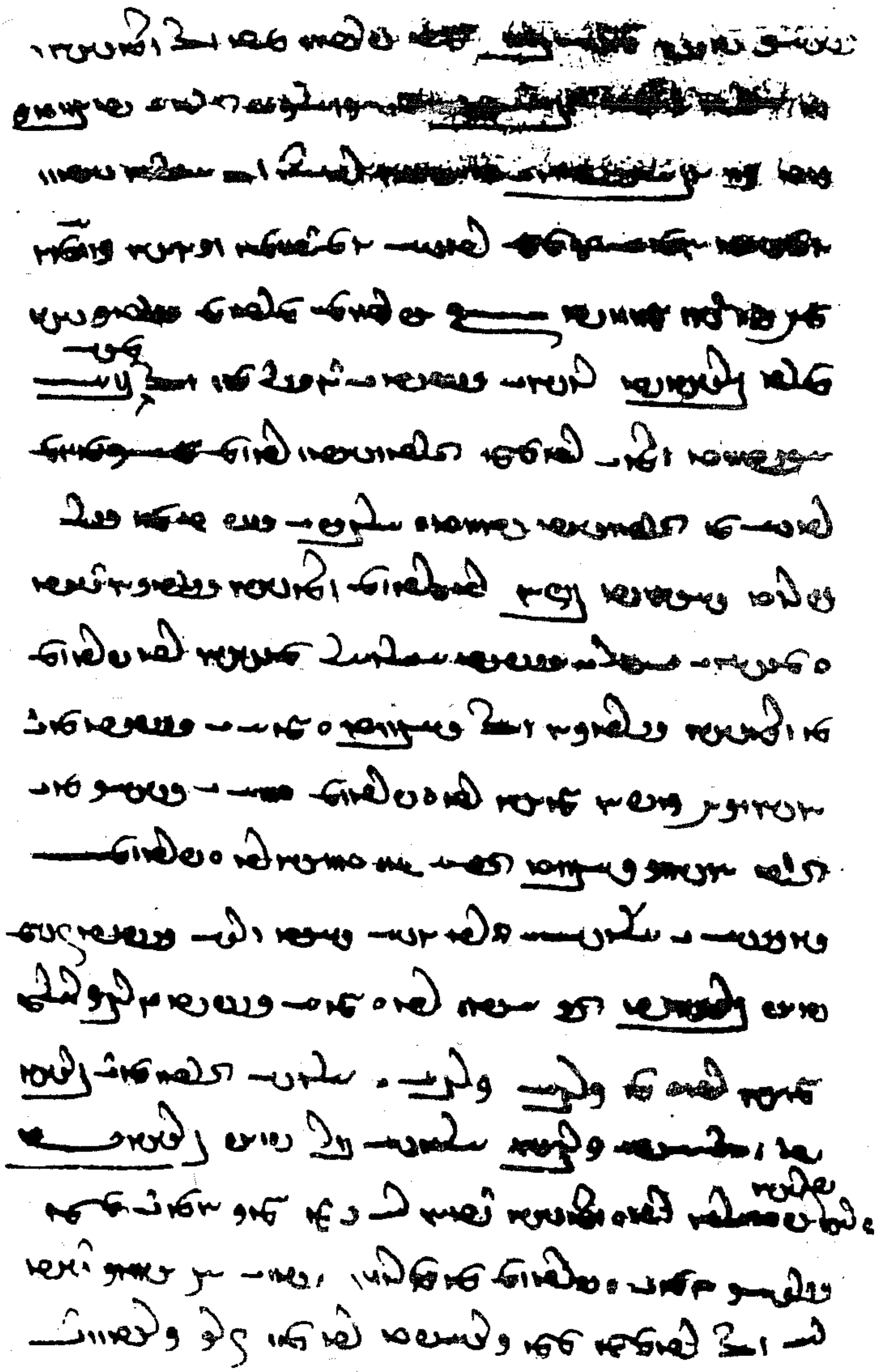
[illegible]

[illegible]

FOL. 113 v.

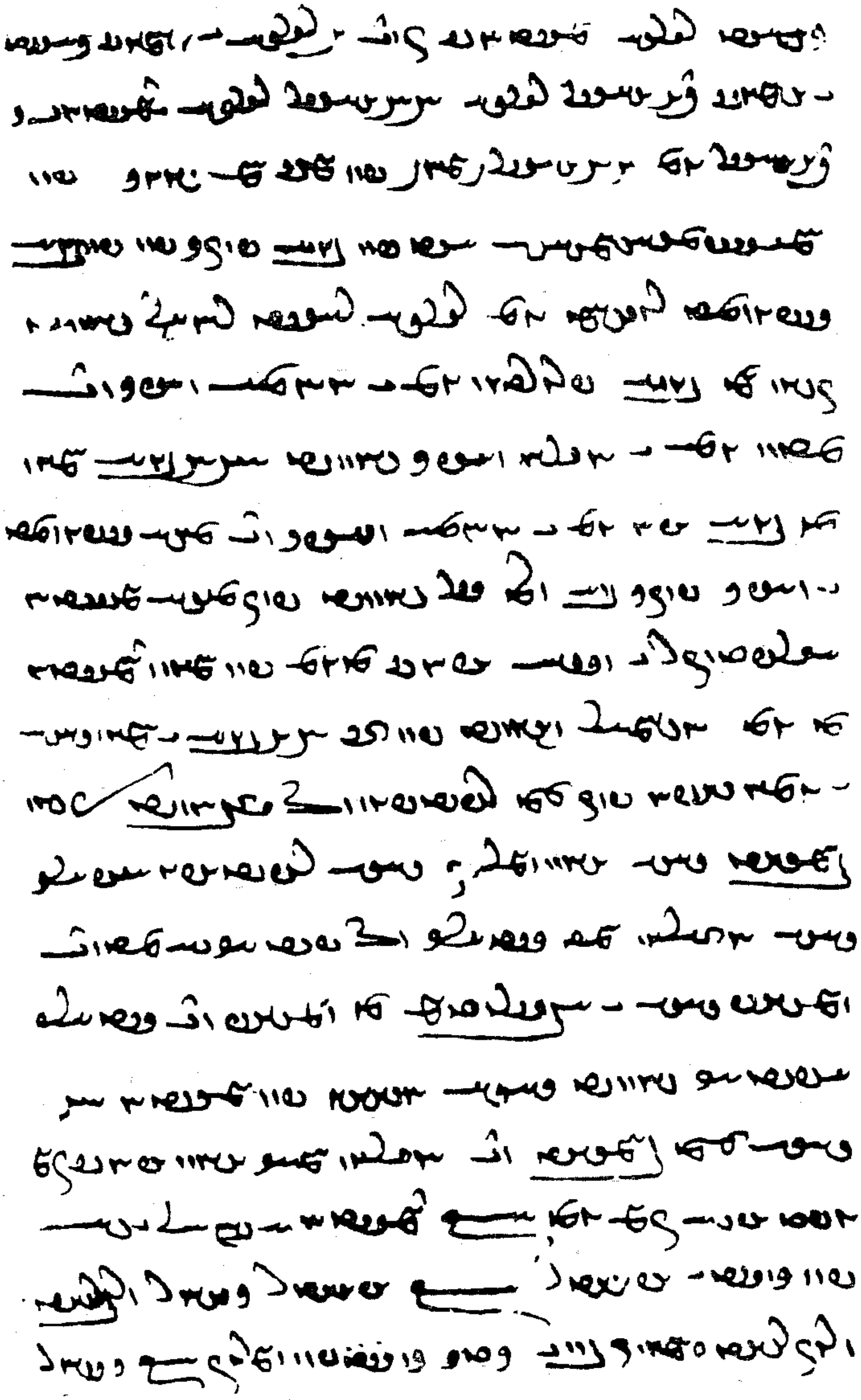
FOL. 114 v.

[illegible]

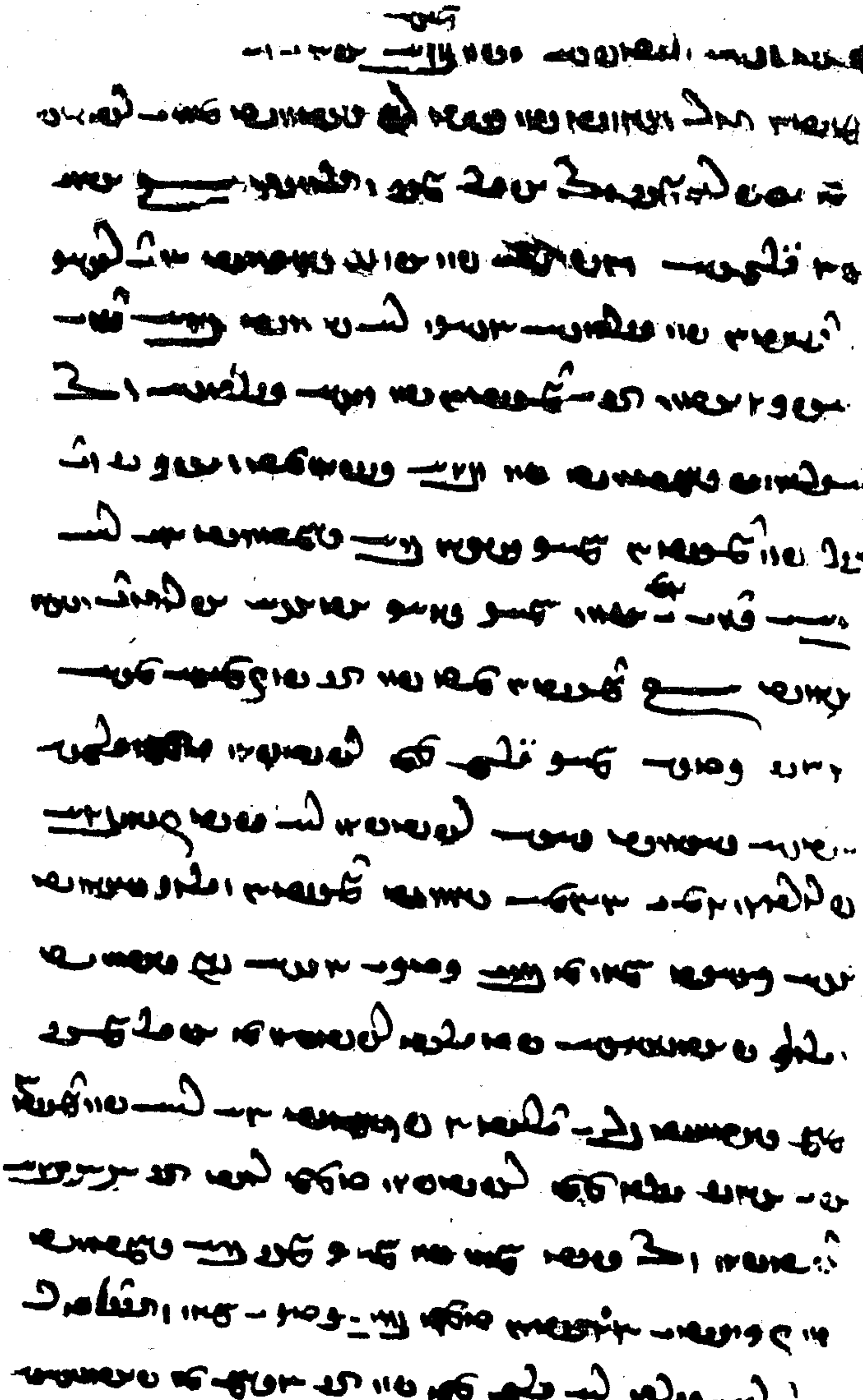


FOL. 116 r.

[illegible]



FOL. 117 v.

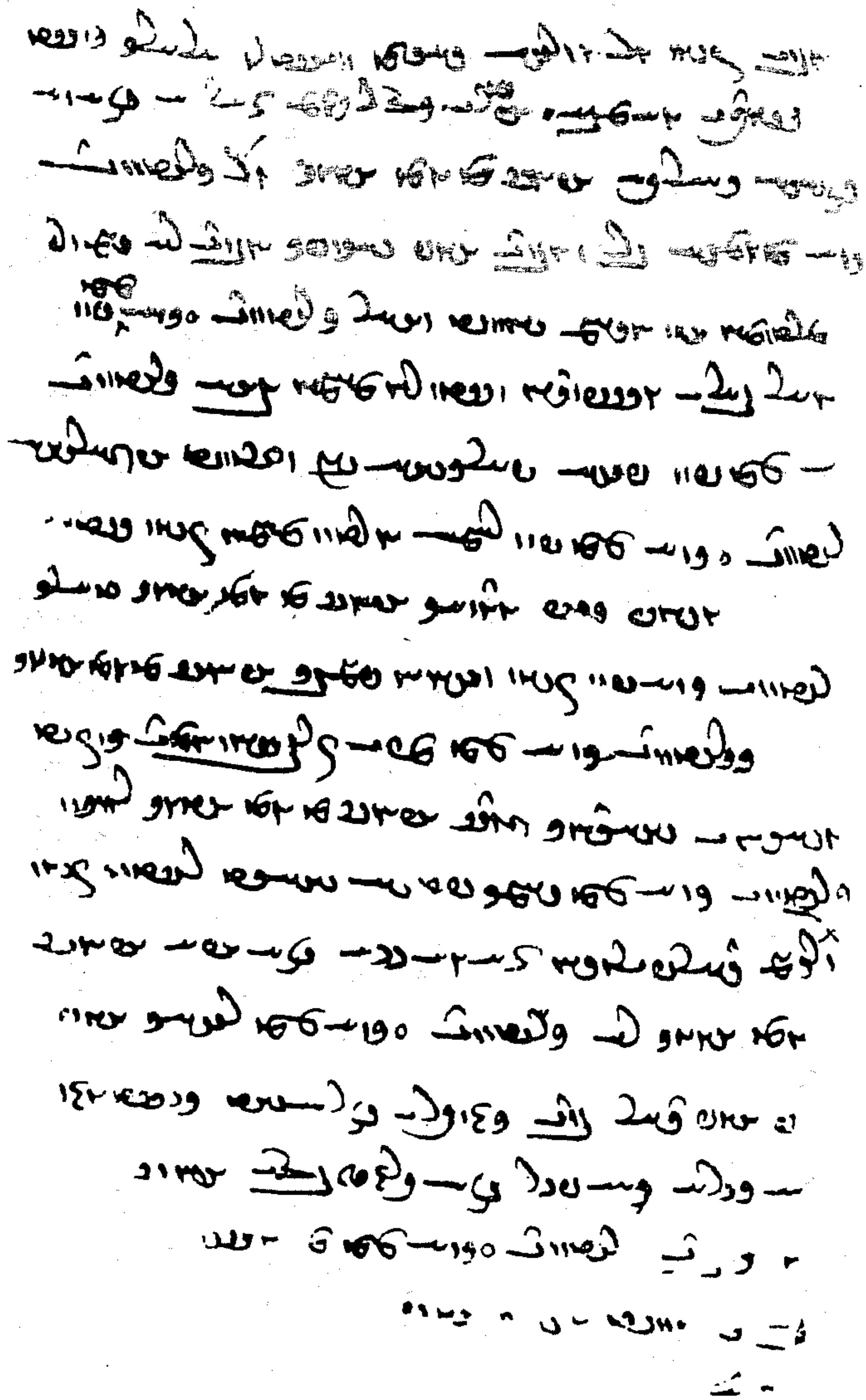


FOL. 118 r.

[illegible]

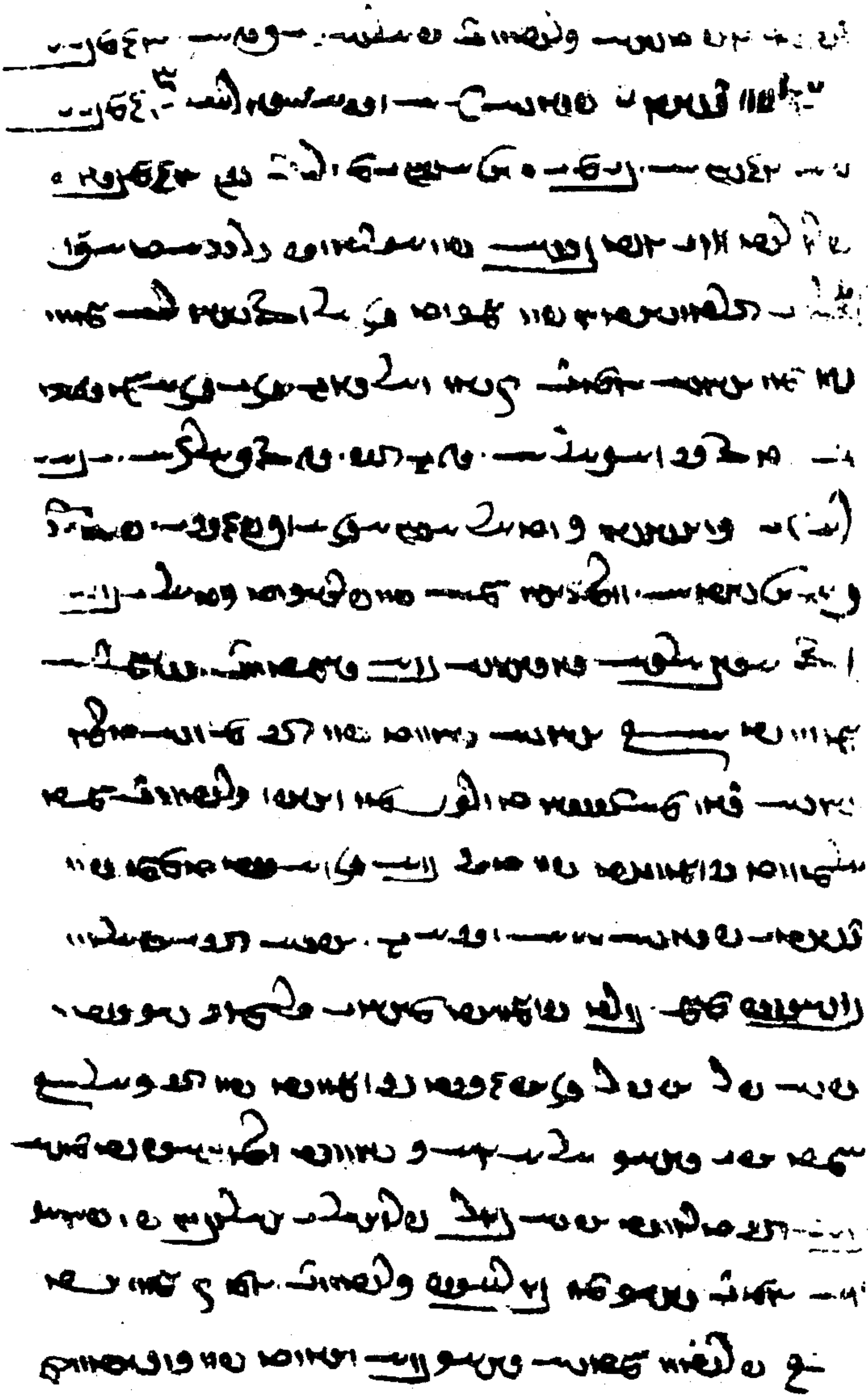
[illegible]

[illegible]



FOL. 120 r.

[illegible]



FOL. 123 r.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

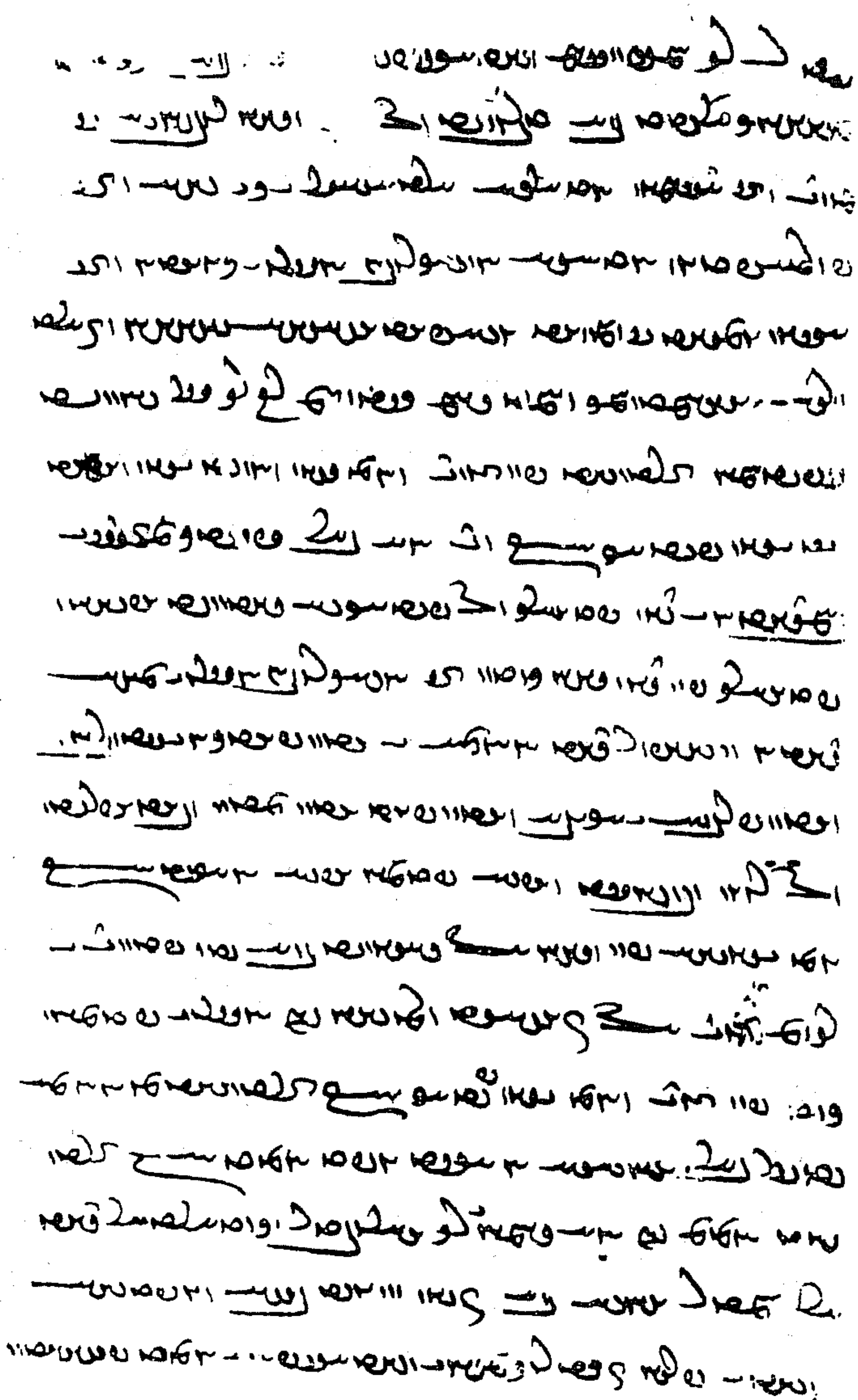
[illegible]

[illegible]

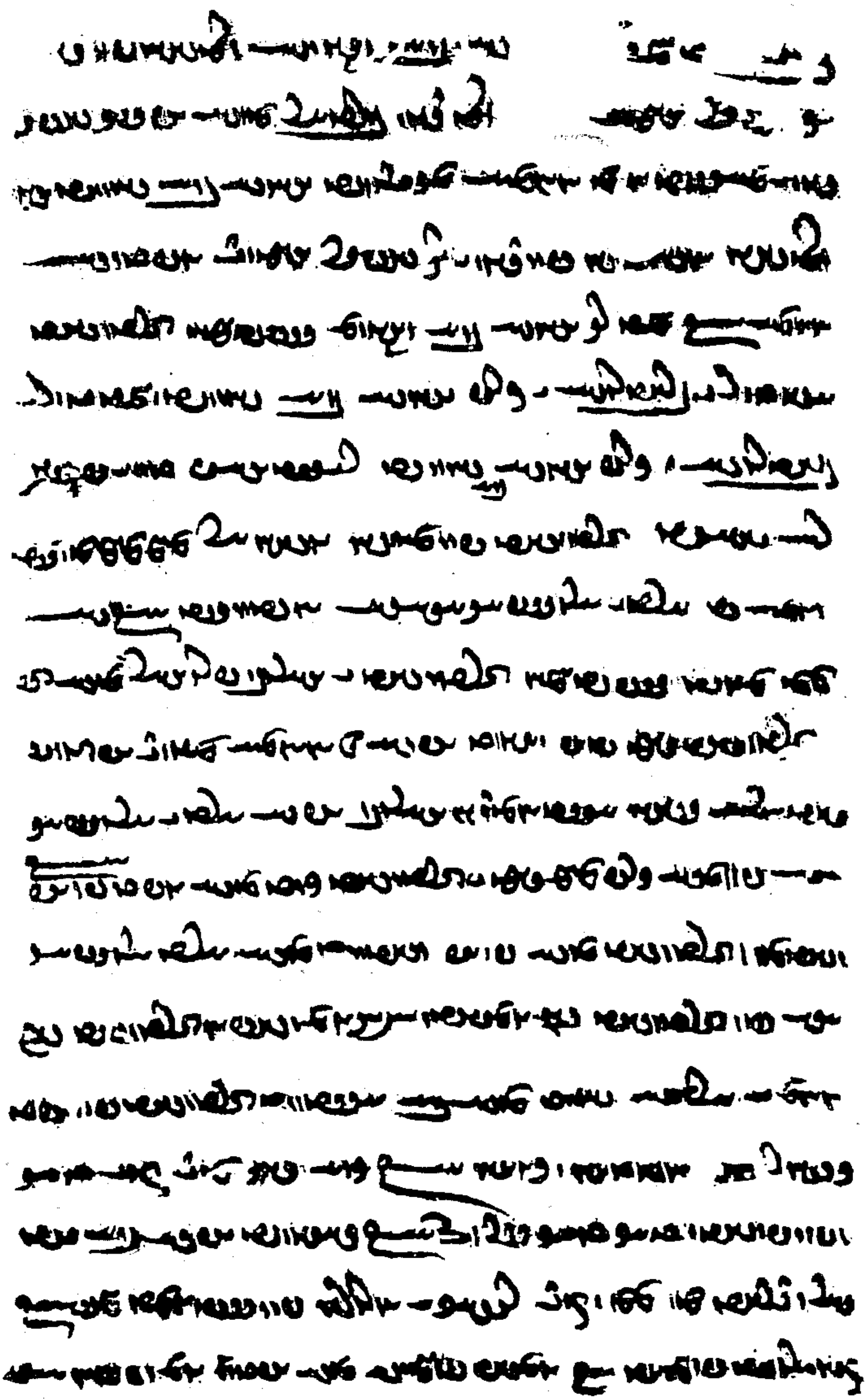
[illegible]

[illegible]

[illegible]



FOL. 130 r.



FOL. 130 v.

[illegible]

[illegible]

[illegible]

recto

[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

ماه وارجال

[illegible]

ماوان داد

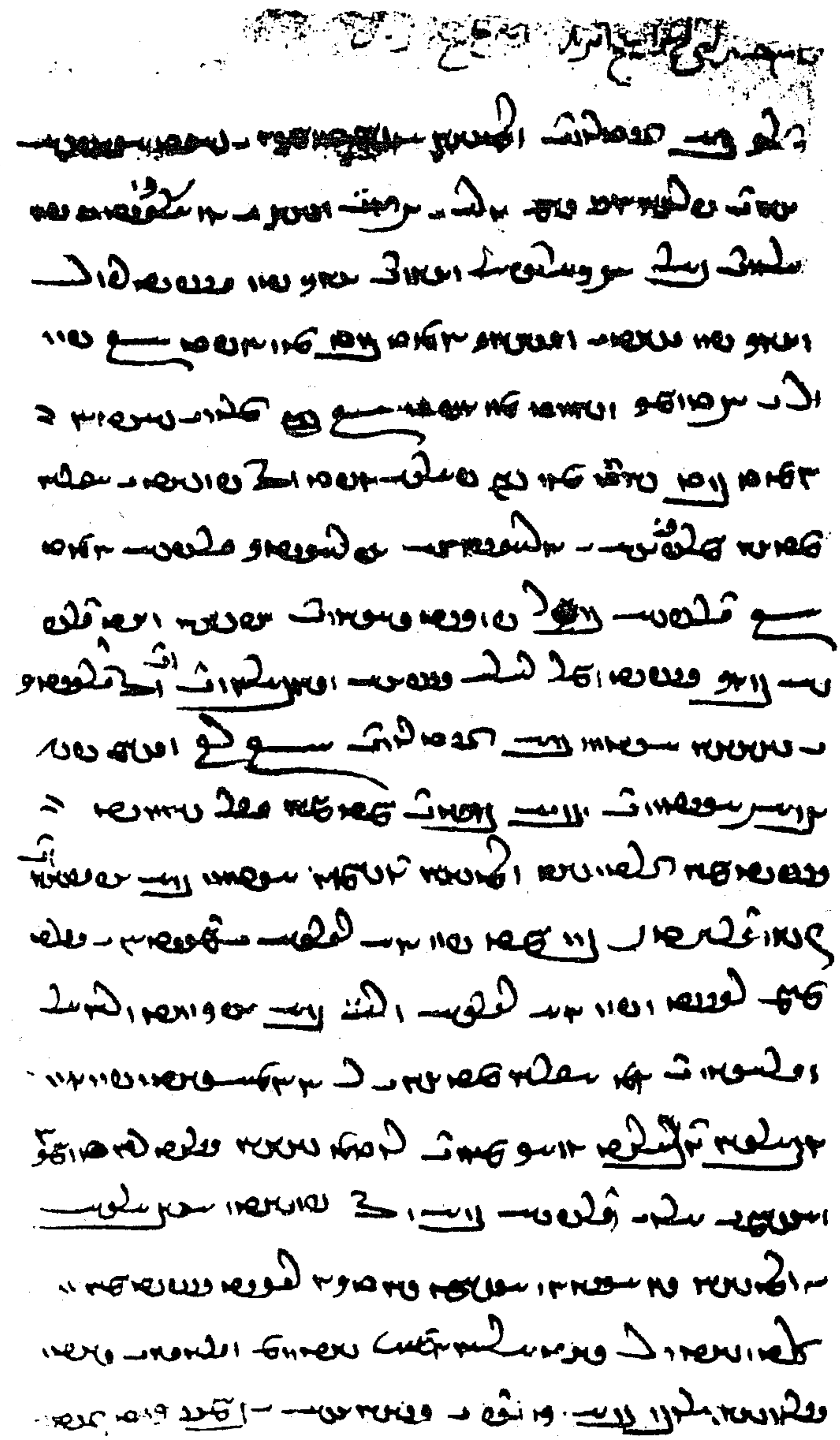
[illegible]

کرمزهنت وازدنیرونش هنلیجا دنش وازکوبار هنت ه وش :
مرەمن وی ایراز، دهان مرجرمرد دادکمن سوتن اسپه

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

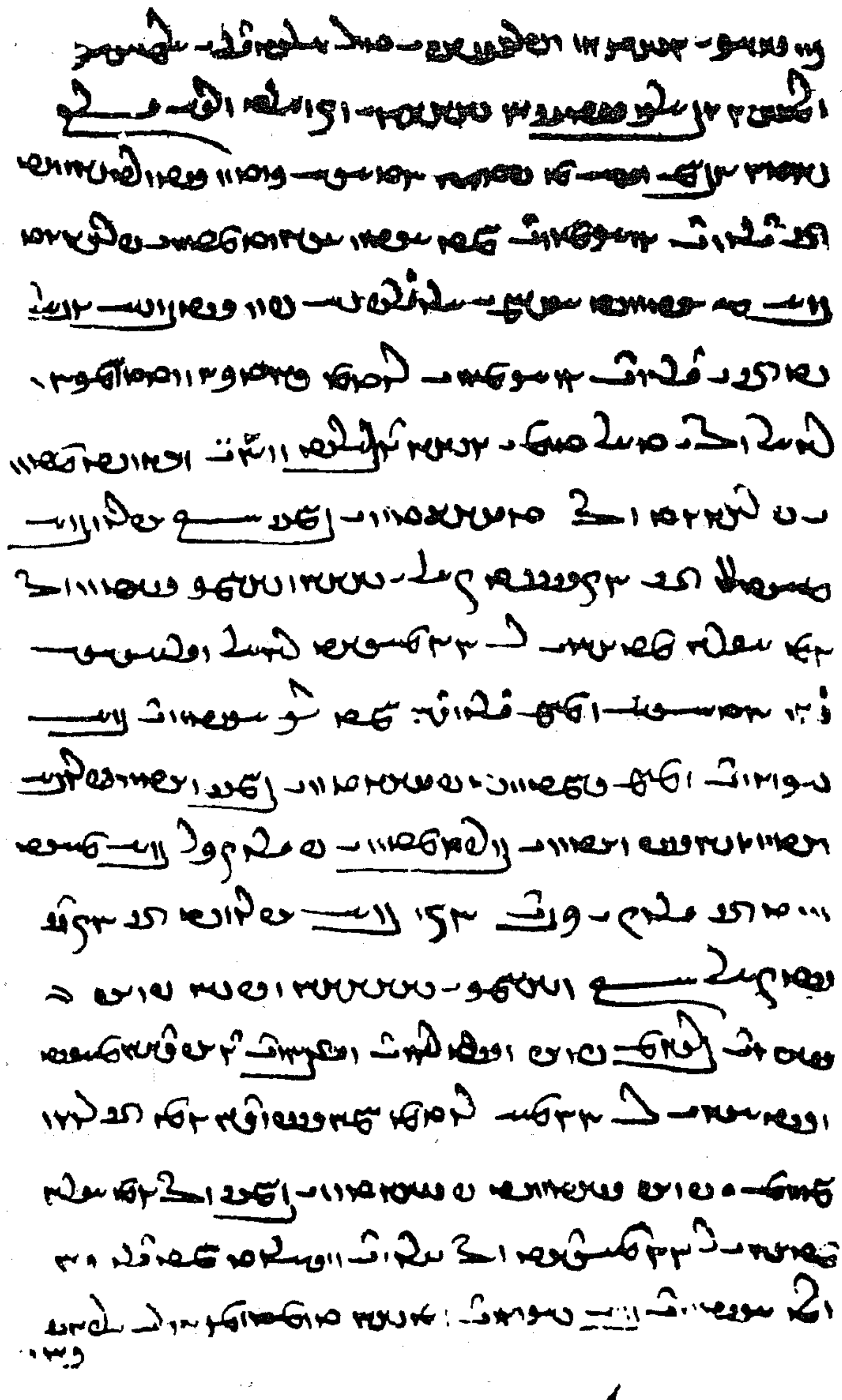
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]



FOL. 139 r.

[illegible]



FOL. 140 v.

[illegible]

[illegible]

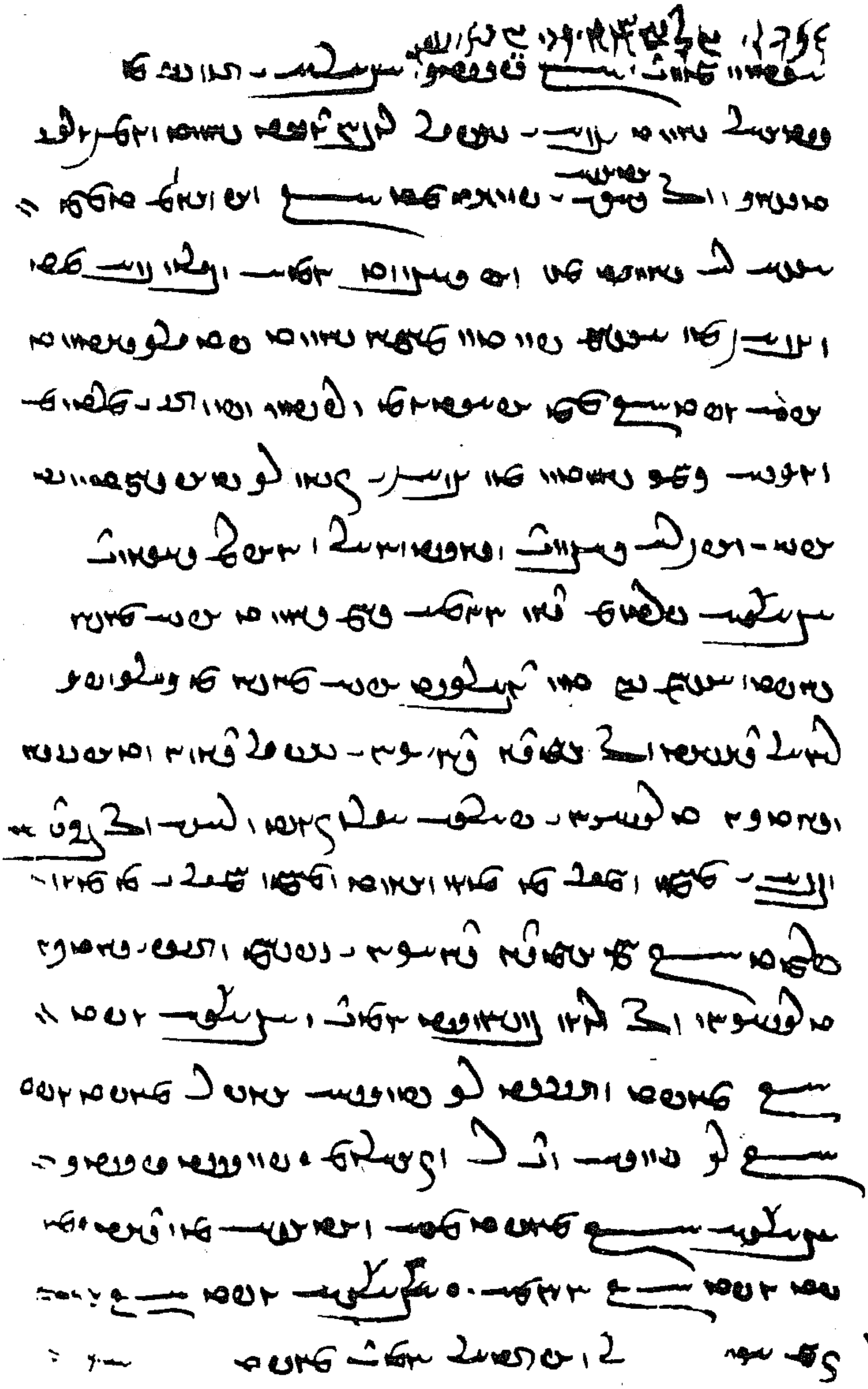
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]



FOL. 148 v.

13178

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

FOL. 151 v.

FOL. 152 r

[illegible]

[illegible]

FOL. 156 v.

ns 4/17

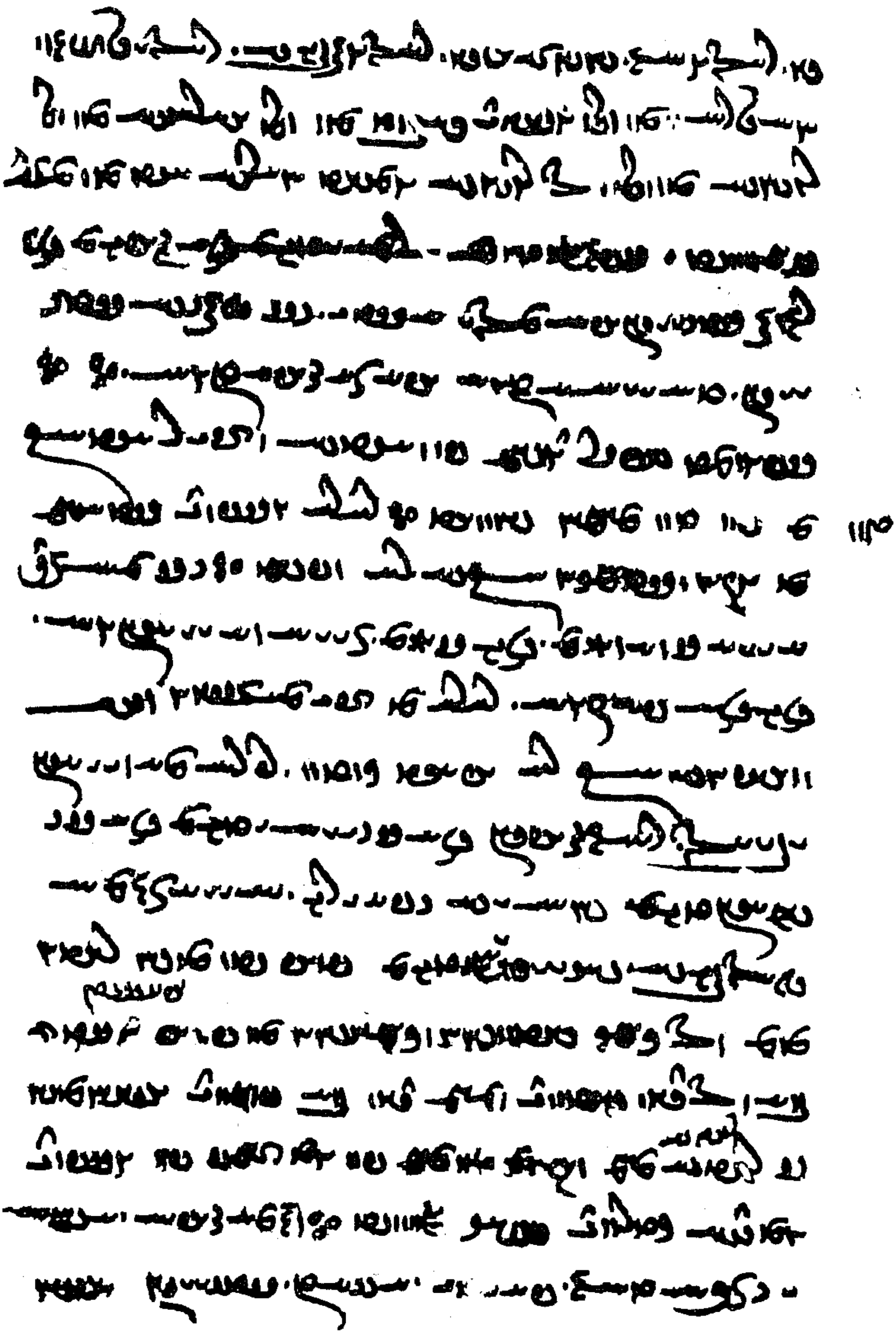
[illegible]

[illegible]

۱۳۷/۱۸

FOL. 158 v.

[illegible]



FOL. 160 v.

116

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

167

[illegible]

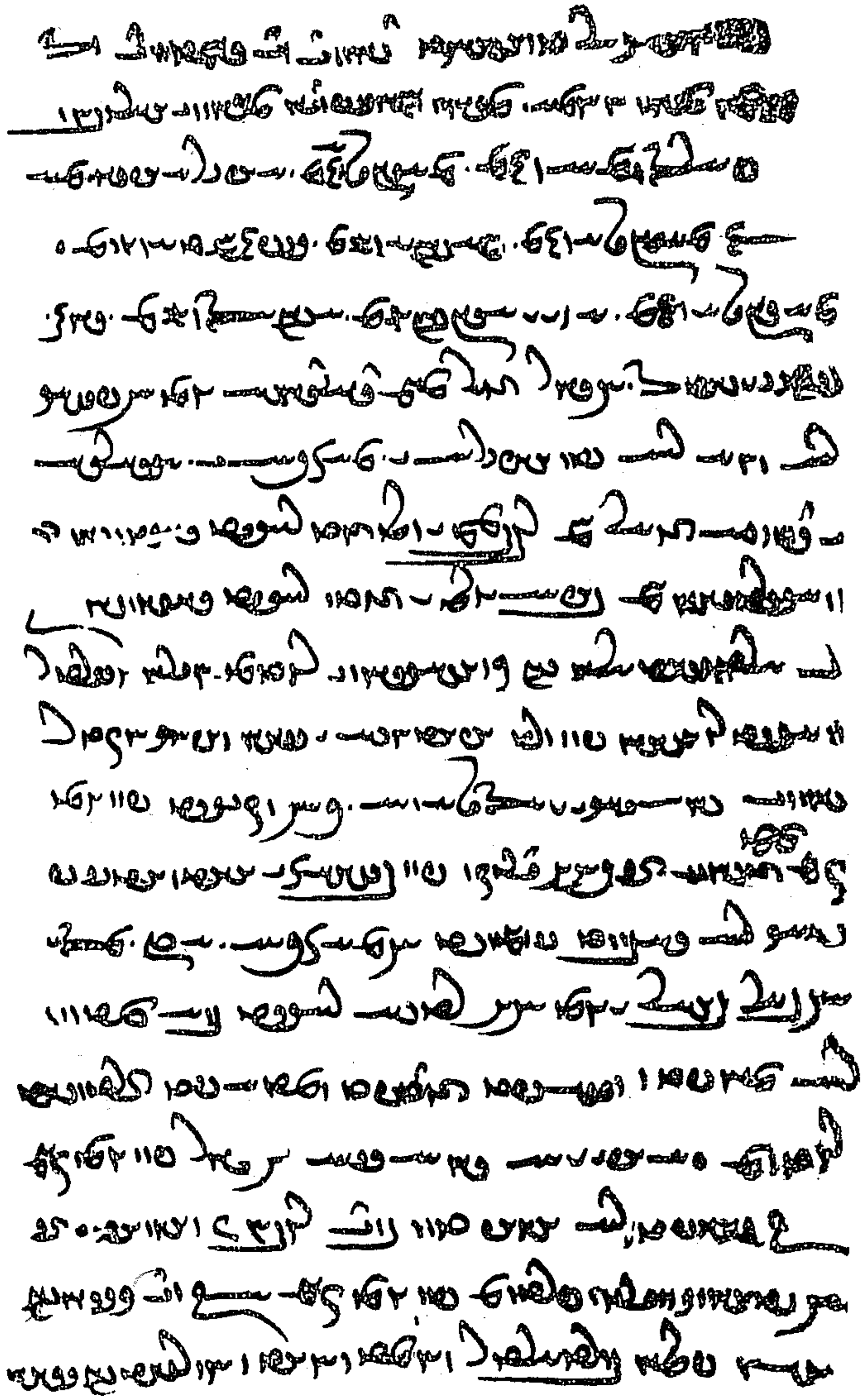
[illegible]

[illegible]

FOL. 170 v.

[illegible]

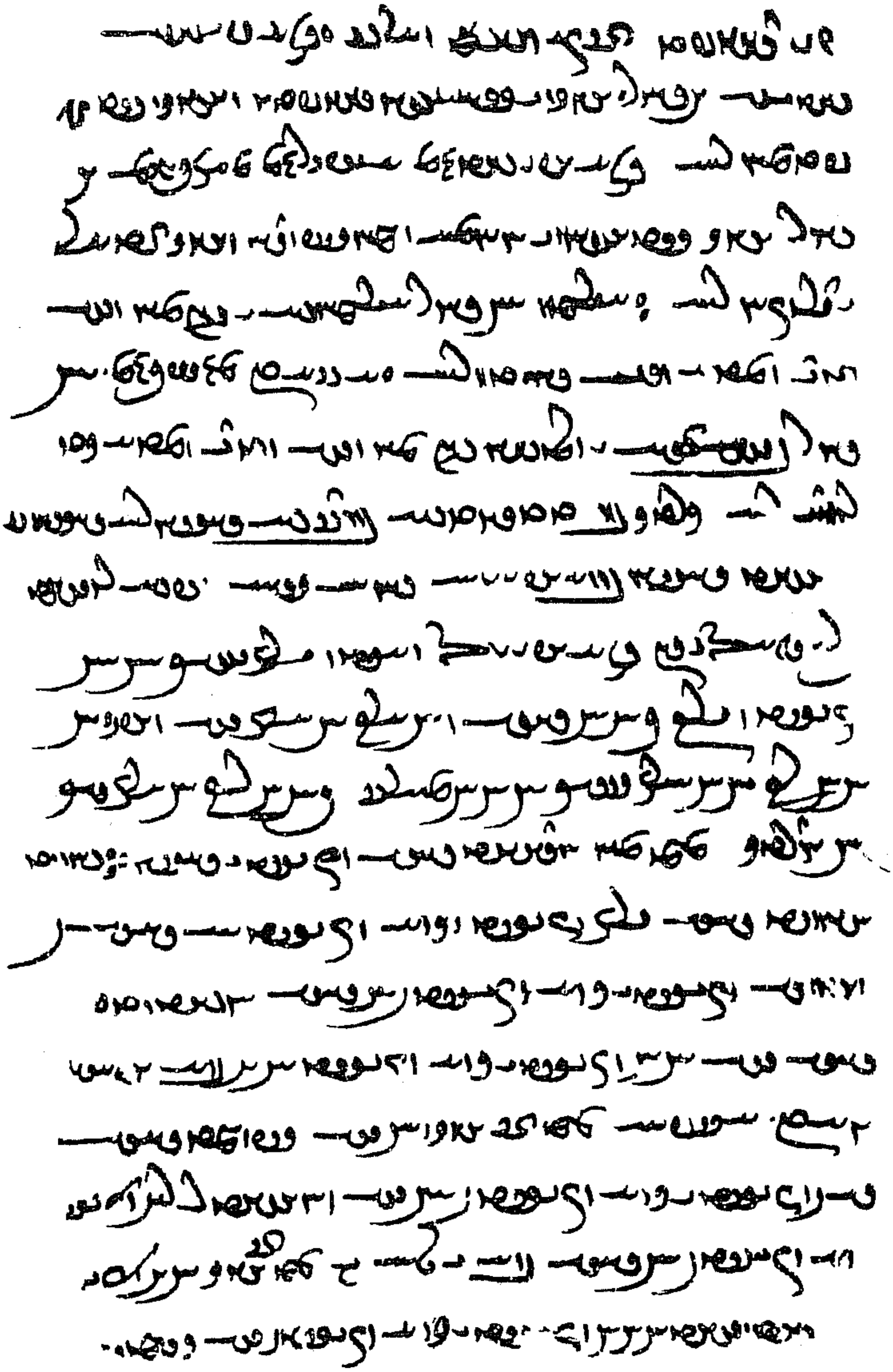
[illegible]



FOL. 172 r.

FOL. 172 v.

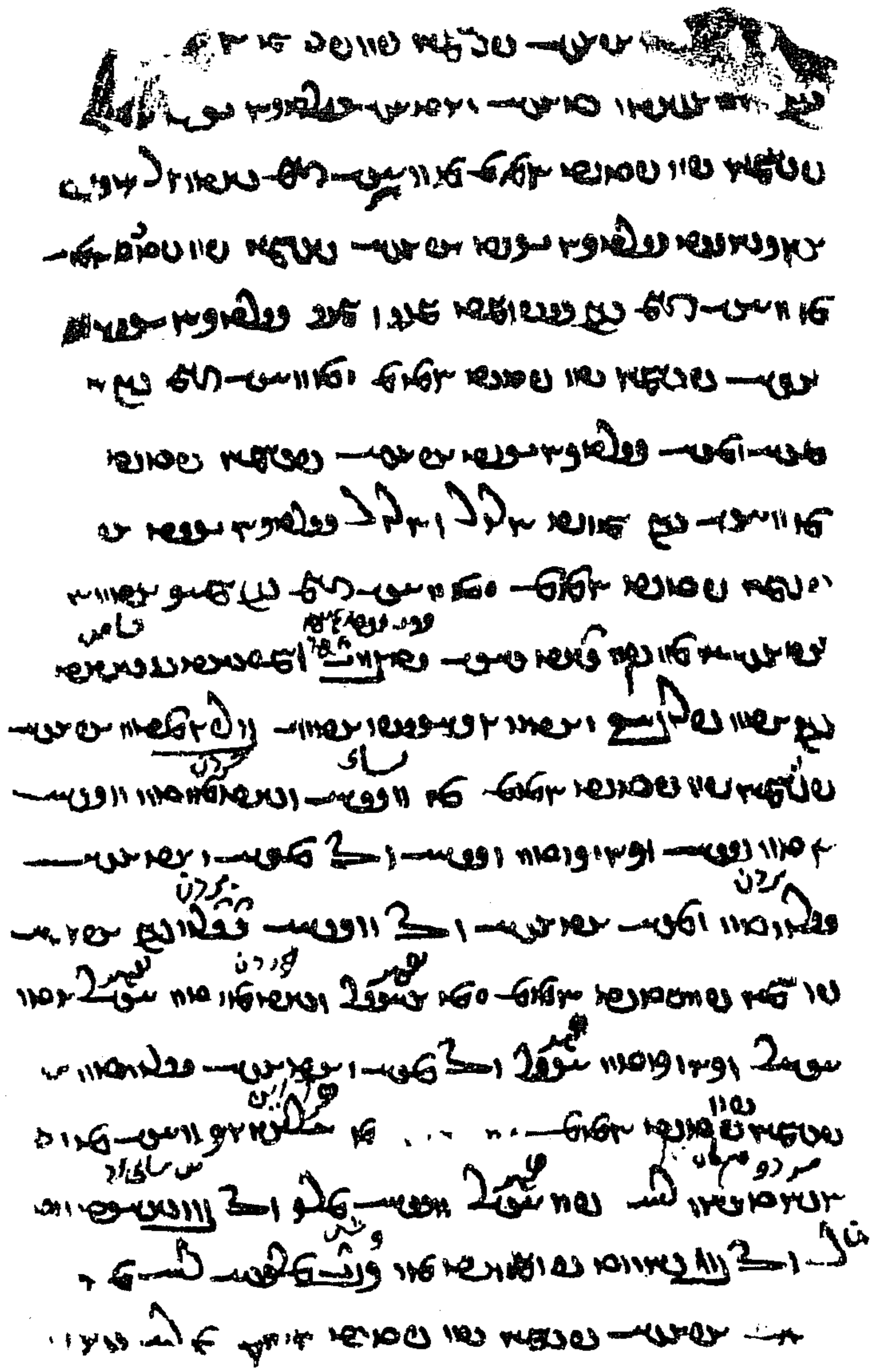
[illegible]



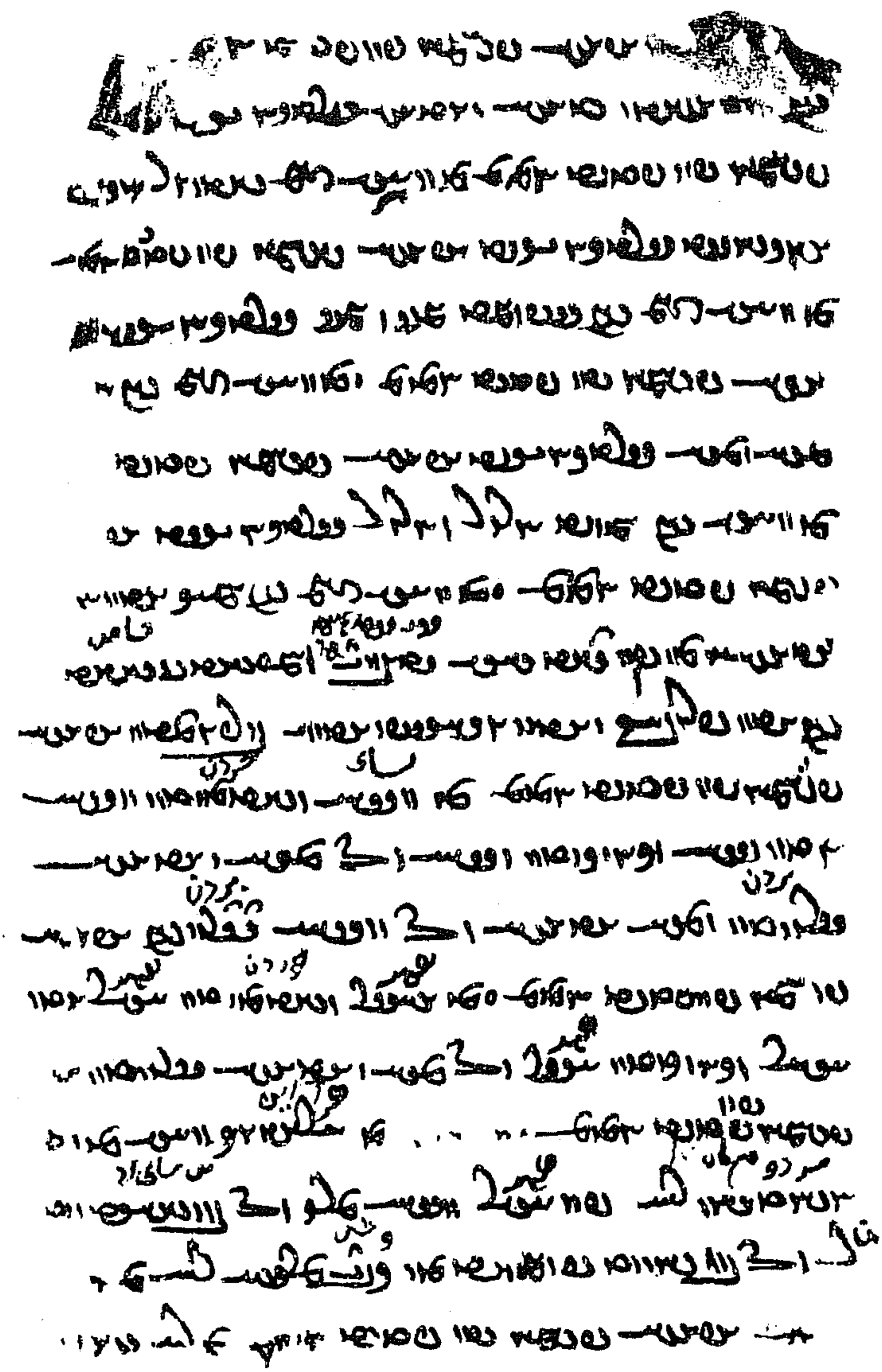
FOL. 174 v.

[illegible]

[illegible]

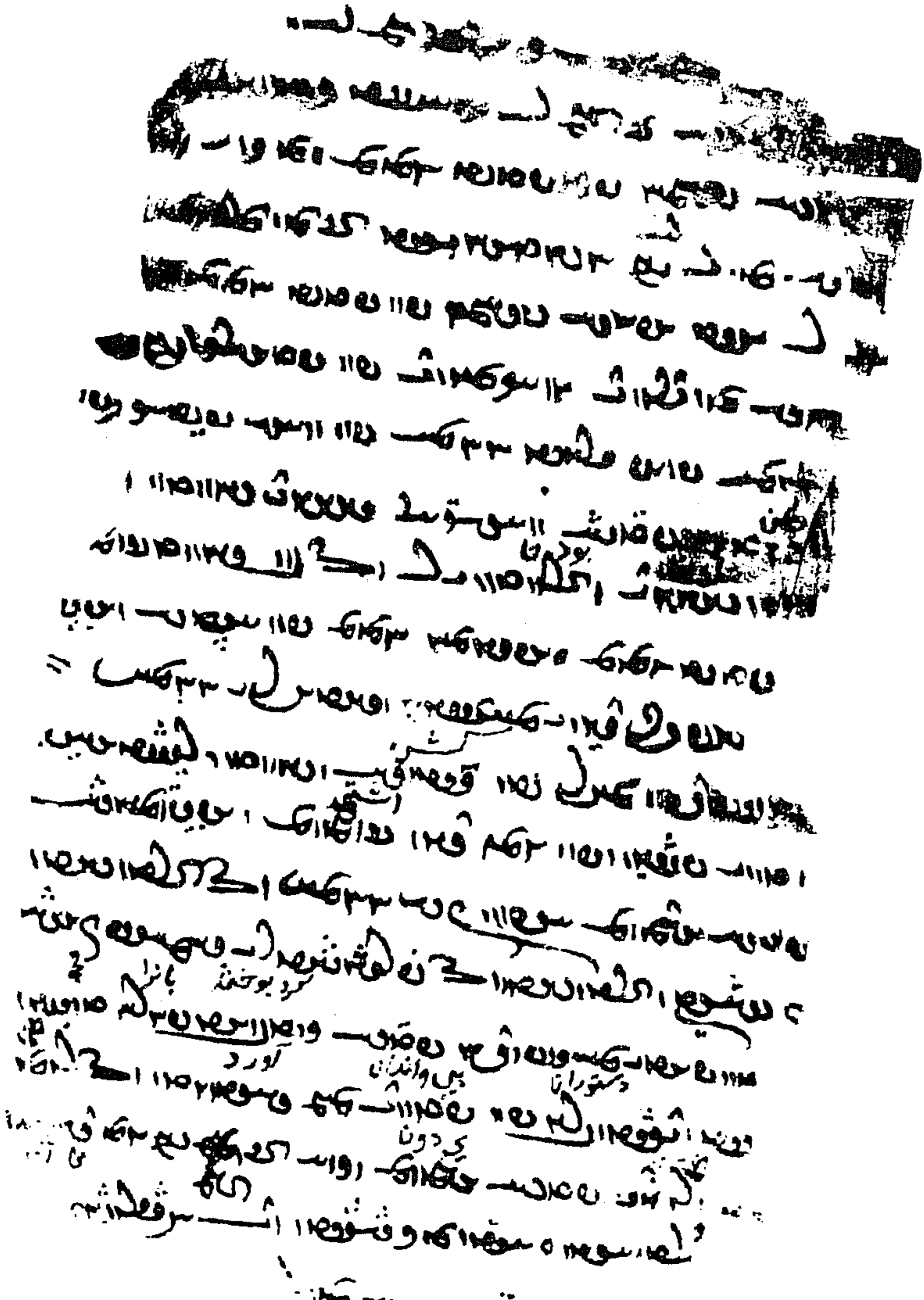


FOL. 176 v.



FOL. 176 v.

[illegible]



FOL. 177 v.

Bundahishn

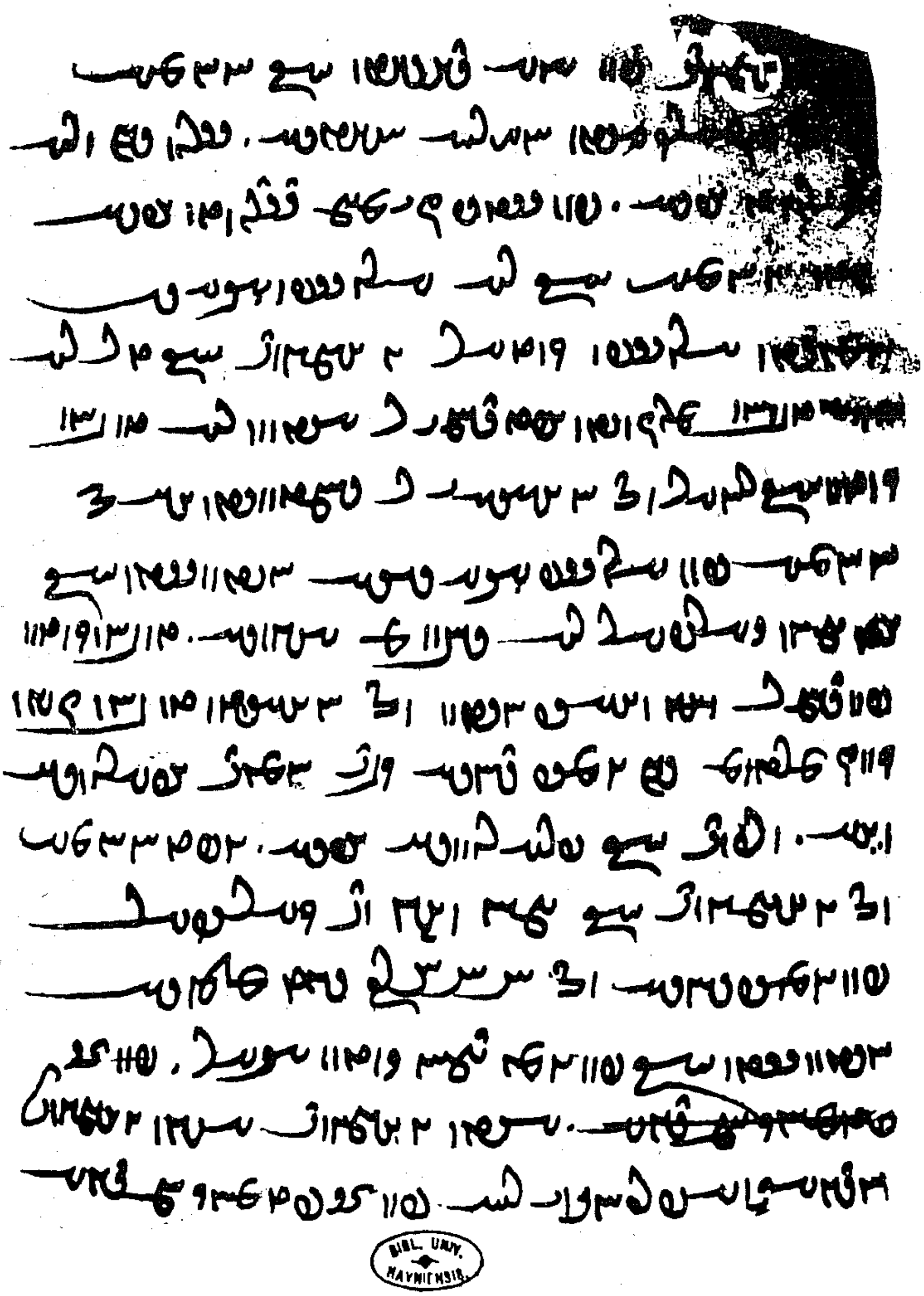
[illegible]

[illegible]

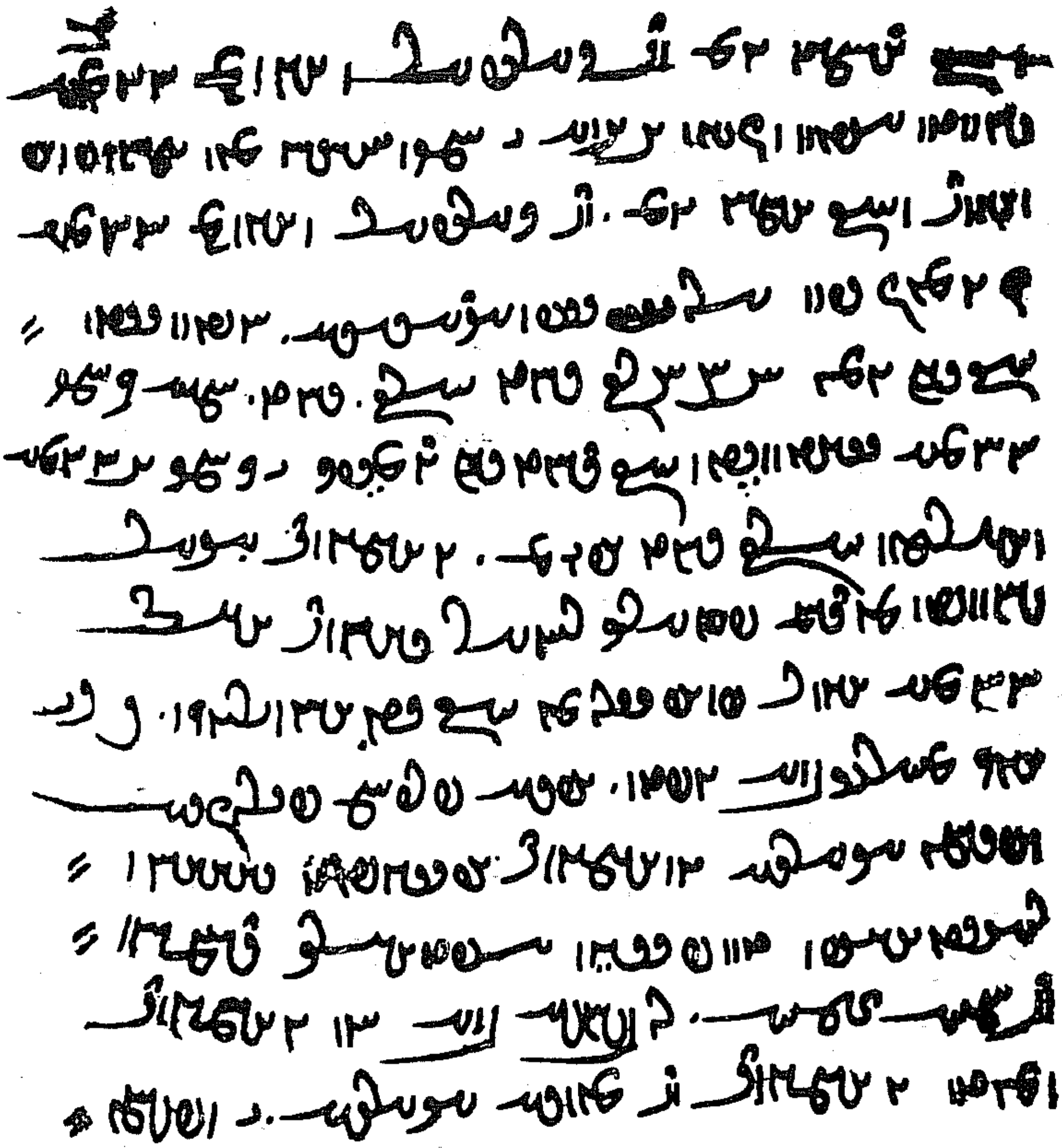
K. 20 b.

[illegible]

[illegible]



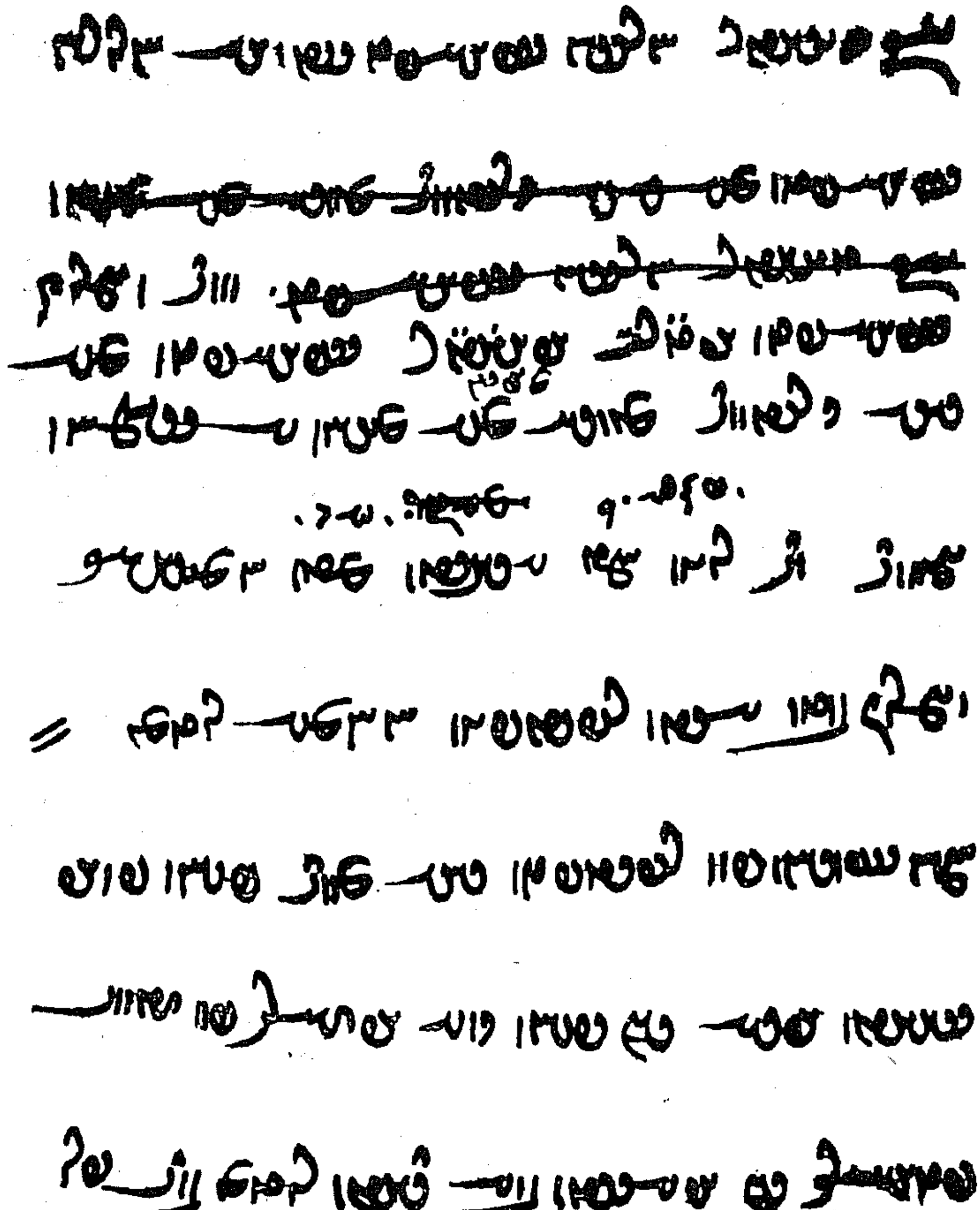
1. FOL. 4 r.



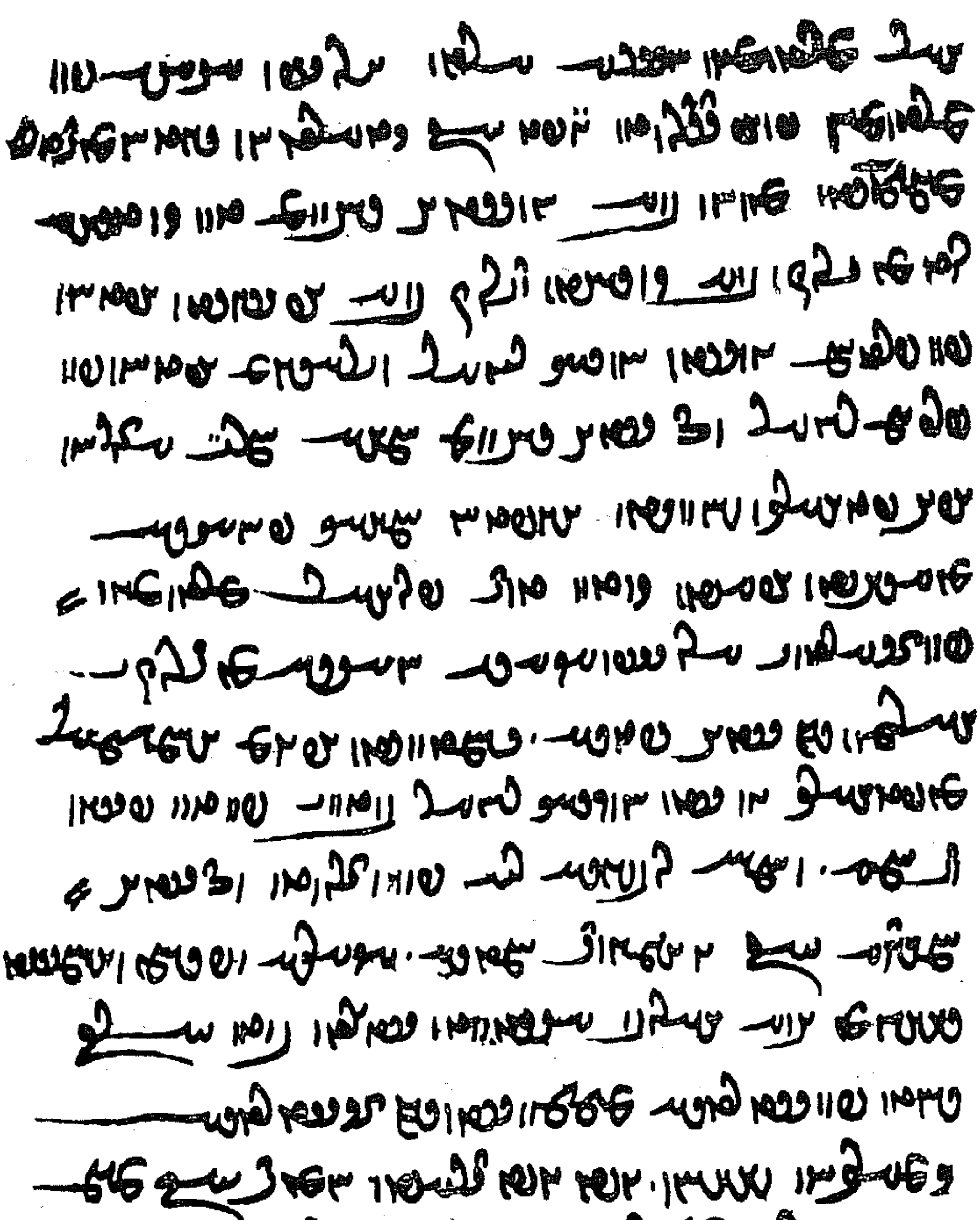
FOL. 4 v.

[illegible]

[illegible]



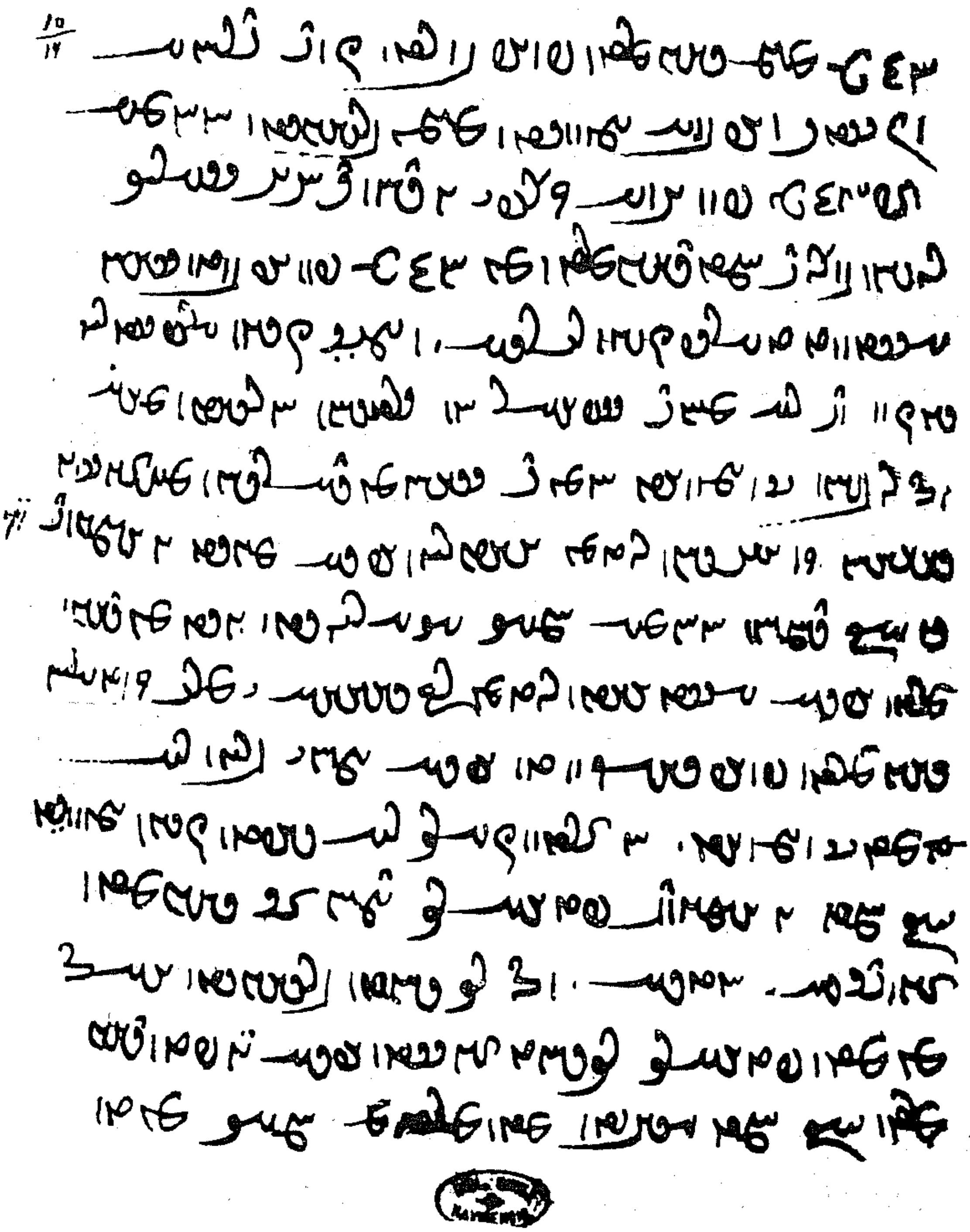
FOL. 6 v.



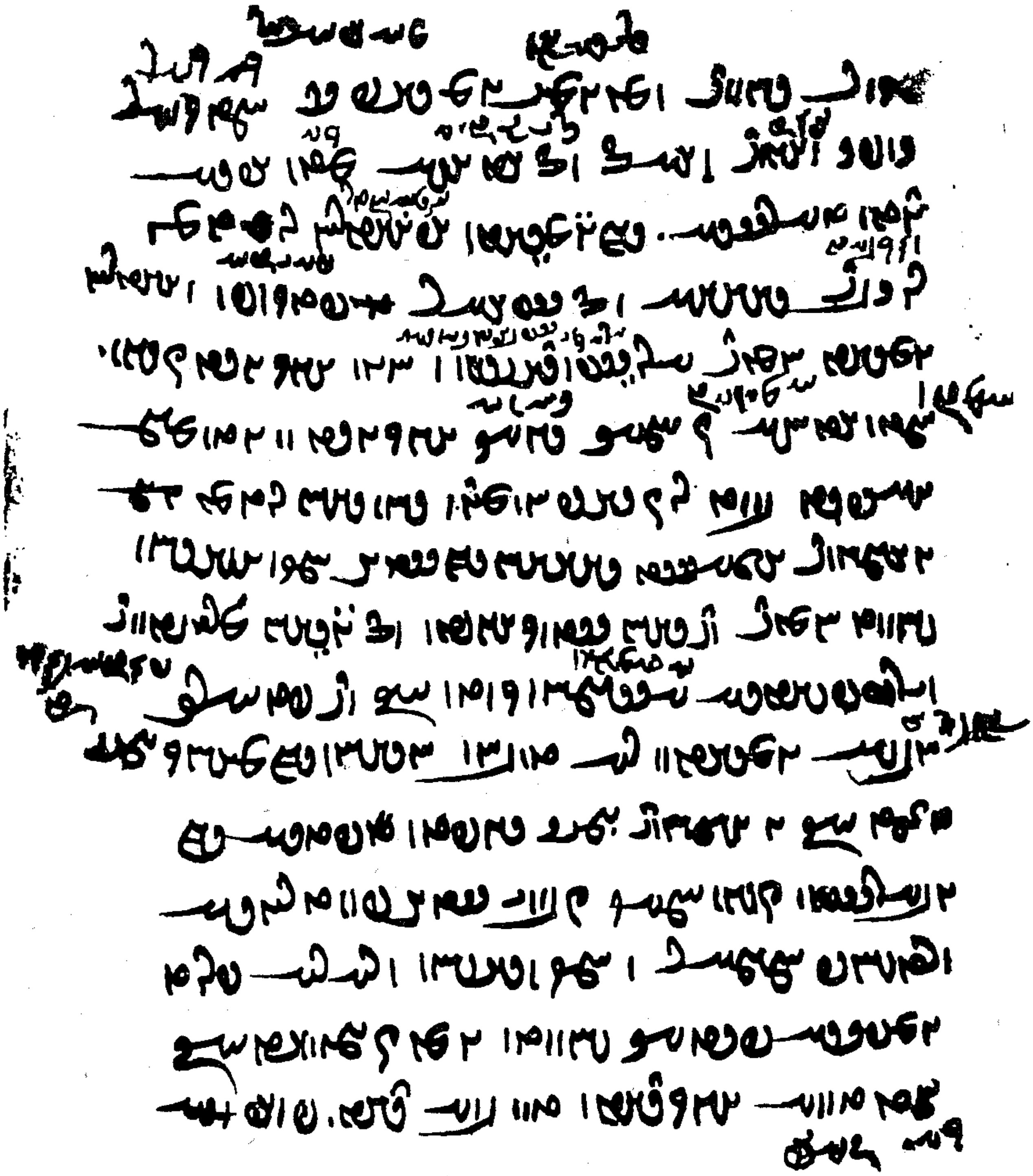
[illegible]

[illegible]

[illegible]



FOL. 9 r.



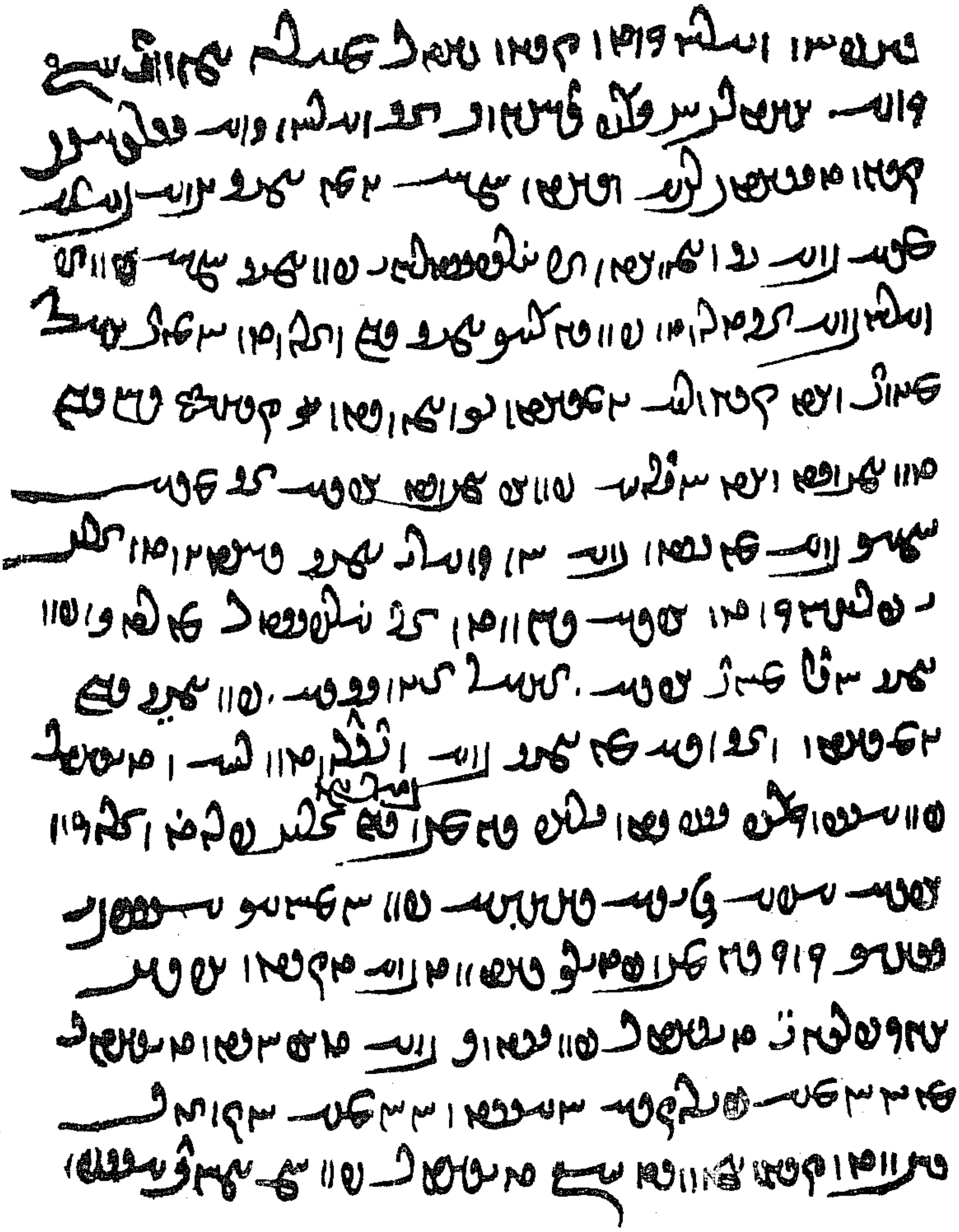
FOL. 9 v.

[illegible]

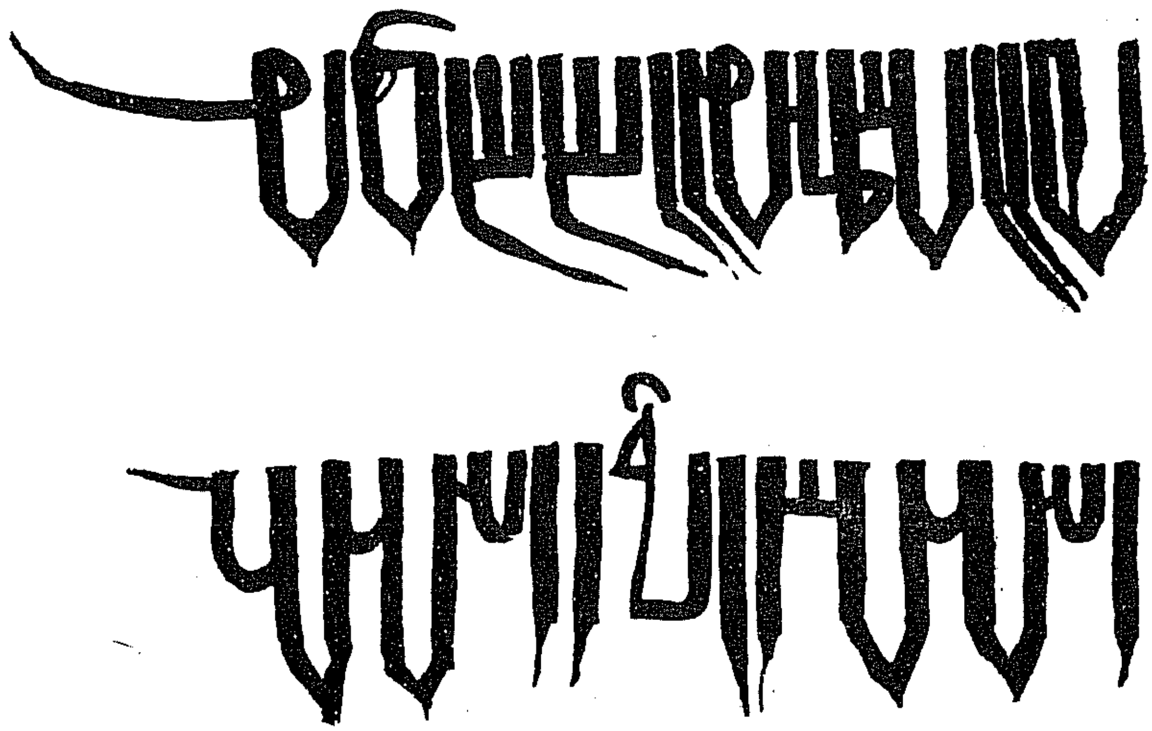
[illegible]

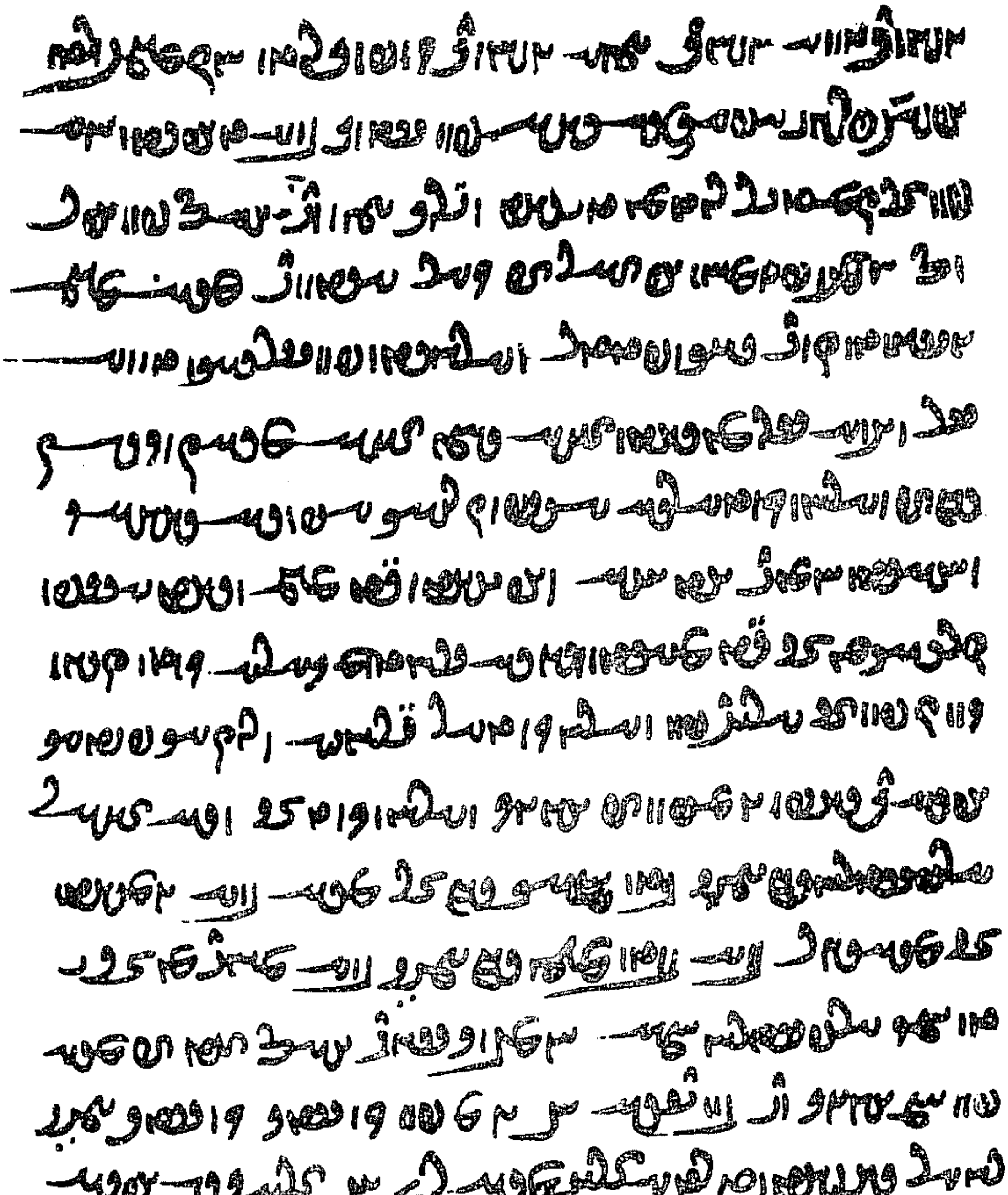
[illegible]

[illegible]



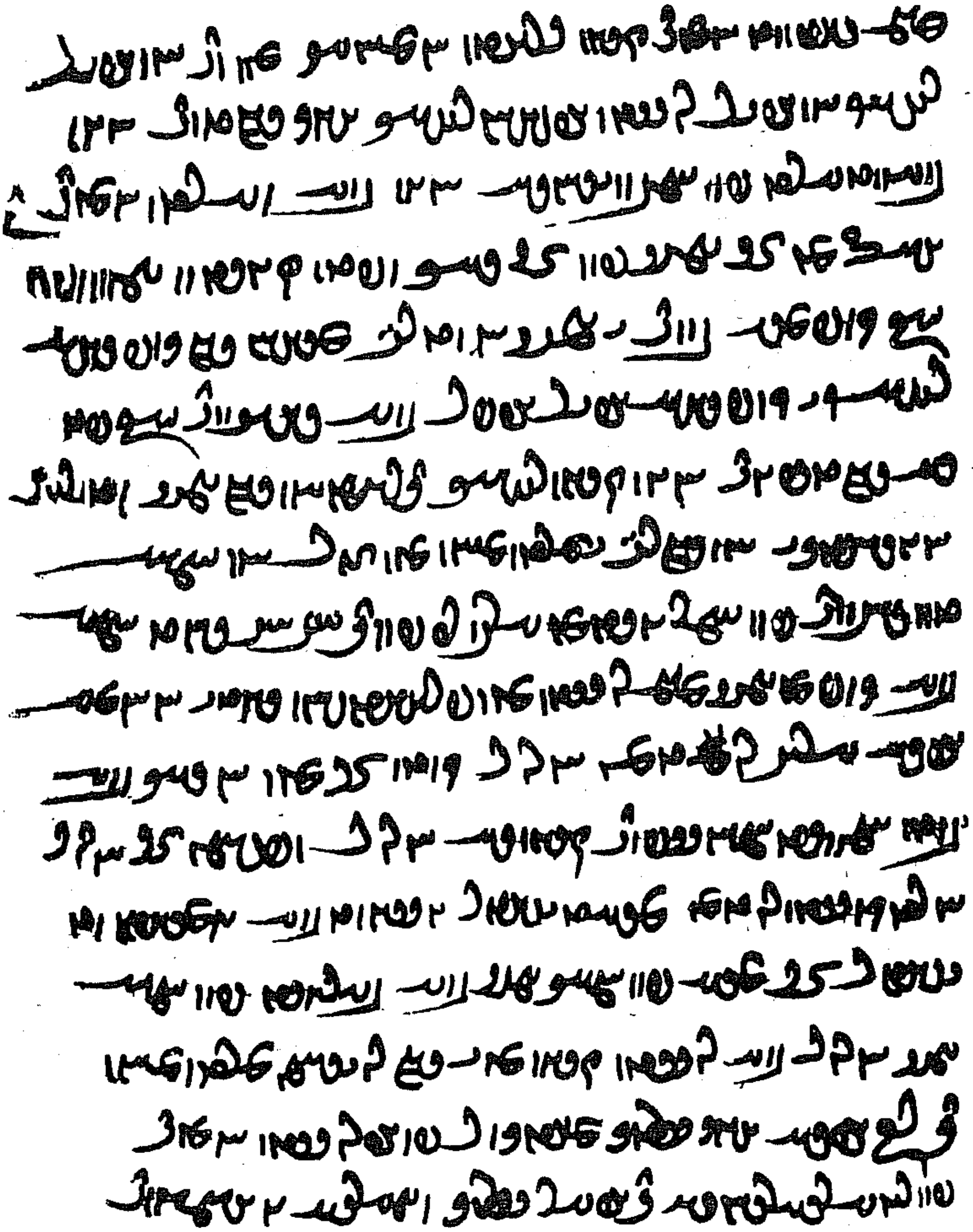
١٣٦٩





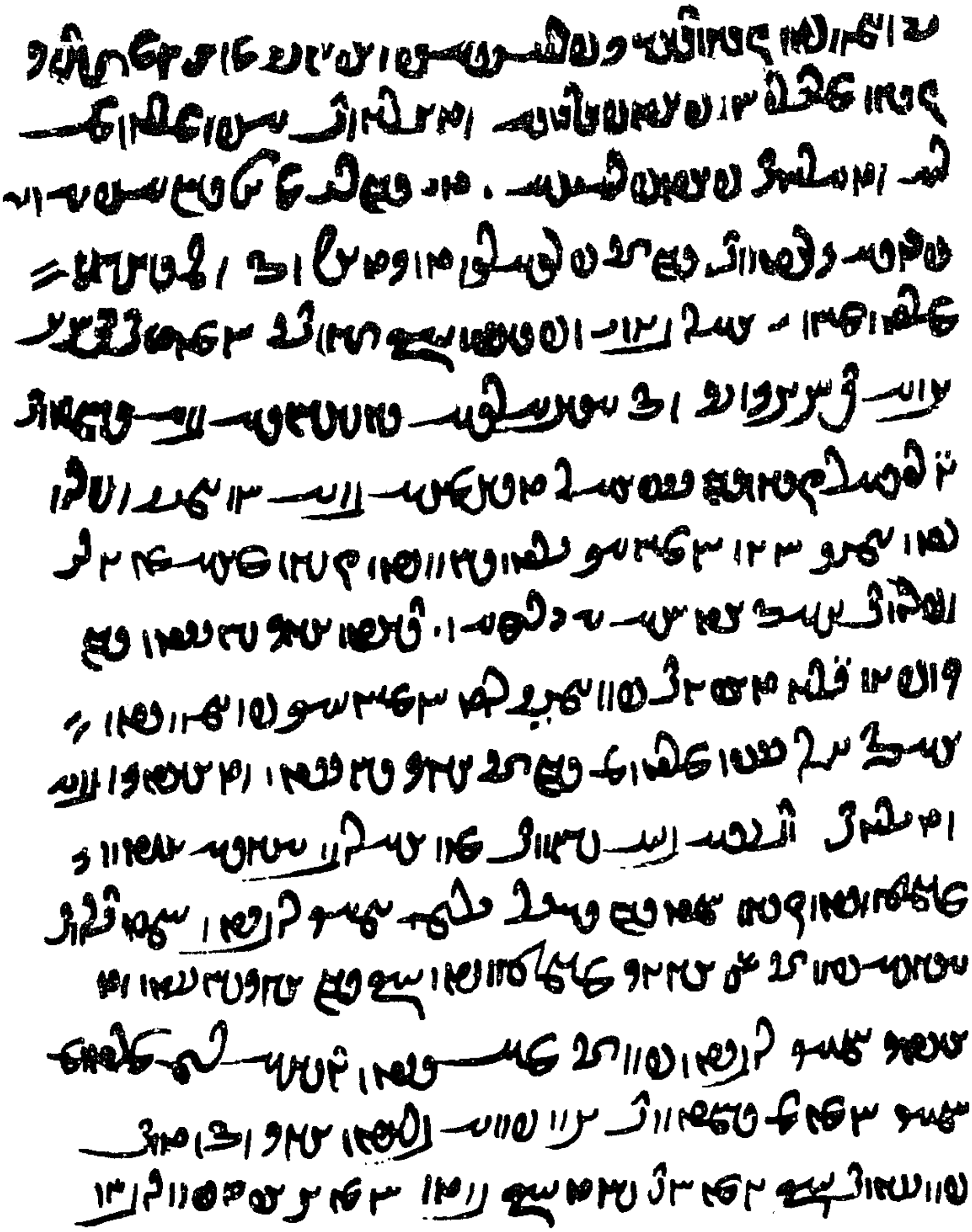
FOL. 13 v.

[illegible]

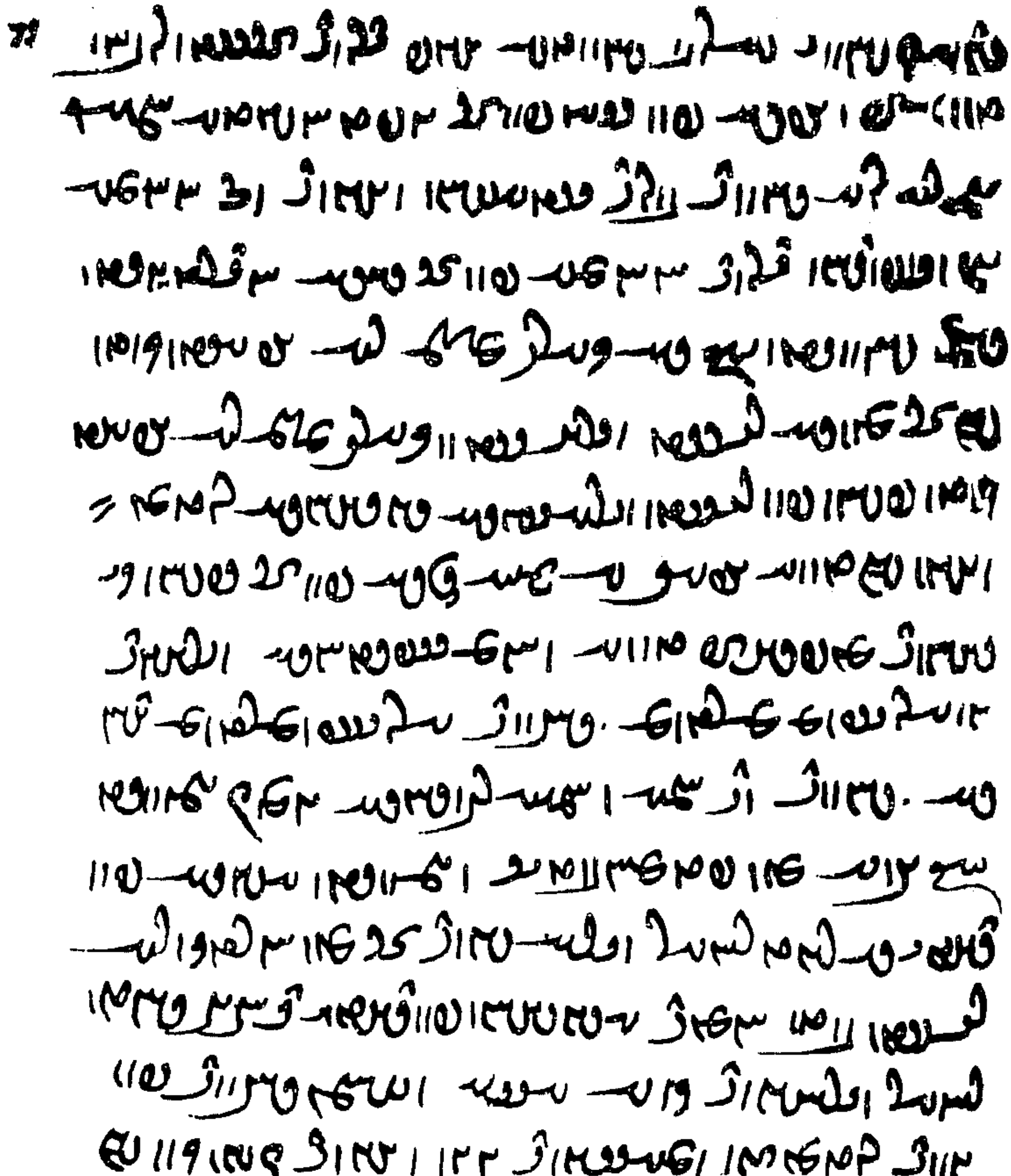


FOL. 14 v.

[illegible]

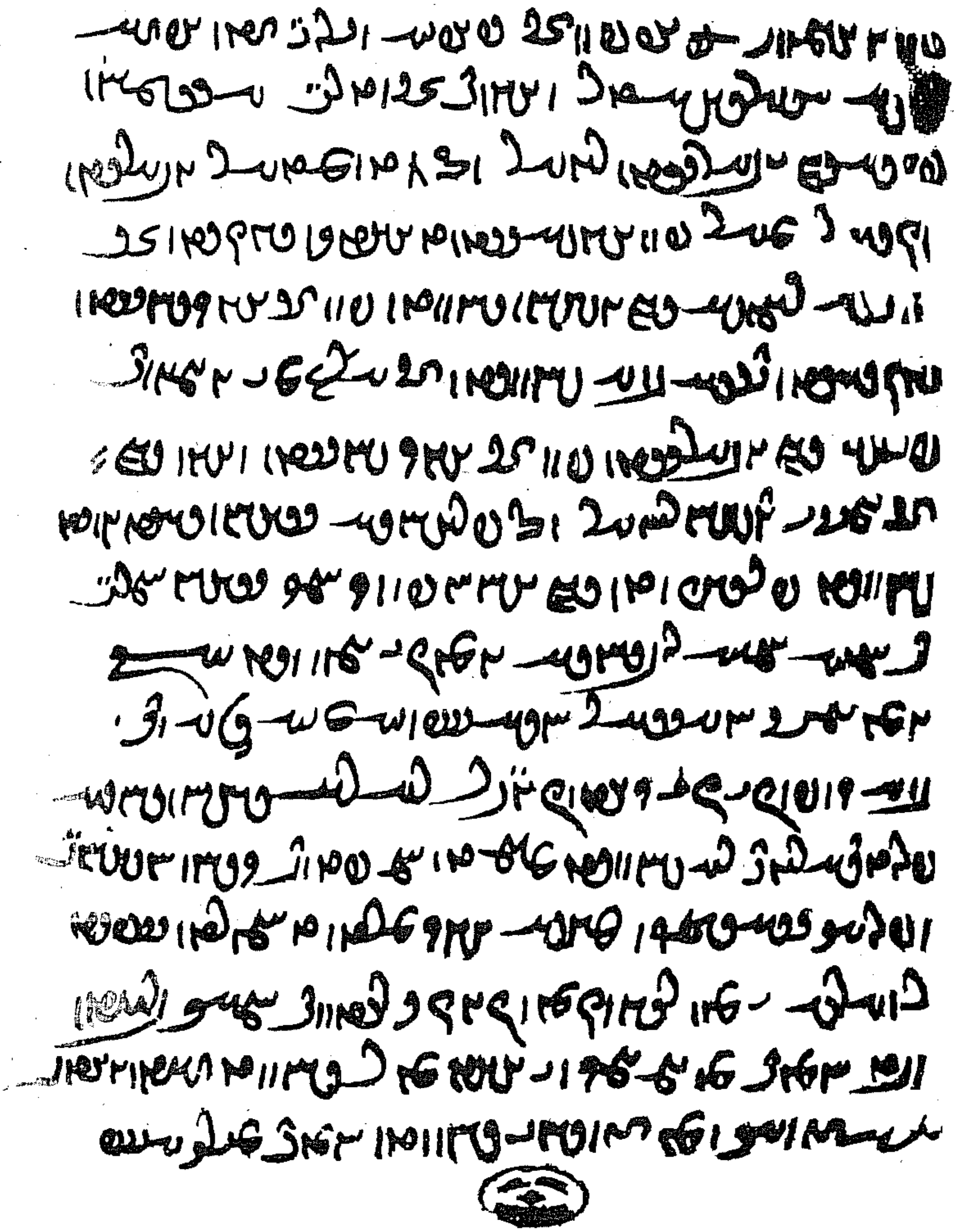


FOL. 15 v.



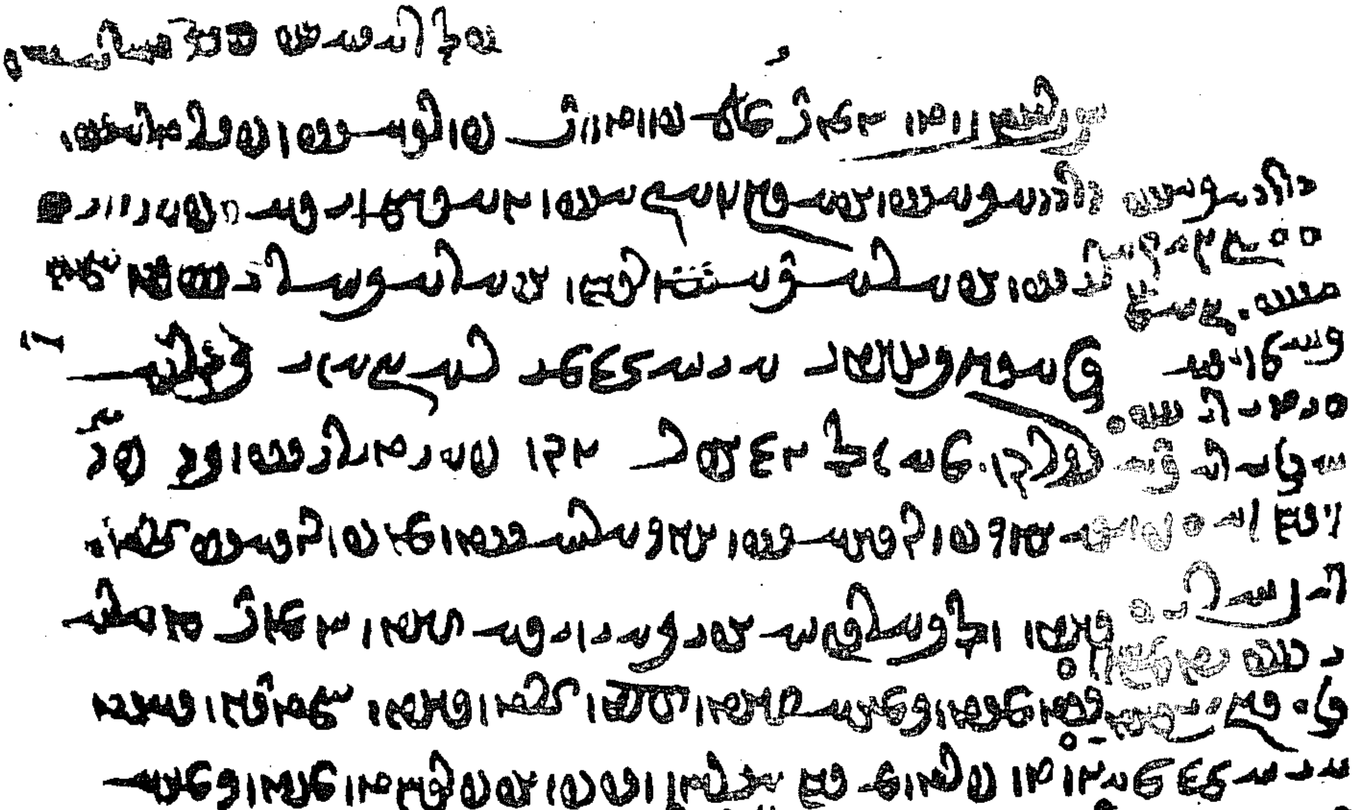
FOL. 16 r.

[illegible]



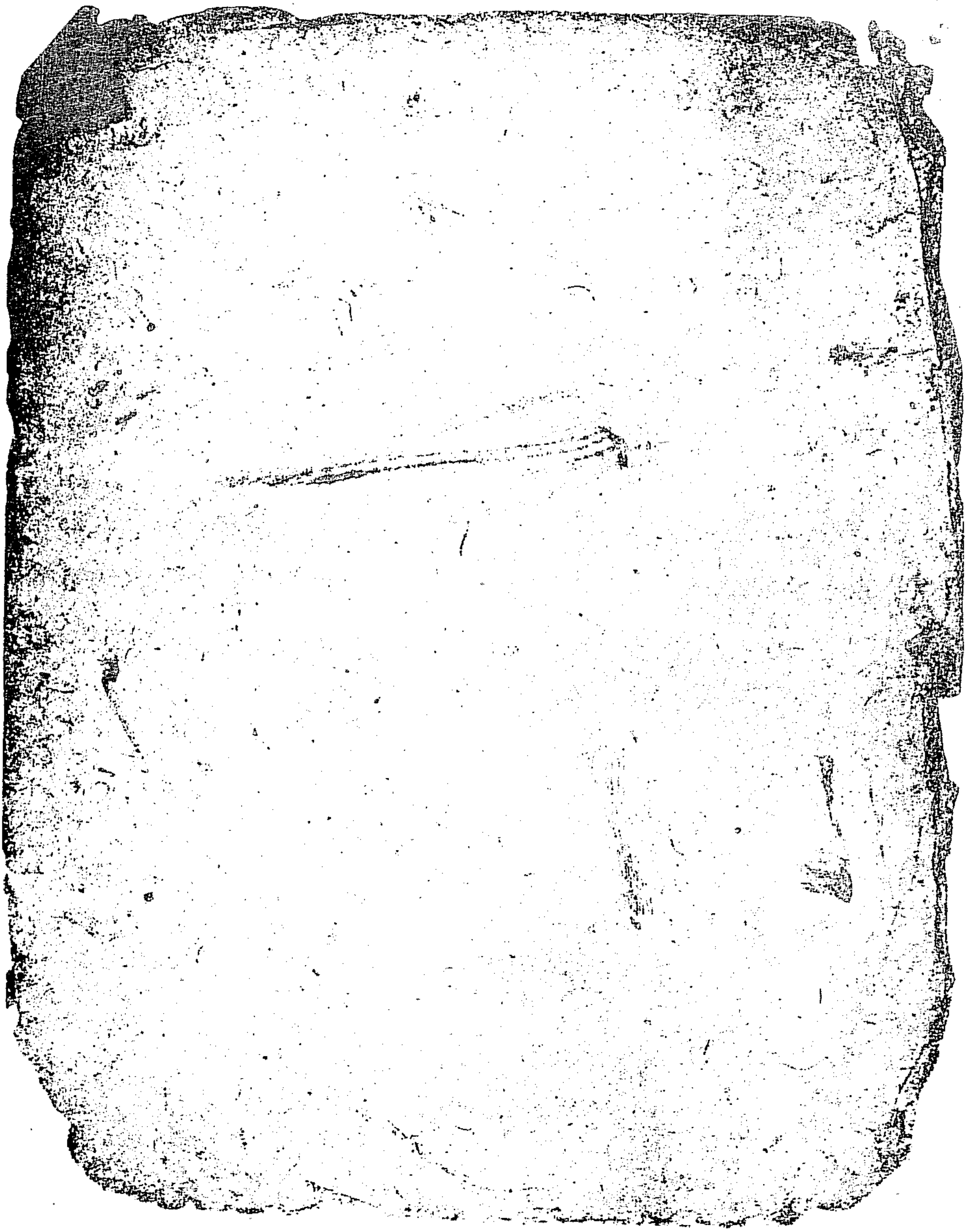
[illegible]

[illegible]



FOL. 21 r.

FOL. 21 v.



FOL. 22 r.



mains, and which probably dates back at any rate to the first half of the 14th century. The copy, eighteen leaves covered with writing, probably dates from the 16th or 17th century.

K 20 b possesses special interest by the fact that it is descended neither from K 20 nor from M 51, but was copied from a third manuscript antedating these two. Thus it represents an independent textual tradition within the Indian redaction of the Bundahišn.

Arthur Christensen.

groups of the Indian Bundahišn. It follows from this, however, that the Indian Bundahišn is not so unimportant as has sometimes been made out after the discovery of the Iranian Bundahišn. Of the manuscripts of the Indian Bundahišn, M 51 was written in 1397, and K 20 dates back to about the same time; but the preserved manuscripts of the Iranian Bundahišn are of considerably later date, two of them from about 1530 and 1577 respectively, and the third one even a little later. In certain passages of the Iranian Bundahišn words, phrases, or parts of phrases, indispensable to the sense, but omitted by the carelessness of the copyists, can be supplied from the Indian Bundahišn, and vice versa.

K 20 b is an incomplete manuscript of the Bundahišn. It consists of a single leaf, the text of which corresponds to Westergaard's edition p. 18, line 9 to p. 20, line 12, and 20 leaves written by another hand which correspond to the text in Westergaard's edition in the manner explained below (the Gujerati numbering at the top of the verso pages shows that the first two leaves are lost).

Fol. 3 begins with p. 2, line 10 of Westergaard's edition.

On fol. 15 r., line 16, the copyist leaps from the passage p. 20, line 10, second word, of Westergaard's edition, to Westergaard's p. 74, line 1, second word, without in any way marking the gap in the text. Probably he quite mechanically copied a defective manuscript. A calligraphic opening formula has been inserted in the middle of the text and occupies fol. 13 r. On fol. 20 r., line 12, the Bundahišn concludes (corresponding to Westergaard's edition p. 82). The rest of fol. 20 contains the beginning of the Vahman Yašt, corresponding to K 20 fol. 129 v., line 3 to fol. 130 r., line 7.

Folios 21 and 22 are blank.

The separate leaf is older than the continuous leaves. On this subject West writes (most probably according to information received from Westergaard[1]): "The nineteenth folio is a fragment of another manuscript apparently in the handwriting of Mitrō-āpān, son of Kai-Khūsrōb, who wrote K 1 and K 5 in 1323–24; it . . . is probably a last remnant of the MS. from which the other eighteen folios were copied." This latter statement is evidently correct. The correspondence of the old leaf with the corresponding passage in the later codex shows that the latter was copied from the old manuscript of which a single leaf re-

[1] Grundriss der Iranischen Philologie, II, p. 98, cfr. also West's Pahlavi Texts, I. p. XXVIII, note 1.

20) Fol. 175 v., line 1: Patīt ē χwaδ (confession of sins for one's own person). Pahlavi. Published by Spiegel in Einleitung in die traditionellen Schriften etc., II, p. 309—313. The text comes to an end on fol. 177 v.; fol. 178 is blank.

One of these treatises, viz. No. 8, Bundahišn, already exists in a facsimile edition after K 20. This edition, published by Westergaard in 1851, was mentioned above under No. 8. The original title of this treatise is now generally supposed to have been Zand-āγāsēh, which may be translated by "Knowledge of the Traditions"; but the passage from which this title is inferred is not absolutely clear, and at all events the title "Bundahišn" has long ago become authorised by usage. Anquetil Duperron was the first to make the Bundahišn known in Europe, translating it from a manuscript which he brought home to France from India. The original, of which Anquetil Duperron's manuscript was a copy, was K 20, since acquired by Rask. Most of the extant manuscripts of the Bundahišn are descended either from K 20 or from M 51; K 20 b, however, is an exception, of which more hereafter. Justi's edition of the Bundahišn is based on Westergaard's, but with the additional use of manuscripts belonging to the other group.

Besides this Bundahišn, called the "Indian Bundahišn" from the place where it has been found, there is the so-called "Iranian" or "Great" Bundahišn of which three manuscripts are extant, and moreover a small fragment in K 43; the latter has been published in facsimile by Andreas in a supplement to his Mēnōγē-χraδ edition.[1] Since then the complete text has been published by Anklesaria[2] in a photo-zincographed facsimile of one of the three manuscripts (TD 2), with variant readings from one of the other two (DH). As to the relation between the two Bundahišns, varying opinions have been advanced. The comparisons I have been able to make between some chapters in the two redactions render it beyond doubt to me that the fuller Iranian Bundahišn represents the original text, of which the Indian Bundahišn is an abridged version. In fact, the Indian Bundahišn, in one group of manuscripts, has, as a sort of heading, the introductory words: "From the Zand-āγāsēh".[3] Thus with regard to the portions occurring in both Bundahišns, the Iranian Bundahišn merely represents an independent group of manuscripts that can be traced back to the same original text as the manuscript

[1] The Book of the Mainyo-i-khard, also an old Fragment of the Bundehesh, ed. by F. C. Andreas, Kiel 1882.

[2] The Būndahishn, ed. by the Late Ervad T. D. Anklesaria, with an Introduction by B. T. Anklesaria, Bombay 1908 (The Pahlavi Text Series, publ. under the Auspices of the Victoria Jubilee Pahlavi Text Fund, vol. III).

[3] In K 20 the preposition "from" has dropped out in front of "Zand-āγāsēh".

8) Fol. 88 r., line 5: Bundahiān. Pahlavi. Editions: Bundehesh, liber Pehlvicus. E vetustissimo Codice Havniensi descripsit N. L. Westergaard, Havniae 1851; F. Justi, Der Bundehesh, Leipzig 1868 (with a translation); M. R. Unvalla, The Pahlavi Bundehesh (lith.), Bombay 1897. Translation by West, Pahlavi Texts, I, p. 3—151.

9) Fol. 129 v., line 3: Vahman Yašt. Pahlavi. Edition: The Text of the Pahlvi Zand-i-Vōhūman Yasht, by Kaikobād Ādarbād Nosherwân. Poona 1899. Translation by West in Pahlavi Texts, I, p. 189—235. Cfr. Spiegel, Einleitung in die traditionellen Schriften der Parsen, II. p. 128 ff.

10) Fol. 143 r., line 4: Andarz ē Ōšnar ē Dānāy. Pahlavi. Edition: Andarj-i Aōshnar-i Dānāk, ed. by Ervad B. N. Dhabhar, Bombay 1930 (Pahlavi Text Series, published by the Trustees of the Parsee Panchayat Funds and Properties, No. 4).

11) Fol. 148 r., line 19: Mādīyān ē Gajastag Abāliš. Pahlavi. Edition: A. Barthélemy, Gujastak Abalish, Paris 1887 (Bibl. de l'École des Hautes Études, 69e fasc.).

12) Fol. 152 r., line 8: Āδurbaδ ē Mahrspand's Answers to the Questions of the Persian King. Pahlavi. Cfr. Spiegel, Einleitung in die trad. Schriften, II, p. 135 (No. 13).

13) Fol. 152 r., line 20: Yašt fragment. Avesta and Pahlavi. The Avesta text is identical with §§ 39—42 of fragment XXII in Westergaard's Zendavesta (p. 300). Transcription: Darmesteter, Ét. iran., II, p. 340 ff.

14) Fol. 156 r.: Srōš Yašt Hāδōxt. Avesta text (Yašt 11) with a Pahlavi version. The first paragraphs of the Yašt have occupied the missing folios 154—155; fol. 156 begins in the middle of § 6. Transcription: Darmesteter, Ét. iran., II, p. 333 ff.

15) Fol. 159 v., line 5: Extracts of the Yasna. Avesta text with a Pahlavi version. Y. 11, 17—18, Y. 12, Y. 13 and the beginning of Y. 29, 6 to asāṱčiṱ hačā.

16) Fol. 165 v., line 14: On the Recital of the Yaθā-ahū-vairyō a certain number of times on certain occasions. Translated by West in Pahlavi Texts. I, p. 390 ff.

17) Fol. 166 v., line 7: A Pahlavi Rivāyat. Translated by West in Pahlavi Texts, I, p. 334 ff., as the second part of the Šāyast-nē-šāyast.

18) Fol. 171 r., line 7: Čim ē gāsān. (On the meaning of the Gāthās). Pahlavi. Translated by West in Pahlavi Texts, I, p. 352 ff., as a chapter of the Šāyast-nē-šāyast.

19) Fol. 175 r., line 2: On the Drōn Sacrifice. Pahlavi. Translated by West in Pahlavi Texts, I, p. 369 ff., as a chapter of the Šāyast-nē-šāyast.

1) Fol. 2 (the beginning, fol. 1, is lost): *Ardāy Virāz*[1] *Nāmay*. Pahlavi. Ed. with translation: Hoshangji Jamaspji Asa, Haug and West, The Book of Arda Viraf etc., Bombay, London 1872. Later edition: Arda Viraf Nameh, the Original Pahlavi Text, ed. by Kaikhusru Jamaspji Jamasp Asa, Bombay 1902. Translation: A. Barthélemy, *Artâ Virâf-Nâmak, ou Livre d'Ardâ Virâf*, Paris 1887.

2) Fol. 29 r., line 11: *Māδyān ē Yavišt ē Fryān*. Pahlavi. Ed. with a translation in Hoshangji Jamaspji Asa, Haug and West, The Book of Arda Viraf etc. (see above) pp. 208 and 249. Translation: A. Barthélemy, Une légende iranienne, traduite du pehlevi, Paris 1889.

Fol. 38 r., line 9: 1st colophon (A. Y. 690).

3) Fol. 38 r., line 16: *On the Length of a Man's Shadow at Noon and in the afternoon*. Pahlavi. Translated by West in Pahlavi Texts, I, p. 397 ff.

4) Fol. 39 r., line 4: *Yašt fragment* (from the Hāδōχt Nask). In the Avesta with a Pahlavi version. The Avesta text is identical with fragments XXI (as far as fol. 42 v., line 15) and XXII (to fol. 51 r., line 3) in Westergaard's Avesta edition (Zendavesta, I, Copenhagen 1852—54, p. 294 ff.); the Pahlavi version with an English translation occurs in Hoshangji Jamaspji Asa, Haug and West, Arda Viraf etc. (see above), p. 269 and 303. The conclusion from fol. 50 v., line 10 (XXII, 38 in Westergaard) is identical with Yašt 1, 31.[2] It is not included by Hoshangji Jamaspji, Haug and West.

5) Fol. 51 r., line 5: *Ahriman's Directions to the Demon Xēšm* (Aēšma). Pahlavi. Edited by Justi as an additional chapter (chapt. 35) of the Bundahišn (F. Justi, Der Bundehesh, Lpz. 1868, text p. 82, translation p. 46). Translated by West in Pahlavi Texts, I, p. 387 ff.

Fol. 51 r., line 18: 2nd colophone (A. Y. 720).

6) Fol. 51 v., line 13: *Šāyast-nē-šāyast*. Pahlavi. Edition with translation: Šāyast-nē-šāyast, a Pahlavi Text on Religious Customs, ed. by J. C. Tavadia, Hamburg 1930 (Alt- und Neu-Indische Studien, herausg. vom Seminar für Kultur und Geschichte Indiens an der Hamb. Universität, 3). Earlier translation by West, Pahlavi Texts, I, P. 239—334.

Fol. 74 r., line 16: 3rd colophon, Persian (A. Y. 700).

7) Fol. 74 v., line 3: *Frahang ē oīm*. Avesta-Pahlavi vocabulary. Edition: H. Reichelt, Der Frahang i oīm, Vienna 1900 (Wiener Zeitschr. f. die Kunde des Morgenlandes, XIV, 3).

[1] The traditional reading is Virāf.

[2] In Haug and West's enumeration of the contents of *K 20* in the Introductory Essays to the Book of Arda Viraf, this piece (Yt. 1, 31) has been separated from the preceding part under the appellation of No. 5. This makes the numbering of the following pieces different from the one here employed.

rightly be fol. 143 as it is occupied by the continuation of fol. 142, has been misplaced as fol. 147[1]; the recto page of this leaf is occupied by the conclusion of the Vahman Yašt and the beginning of the Admonitions of Ōšnar. By means of Bartholomae's catalogue of the manuscripts in Munich[2] I found the conclusion of the Admonitions of Ōšnar on p. 148 r. Thus in addition to these two leaves the Admonitions of Ōšnar occupies three others, one having been lost, as previously stated. I found it impossible to establish the correct order of these three leaves, especially because of their present condition. Dhabhar's recently published Bombay edition of the Admonitions of Ōšnar was not accessible to me. It is due to the kind help of Dr. Tavadia, who has specially examined this part of our manuscript, that I have now been enabled to rearrange the three leaves.

In addition to the folio numbers the present edition is provided with a continuous pagination which does not take account of the missing leaves.

The manuscript has three colophons (see below), giving in succession the dates 690, 720, and 700 of the Yazdgard era (A. D. 1321, 1351, and 1331). On this subject West says:[3] "Three of the texts, occurring before the Bundahišn, have dated colophons, but the dates are A. Y. 690, 720, and 700, all within 36 folios; it is, therefore, evident that these dates have been copied from older MSS.; but at the same time the appearance of the paper indicates that the actual date of the MS. cannot be much later than A. Y. 720 (A. D. 1351), and there are reasons for believing that it was written several years before A. Y. 766 (A. D. 1397)." In a later passage West enlarges upon these reasons which are the result of a comparison of our manuscript with the Munich MS. M 6 (now M 51 in Bartholomae's catalogue)[4]. "The close correspondence of K 20 and M 6 in most other places renders it probable that they were copied from the same original, in which case K 20 must have been written several years earlier than M 6, before the original MS. became decayed and difficult to read. It is possible, however, that K 20 was copied from an early copy of the original of M 6; in which case the date of K 20 is more uncertain, and may even be later than that of M 6." It may, however, be considered fairly certain that K 20 was written at the latest in the beginning of the 15th century of our era; it is most probable that it dates from the latter half of the 14th century.

K 20 comprises the following texts:

[1] The leaf numbered 143 by Westergaard already occupied this place in the manuscript when K 21 was copied from it.

[2] "Die Zendhandschriften der K. Hof- und Staatsbibliothek in München" (1915), p. *9.

[3] Pahlavi Texts, I, p. XXVII.

[4] Ibid., p. XXX.

what part of the manuscript in question the passage or section occurs of which they desire a copy. It is to be hoped, therefore, that the present facsimile edition will be of some use to Iranists.

In its present condition K 20 consists of 173 folios. Ever since it has been in the possession of the Library, it has been in rather a bad state of preservation, "several folios being lost and many others torn and much worn."[1] Westergaard had already noticed that 5 leaves were lost. In consequence hereof the folios have been numbered 1—178 on the sheets in which each leaf has been placed, the missing folios being determined as 1, 121, 145, 154, and 155. Now in the upper left hand corner of the recto pages the leaves of the manuscript were originally marked with Gujerati numerals. These figures have for the most part disappeared, the corners of the leaves having been worn off, but there are sufficient traces left to show that the folio numbers of the jackets agree with the Gujerati numbers as far as 93, whereas from fol. 97 onwards they differ by 2, fol. 97 of the jackets corresponding to fol. 99 of the Gujerati numbering. Since, however, no leaves are missing between the folios 93 and 97,[2] as is evident partly from the context and partly from a comparison with the so-called "Iranian Bundahišn", the discrepancy must be due to carelessness on the part of the scribe who originally made the Gujerati numbering. Another now mostly illegible, Gujerati pagination at the bottom of the verso pages agrees, where legible, with that of the jackets. As a rule I have preserved the numbering of the jackets, but some rearrangement has been necessary. As found out some years ago by Dr. J. C. Tavadia[3] on a careful perusal of the Pahlavi Rivāyat to which these leaves belong, folios 167—170 should be rearranged; the leaf marked fol· 170 ought to have been fol. 167; fol. 167 would then be fol. 168 and so on. We are even worse off, however, in regard to the leaves occupied by the Admonitions of Ōsnar, all of them being loose and one of them lost. K 21, which is a copy of K 20, cannot help us since it is even more defective than the original in this part. According to a pencil note on the cover, the order of the leaves is uncertain. The leaf which should

[1] M. Haug's and E. W. West's Introductory Essays in The Book of Arda Viraf (1872), where K 20 is described on p. V—VII. Another, briefer description is to be found in the 1st volume of West's Pahlavi Texts (The Sacred Books of the East, vol. V) on p. XXVII f.; it is also mentioned in several places in West's "Pahlavi Literature" in "Grundriss der Iranischen Philologie", II.

[2] P. 12—19 in Westergaard's facsimile edition of the Bundahišn.

[3] To Dr. Tavadia, Lecturer in the University of Hamburg, I am indebted for various information utilised by me in the present account.

INTRODUCTION

IT is a well-known fact that the University Library at Copenhagen possesses some of the oldest and most valuable Avesta and Pahlavi manuscripts still preserved to us. That the Library obtained possession of this collection was due to two men. Rasmus Rask acquired the greater part in India during his journey in the East in 1816–1823. This part includes a manuscript of the Vendidad, known as K 1, and dating from A. D. 1324, a Yasna manuscript, K 5, dating from 1323, and the present manuscript, K 20. The collection received a considerable addition by the manuscripts which N. L. Westergaard, subsequently Professor of Indian Philology in the University of Copenhagen, brought home from his journey in India and Persia in 1841–1844; these included amongst others K 35 with Dāδastān ē dēnīγ etc. and K 43, comprising the Pahlavi text of Mēnōγē-χraδ, which F. C. Andreas discovered and published in facsimile after this manuscript in 1882. Of the earlier portion of the collection Westergaard made a brief catalogue printed in 1846 but long since out of print. There exists no printed catalogue of the manuscripts brought home by Westergaard himself. However, the work of providing a detailed scholarly description answering to modern requirements, of all the 43 numbers of the collection, is now in progress, and it is to be hoped that it will not take many years before this new catalogue is finished.

For Iranian scholars who need the manuscripts in our University Library for purposes of collation with a view to the publication of texts etc., there is now a great deal of trouble connected with the use of them. These inquirers must either come to Copenhagen themselves, often from distant parts of the world, or they must procure a copy of the passages they need in the manuscript in question. It is true that, with the means of reproduction at present available, this is considerably easier nowadays than formerly, but it presupposes that they should be able to state, on the basis of more or less casual references in the literature, in exactly

Messrs. Levin & Munksgaard of Copenhagen, the first instalment, comprising K 20 and K 20 b, can be issued. It is to be hoped that it will be possible to continue the series.

The University Library is greatly indebted to Mr. Arthur Christensen, Ph. D., Professor of Iranian Philology in the University of Copenhagen, for kindly undertaking the task of editing the series and writing an introduction to each volume.

Svend Dahl,
Principal Librarian of the University Library.

PREFACE

THE University Library of Copenhagen has for a number of years been well aware of the duties incumbent on it with regard to the publication of a facsimile edition of the invaluable Old Iranian Codices in its possession, brought home by the Danish scholars Rasmus Rask and N. L. Westergaard. During recent years the Library has been gratified by receiving an ever increasing number of requests from foreign Iranists for the loan of these manuscripts, with a view to the publication of texts or for similar purposes. But the lending of the originals, especially of the earliest and scientifically most valuable codices, was not practicable, their fragile condition rendering it risky to expose them to transportation. Hence the Library has hitherto only been able to meet any wishes for the use of them in a very unsatisfactory way, generally by photographing pages or sections of the manuscript required.

This made it all the more necessary that the most valuable manuscripts should be published in facsimile, and at the 16th International Congress of Orientalists at Athens in 1912, one of the librarians, Mr. J. Eyser, Keeper of Oriental Printed Books and Manuscripts, submitted the question of such an edition in the sections for Comparative Philology and Indo-Iranian Philology. A unanimous resolution was then passed in both sections to the effect that "it would be of great scientific importance to arrange for the publication of complete and exact facsimiles of the valuable Avesta and Pahlavi manuscripts preserved in the University Library at Copenhagen." At one time it was thought that the means necessary for this undertaking should be procured by international assistance. In the meanwhile the great war broke out and critical times followed, and the plan of the facsimile edition had to be temporarily abandoned. There has been no lack of attempts to realise it since, but it is only now that, thanks to the interest shown by the publishers

Printed in Denmark

THE PAHLAVI CODICES K 20 & K 20 b

CONTAINING ARDĀGH VĪRĀZ-NĀMAGH, BUNDAHISHN ETC.

Published in facsimile by
The University Library of Copenhagen

WITH AN INTRODUCTION

BY

ARTHUR CHRISTENSEN

AT THE EXPENSE OF
LEVIN & MUNKSGAARD, PUBLISHERS
COPENHAGEN, MCMXXXI

CODICES AVESTICI ET PAHLAVICI BIBLIOTHECAE
UNIVERSITATIS HAFNIENSIS
VOL I

THE PAHLAVI CODICES K 20 & K 20 b

CONTAINING ARDĀGH VĪRĀZ-NĀMAGH, BUNDAHISHN ETC.

Published in facsimile by
The University Library of Copenhagen

WITH AN INTRODUCTION
BY
ARTHUR CHRISTENSEN

AT THE EXPENSE OF
LEVIN & MUNKSGAARD, PUBLISHERS
COPENHAGEN, MCMXXXI

THE PAHLAVI CODICES K20 & K20b